



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

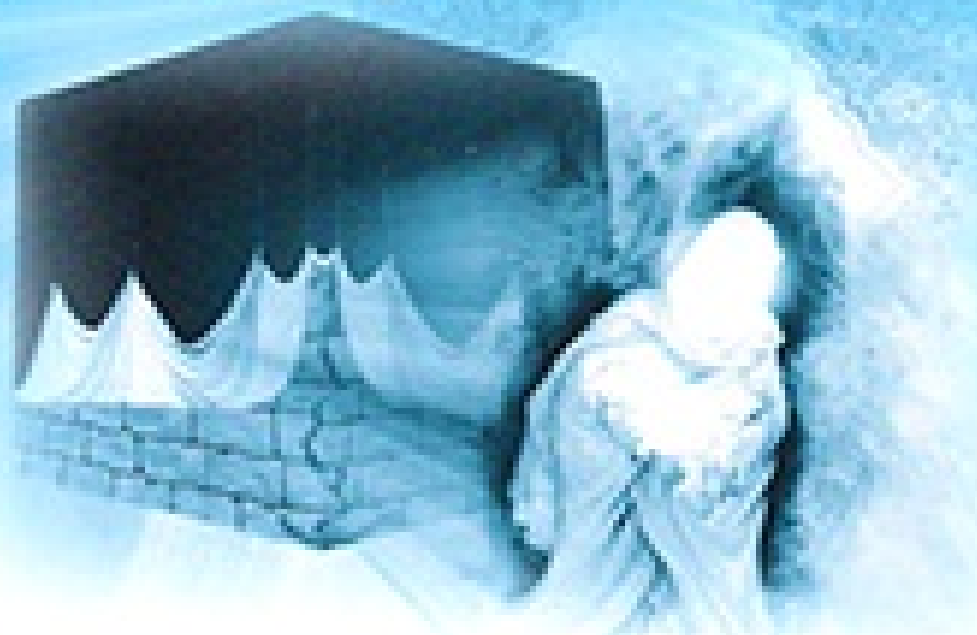
.net

.ir

فاطمه

بنت اسد

دامان نبوت و امامت



بیاض تألیف و مطالعات علمی

مؤسسه جهانی سیدین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فاطمه بنت اسد، دامان نبوت و امامت

نویسنده:

موسسه جهانی سبطین علیهما السلام

ناشر چاپی:

موسسه جهانی سبطین (علیهما السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	فاطمه بنت اسد، دامان نبوت و امامت
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۱	تقدیم به:
۱۲	سخن موسسه
۱۶	کلام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در ستایش فاطمه بنت اسد:
۱۷	پیشگفتار
۲۴	بخش نخست: تبار و شخصیت
۲۴	تبار شناسی فاطمه بنت اسد
۲۴	تبارشناسی مادر فاطمه بنت اسد
۲۶	سیر زندگانی فاطمه بنت اسد
۲۷	جایگاه فاطمه بنت اسد
۳۲	فاطمه، سرپرست و مادری مهربان برای رسول خدا صلی الله و علیه و آله وسلم
۳۶	بخش دوم: جایگاه و منزلت فاطمه بنت اسد
۳۶	بیعت، وفاداری و یاری
۳۸	هجرت فاطمه بنت اسد
۴۰	فاطمه بنت اسد، راوی احادیث نبوی
۴۰	بشارت ها و فضایل
۴۵	بخش سوم: فرزندان فاطمه بنت اسد
۴۵	اشاره
۴۶	طالب
۴۷	عقیل
۵۴	جعفر

۵۸	أم هانی
۶۱	جمانه
۶۲	علی امیرالمؤمنین علیه السلام
۶۳	بخش چهارم: بارداری فاطمه بنت اسد و ولادت مولود کعبه علیه السلام
۶۳	اشاره
۷۰	بشارت پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوطالب علیه السلام
۷۲	شاهدی بر حکمت و بلاغت ابوطالب
۸۳	رؤیای صادق
۸۵	دوران بارداری فاطمه بنت اسد
۸۹	مولود کعبه علیه السلام و چگونگی زایمان فاطمه بنت اسد
۱۱۴	ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام در کعبه
۱۱۸	روایتی دیگر پیرامون تولد امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۲۴	بزرگان ادب، میلاد علی علیه السلام را می سرایند
۱۴۹	رسول خدا صلی الله و علیه و آله عهده دار سرپرستی علی علیه السلام
۱۵۵	بخش پنجم: رحلت فاطمه بنت اسد
۱۵۵	اشاره
۱۷۱	نسل فاطمه بنت اسد، شهیدان کربلا
۱۷۲	نکاتی برجسته از روایات مطرح شده پیرامون فاطمه بنت اسد
۱۷۸	آرامگاه فاطمه بنت اسد
۱۸۰	زیارت نامه ی فاطمه بنت اسد
۱۸۶	فهرست آیات کریمه
۱۸۷	فهرست روایات
۱۸۹	فهرست اشعار
۱۹۱	فهرست اعلام (اشخاص، قبایل، اماکن)
۲۰۱	فهرست منابع و مآخذ
۲۰۷	فهرست مطالب

۲۱۱	دستاوردهای علمی مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام
۲۱۱	به زبان فارسی
۲۱۲	به زبان عربی
۲۱۶	به زبان انگلیسی
۲۱۶	به زبان فرانسه
۲۱۶	به زبان اردو
۲۱۷	آثار در دست اقدام مؤسسه جهانی سبطین
۲۱۹	درباره مرکز

فاطمه بنت اسد، دامان نبوت و امامت

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: فاطمه بنت اسد، دامان نبوت و امامت

مشخصات نشر: قم: موسسه جهانی سبطین (ع)، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۷۰-۱۳-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیپای مختصر

یادداشت: فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است

شناسه افزوده: موسسه جهانی سبطین (ع)

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۳۰۵۷۴

ص: ۱

اشاره

ارجمندترین آفریده پروردگار پس از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم.

نخستین کسی که درون کعبه دیده به جهان گشود و پس از وی، هیچکس افتخار ولادت در آن مکان مقدس را نیافت؛

فرمانروای مؤمنین و پیشوای پیشانی سفیدان نورانی در بهشت؛

احیاگر سنت و نابودکننده بدعت؛

«صدیق اکبر»، «فاروق اعظم» و پرچمدار روز رستاخیز؛

ساقی کوثر، سرور و مولای ما امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام.

با توجه به اهمیت شخصیت و جایگاه ممتاز و متمایز فاطمه بنت اسد، که نشأت گرفته از پیشگامی آن بانو در ایمان به پیام و پیامبر اسلام، خدمتگزاری وی برای رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و افتخار ورودش به کعبه برای تولد بزرگترین شخصیت عالم پس از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم برای شخصیت برجسته آن بانوی بزرگ، در زمان حیات، هنگام وفات و پس از درگذشت او، جایگاهی بسیار والا قائل بوده اند؛ تا بدانجا که ایشان، نمازی بی مانند بر پیکر این بانوی بزرگوار گزارد و او را مادر دوم خویش خطاب نمود. همه حقایق مذکور که به فاطمه بنت اسد، ارزش و جایگاهی ویژه می بخشد، بزرگواری این شخصیت و اهمیت معرفی ابعاد برجسته و مهمی از زندگی وی و همچنین اهمیت پژوهش و نگارش پیرامون این بانوی ممتاز را برای ما روشن می سازد و کتاب پیش رو به همین مهم پرداخته است.

مؤسسه جهانی سبطین علیهما السلام پس از دریافت نسخه آغازین تحقیق حاضر به زبان عربی، به مراجعه و پژوهش در منابع و کاوش در مصادر تاریخی، روایی و سیره پرداخت و پس از بازبینی اصلاح و افزودن مطالب مهم و تأثیرگذاری که از قلم افتاده بود، موفق به چاپ و نشر کتاب به زبان عربی گردید؛ البته این پژوهش با دشواری‌هایی همراه بود؛ چرا که پیگیری و شناخت این گونه شخصیت‌های اسوه، نمونه و مؤثر در تاریخ اسلام و حتی تاریخ بشریت، به آسانی میسر نمی‌شود و دست‌های خیانتکار در طول تاریخ و عوامل توطئه‌چین روزگار، تا مرز محو احوال و آثار این شخصیت‌ها، پیش رفته‌اند. با این همه، انصاف و ضمیر آگاه تاریخ، آثاری اندک و گوشه‌هایی پراکنده از زندگی شخصیت‌های برجسته اسلامی را در قالب جملات و عباراتی کوتاه و پرباشان، به یادگار گذاشته است که تلاش نمودیم تحقیقات و اطلاعاتی مهم درباره بانو فاطمه بنت اسد را با توجه به محدودیت آن و در حد توان، در کتاب پیش رو سامان ببخشیم و آن را با ساختاری نو و دارای فصول و گفتارهایی منظم، در اختیار خوانندگان محترم قرار دهیم. امید است که مقبول واقع گردد.

شایان ذکر است که پس از انتشار کتاب به زبان عربی، به نام «فاطمه بنت اسد، حجر النبوه والإمامه»، درخواست‌های فراوان، نسبت به انتشار آن به زبان فارسی و دیگر زبان‌ها به مؤسسه جهانی

سبطین علیهما السلام ارائه گردید که نمایانگر اهمیت فراوان این گونه آثار و نیاز به آشنایی بخشی به جامعه اسلامی در این حوزه است. بر این اساس، پس از ترجمه متن عربی به فارسی توسط بخش ترجمه مؤسسه جهانی سبطین علیهما السلام با همکاری جناب استاد آقای علی قنوتی، مجدداً پژوهش پیرامون این شخصیت عظیم به شیوه ای تحقیقی آغاز گردید که حاصل آن، اثر پیش روست.

در پایان، بر خود لازم می دانیم مراتب تقدیر و تشکر خویش را به حضور ریاست محترم مؤسسه، حضرت آیت الله موسوی اصفهانی - دام ظلّه - که همواره با رهنمودهای عالمانه خویش، روشنگر راه و اهداف مؤسسه بوده اند، تقدیم کنیم و از استاد فقید مرحوم دکتر محمود بستانی رحمه الله که در جریان کار، راهنمایی های ارزشمند خود را در اختیار همکاران قرار دادند، یاد کرده و همچنین از فاضل گرامی، جناب آقای علی ربیعی که در مراحل علمی و فنی پژوهش و تألیف، نظارت همه جانبه خویش را اعمال و جامه ای آراسته بر تن این کتاب نمود، و نیز از فاضل ارجمند، جناب آقای بوذر دیلمی که در ویرایش و بازبینی متون نهایت همکاری را نمودند، سپاسگزاری و قدردانی نماییم.

پژوهش نسخه عربی کتاب که به نام «فاطمه بنت أسد، حجر النبوه والإمامه» انتشار یافته است، مرهون تلاش آقایان شاکر احمدی در بخش تصحیح متن و علی فیلی، علی خفاجی و صلاح نداف

اسدی در بخش تحقیق و استخراج منابع، رجال، اعلام و اماکن بوده است که از آن برادران فرزانه قدردانیم.

متن حاضر نیز که به زبان فارسی انتشار یافته است و دارای ویرایشی نوین و تحقیقات و اضافات پژوهشی است، حاصل تلاش آقای محمد حکیم می باشد که به بازمینی ترجمه فارسی و کنکاش در منابع و تطبیق آن با متن، استخراج شرح حال رجال احادیث، اعلام و اماکن جغرافیایی و تنظیم فهرست ها و نمایه های تخصصی پرداخته اند و از این پژوهشگر فرزانه و ارجمند کمال سپاسگزاری را داریم.

از خداوند متعال می خواهیم تا پژوهشگران، توفیق نگارش آثار بیشتری را پیرامون چنین شخصیت های بزرگ اسلامی به دست آورند؛ والله ولی التوفیق.

مؤسسه جهانی سبطين عليهما السلام

اسفند ماه ۱۳۹۶ شمسی - جمادی الثانی ۱۴۳۹ قمری

ص: ۸

کلام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در ستایش فاطمه بنت اسد:

«رحمک الله یا امی، کنت امی بعد امی، تجوعین و تشبعین، و تعرین و تکسین، و تمنعین نفسک طیباً و تطعمین، تریدین بذلک وجه الله والدار الآخرة»

هنگامی که فاطمه بنت اسد سلام الله علیها، ندای پروردگارش را لبیک گفت، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به به خانه او وارد گردید، بر بالین او نشست و فرمود:

«مادرم! خداوند تو را رحمت کند؛ تو پس از فوت مادرم، برای من مادر بودی؛ تو خود گرسنگی می کشیدی و مرا سیر می کردی؛ خود جامه ای نداشتی و بر تن من لباس می پوشاندی؛ خود را از نعمت های پاک الهی محروم می کردی، ولی به من غذا می دادی؛ و تو در همه این کارها، رضایت پروردگار و سعادت در سرای آخرت را طلب می نمودی.»

این روایت در منابع فراوان شیعه و اهل سنت نقل گردیده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- معجم الکبیر، تألیف: ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی (ت ۳۶۰ ه. ق.): ج ۲۴، ص ۳۵۲ و معجم الأوسط: ج ۱، ص ۶۷.

۲- المناقب، تألیف: احمد بن محمد خوارزمی (ت ۵۸۶ ه. ق.): ص ۴۷.

۳- مناقب آل ابی طالب، تألیف: محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی (ت ۵۸۸ ه. ق.): ج ۱، ص ۳۱.

۴- مجمع الزوائد، تألیف: حافظ، نورالدین علی بن ابی بکر هیثمی (ت ۸۰۷ ه. ق.): ج ۹، ص ۲۵۶.

۵- کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، تألیف: علاء الدین علی متقی بن حسام الدین هندی (ت ۹۷۵ ه. ق.): ج ۱۳، ص ۶۳۶.

(ضرورت معرفی اسوه های اسلامی)

فطرت حقیقت جوی انسان، همواره و در طول حیات بشری، تاریخ و تحلیل تاریخی را یکی از وسایل دست یابی به حقایق تاریخی و کشف حقیقت و واقعیت پیرامونی خویش انگاشته و با جستجو در اوراق تاریخ مکتوب و یا تتبع در مستندات شنیداری و تصویری تاریخ، به دنبال گمگشته خویش، یعنی حقیقت، بوده است. اما آنچه مسلم است، این است که راه و اسباب ورود در تاریخ و مسیر تاریخی، هموار نبوده و نیست و نیازمند استناداتی واقعی و یا قریب به واقع است تا پس از طی طریق، به هدف منتهی گردد؛ هدفی که جز حقیقت، چیزی نیست و یکی از راههای کشف حقایق تاریخی، جویایی آن از راستگوترین راویان حقیقت است.

از آنجا که دین و آیین محمدی (اسلام) تا روز قیامت، پا برجا و جاری خواهد ماند، پروردگار متعال بهترین و پاکترین خاندان را به آخرین پیامبر خویش هدیه فرمود و او را با این موهبت، تکریم نمود. خداوند سبحان در میان این خاندان، پیشوایان هدایت را

ص: ۱۰

برای همه نسل ها برگزید تا مردم را به راه راست، رهنمون شوند و با نیکویی روش و فراوانی و سرشار دانش خویش، نشانه های راه را برای آنان آشکار و نمایان سازند.

این پیشوایان نیز، مردم را از تاریکی های نادانی، سستی، کاهلی و اخلاق جاهلی رهانیدند و به گستره نور دانش، همت بلند و اخلاق نورانی فرشته وار، رهنمون شدند؛ و آیا از بزرگواران نیکو کرداری چون ائمه اهل بیت علیهم السلام را که خداوند در قرآن خویش، آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (۱) را در شأن آنان نازل فرموده است، انتظاری جز این می رود؟!

این پیشوایان در سایه عنایت پروردگار قرار دارند؛ از گناهان، پاک هستند و با ملکه ای رحمانی، برای فرمانبرداری از حضرت حق آماده اند. خدای تعالی، محبت به این پاکان را بر همه مؤمنان واجب نموده و این محبت را در شمار ستون های مستحکم ایمان، جای داده است؛ چنانکه می فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (۲)

سنت شریفه نبوی نیز در قالب روایات معتبر، محبت به ائمه ۲۳

ص: ۱۱

۱- «ای اهل بیت)، خداوند می خواهد آلودگی و پلیدی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند». احزاب: ۳۳.

۲- «بگو به ازای آن [رسالت]، پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان». شوری: ۲۳

اطهار- که هزاران درود و سلام بر ایشان باد- را مورد تشویق قرار داده و در صریح ترین بیانات، آنان را «کشتی های نجات» (۱) و «امان نامه امت» (۲) خوانده است؛ چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرمایند: «من در حال صلح هستم با کسی که صلح با آنان (اهل بیت سلام الله علیها) را برگزیند و در حال جنگ هستم با کسی که به جنگ با آنان بپردازد» (۳).

بدون تردید، در مسیر شناخت اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام، به عنوان یکی از گام های نخستین، باید درباره دامانی که رسول انسانیت، پیامبر اکرم صل الله علیه و آله و سلم، به آن سپرده شد، به گفتگو پرداخت.

از آن زمان که رسول اکرم صل الله علیه و آله و سلم مادر گرامی خود را از دست داد، سرپرستی ایشان به دامان پر مهر فاطمه بنت اسد (أم النبی (۴)، أم تیهما (۵) سپرده شد. فاطمه بنت اسد در کنار رسول انسانیت، باقی ماند، به راستی و نیکی او را تربیت نمود و غذا خوردن و آشامیدن و لباس پوشیدن او را بر خوراک و پوشاک فرزندان خویش، ترجیح داد. وی و همسرش ابوطالب، با مجاهدتی مخلصانه، شر دشمنان را از سر پیامبر صل الله علیه و آله و سلم کم می کردند و تمام شبهات و دشمنی هایش.

ص: ۱۲

۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه: ج ۱، ص ۲۱۸ و شهید اول، المزار: ص ۱۶۲.

۲- دکتر محمدعلی نیجانی، فاسألوا أهل الذکر: ص ۹۸.

۳- شیخ صدوق، معانی الأخبار: ج ۳، ص ۵۶ و همو، الاختصاص: ص ۲۲۳.

۴- مادر پیامبر.

۵- مادر پیامبرش.

مشرکین علیه ایشان را نقش بر آب می نمودند. از همین رو رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم بهترین پاداش دنیوی و اخروی را به فاطمه بنت اسد ارزانی داشت؛ به گونه ای که جامه خویش را کفن او قرار داد، به درون قبرش گام نهاد، بر پیکرش نماز گزارد، برای او طلب رحمت کرد، بر جنازه او گریست و برایش دعا نمود.

رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم عمویش ابوطالب را نیز از یاد نبرد و سال وفات او را عام الحزن (۱) نام نهاد. از این گذشته، وجود مبارک پیامبر صل الله علیه و آله و سلم و وصی او امیر مؤمنان علیه السلام، شفاعت خود را نصیب ابوطالب و فاطمه بنت اسد نمودند.

اینان دوستان خداوند و راستگوترین پرهیزگاران هستند؛ و ایشان در روز قیامت که ثروت و فرزندان هیچ سود و فایده ای برای انسان ندارد، و تنها صاحبان دل های پاک و بی آرایش سود خواهند کرد (۲)، پاکان، مدافعان و پیروان خویش را از ناپاکان و دشمنانشان جدا می کنند؛ حال که چنین است باید پیروان این سلاله پاک را بشارت داد که رستگاری عظیم در بهشت جاودان و درجاتی نیکو را برای خود تضمین کرده اند.

فاطمه بنت اسد، بانویی مخلص است که در راه عشق به رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم، جان بر کف نهاد. در دفاع از آیین یکتاپرستی، از هیچ

ص: ۱۳

۱- سال اندوه.

۲- اشاره به آیه شریفه: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ (۸۸) إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (۸۹)»، شعراء: ۸۸ - ۸۹.

کوششی فروگذار نکرد و فرزند بزرگواری به نام محمد بن عبدالله صل الله علیه و آله و سلم را در دامان خود پرورش داد که قهرمان اسلام، مرد دلاور میدان های نبرد و پیشاهنگ عظمت و بزرگی توحید، ارزش ها و اخلاق بود. همچنین فاطمه بنت اسد همان بانوی بزرگواری است که در پرورش پسر پایدار و نستوه خود، علی بن ابی طالب علیه السلام، نقشی عظیم بر عهده داشت؛ با این همه، تاکنون هیچ گونه کتاب مستقل، مفصل و اختصاصی و همچنین پژوهش محور پیرامون سیره این بانوی مخلص نوشته نشده است؛ از همین رو لازم بود تا با هدف پر کردن شکافی که پژوهشگران و نویسندگان از آن غافل مانده بودند، به کاوش و پژوهشی در ژرفای شخصیت و سیره این بانوی بزرگوار بپردازیم. نویسندگان و پژوهشگران اسلامی، همیشه سرگرم تحقیق و تحلیل برخی مسائل تاریخی بوده اند که سودی بیشتر و فایده ای بزرگتر در آن دیده اند. مورخان همواره به مباحث و مسائلی از تاریخ پرداخته اند که تاکنون بدان ها پرداخته نشده و در اموری تحقیق کرده اند که تاکنون تحقیق نشده است، تا از این رهگذر به عمق رخدادها نزدیک تر شده، دیدگاه ها را به هم نزدیک کنند و انسانهای غافل، غافل نما، فراموش کار و آنان که خویش را به فراموشی می زنند را به راه راست، رهنمون شوند.

از دیگر سو، نباید از کمبود منابع و اطلاعات تاریخی پیرامون

زندگی و سیره این بانوی بزرگوار، تعجب کرد؛ ما تلاش خود را در جهت دستیابی به اطلاعات تاریخی مرتبط با موضوع این کتاب و فراهم آوردن منبعی پژوهشی برای محققان به کار بستیم، اما جز موارد اندک و پراکنده، چیز دیگری در منابع قدیم روایی و تاریخی نیافتیم. در عباراتی کوتاه، تنها می توان به این موضوع اشاره کرد که خودخواهی های سیاسی و مطامع سلاطین مستبد و ستمکار حاکم بر مسلمانان، با خودخواهی و مطامع برخی مورخین، همراه شده و این ستم تاریخی را پدید آورده است؛ ظلمی تاریخی که از میان خواسته های سیاسی مستبدین زاده شده است؛ وجدان مورخان مذکور در همراهی با امیال و خواسته های پادشاهان خودخواه، از ثبت حقایق درخشان تاریخ، غافل مانده و یا به غفلت کشیده شده است. این جنایت که علیه پاکترین بزرگان و آبرومندان تاریخ، صورت پذیرفت، تلاشی ناپاک بود، با این هدف که این ستمکاران، بهتر از خود را ببینند؛ از همین رو، تاریخ را سر بریدند و جنایت بزرگ تقلب و حذف بزرگان شامخ تاریخ را، تا بدان جا که قدرت و ثروت یاری شان کرد، مرتکب شدند و یا به تحریف کشاندند و یا از اصل منکر شدند. سیاست کلی این فرمانروایان ستمکار در قبال مردم، هیچ نسبتی با روند و اهداف رسالت آسمانی پیامبر صل الله علیه و آله و سلم نداشت؛ از همین رو تلاش نمودند تا نموده ها و مصادیق عظمت و بزرگواری را تا سر حد امکان از صفحه روزگار محو نمایند.

بر این اساس، حقیقت تاریخی، امانت و مسئولیتی بزرگ است که تنها امانتداران و راستگویان می توانند به کاوش در اعماق آن بپردازند.

همواره قضاوت های تاریخی پیرامون شخصیت های بزرگ و تأثیرگذار تاریخ - با توجه به آنچه گفته شد - متفاوت بوده است؛ اما بدون تردید کشف جایگاه ایشان در میان صفحات به جای مانده از مورخان، می تواند دورنمایی واقعی را به مطالعه کننده تاریخ ارائه نماید؛ آنچه در کتاب پیش رو ملاحظه می کنید، نمونه ای از این تورق، با همان هدف مقدس است؛ امید است که مقبول واقع گردد.

والحمد لله رب العالمین.

بخش تألیف و مطالعات علمی مؤسسه جهانی سبطین صل الله علیه و آله و سلم

اسفند ماه ۱۳۹۶ هجری شمسی

ص: ۱۶

بخش نخست: تبار و شخصیت

تبار شناسی فاطمه بنت اسد

نام و تبار این بانوی گرامی بدین شرح است:

فاطمه دختر اسد بن هاشم بن عبد مناف بن قصی (۱) بن کلاب ابن مره بن کعب بن لؤی بن غالب بن فهر بن مالک بن نضر بن کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن الیاس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان بن أد بن أدد بن همیسع بن یشجب بن امین بن نبت بن قیدار ابن اسماعیل بن ابراهیم بن تارح بن ساروغ بن أرغو بن فالغ بن عابر - یعنی هود پیامبر علیه السلام- ابن شالغ بن آرفخشذ بن سام بن نوح ابن لمک بن متوشلغ بن آخنوخ - یعنی ادريس پیامبر علیه السلام- ابن یرد (یارد) بن مهلائیل بن قینان بن أنوش بن شیث بن آدم ابو البشر علیه السلام (۲).

تبار شناسی مادر فاطمه بنت اسد

نام و تبار مادر ایشان بدین شرح است: فاطمه بنت قیس بن هرم بن رواحه بن حجر بن عید بن بغیض بن عامر بن لؤی. وی دختر عموی زائده بن اصم بن هرم بن رواحه، جد مادری ۸.

ص: ۱۷

۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه: ج ۱، ص ۱۹؛ ابن بطریق، العمده: ص ۲۸ و علامه محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار: ج ۵، ص ۳۵.

۲- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۸.

۱- حضرت خدیجه علیها السلام؛ نخستین همسر پیامبر اسلام صل الله علیه و آل وسلم، نخستین زن مسلمان و مادر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام. پدرش خویلد بن عبد الغزی ابن قصی بن کلاب قریشی اسدی و مادرش، دختر زائده بود. حضرت خدیجه دارای القاب و کنیه های مشهوری بود که طاهره و أم هند از مشهورترین آنها به شمار می رود. مطابق با برخی گزارش های تاریخی، وی قبل از ازدواج با پیامبر اسلام صل الله علیه و آل و سلم، دو بار ازدواج کرده بود؛ یک بار با عتیق بن عائذ و پس از وفات وی با ابوهاله بن زراره بن تاش تمیمی، که البته در تاریخ این دو ازدواج، اختلاف نظر وجود دارد. ولی برخی محققان شیعه بر این باورند که حضرت خدیجه پیش از ازدواج با پیامبر اسلام صل الله علیه و آل و سلم، ازدواج نکرده بود و به دوشیزه بودن وی هنگام ازدواج با رسول خدا اشاره کرده اند. با وجود آنکه مردان ثروتمندی از قریش چون ابو جهل بن هشام، عقبه بن ابی معیط و شیبه بن ربیع از خدیجه خواستگاری کرده بودند، ولی او که در همکاری های تجاری، دلباخته امانت و درستکاری پیامبر اسلام صل الله علیه و آل و سلم گردیده بود، تمایل خویش به ازدواج با پیامبر صل الله علیه و آل و سلم را به آن حضرت رساند. در زمان ازدواج حضرت محمد صل الله علیه و آل و سلم و خدیجه در پانزده سال قبل از بعثت (۵۹۵ م.) سن خدیجه را ۲۸ سال یا کمی بیشتر و برخی ۴۰ سال نیز گفته اند. وی مدت ۲۵ سال در خانه پیامبر صل الله علیه و آل و سلم زندگی نمود و تا زمانی که زنده بود، رسول خدا صل الله علیه و آل و سلم همسر دیگری برنگزید. حضرت خدیجه در دهم ماه رمضان سال دهم بعثت درگذشت. پیامبر صل الله علیه و آل و سلم سال ها پس از مرگ خدیجه نیز از وی به نیکی یاد می کرد و به یاد او می گریست. ر.ک: دائرة المعارف تشیع: ج ۷، ص ۹۶، مدخل «خدیجه علیها السلام، همسر پیامبر اسلام صل الله علیه و اله و سلم» و دانشنامه جهان اسلام: ج ۱۵، مدخل «خدیجه».

سیر زندگانی فاطمه بنت اسد

فاطمه بنت اسد در خانه علم و معرفت متولد شد، پرورش یافت و به اخلاق نیک و سرشت بردباری، آراسته گردید. مکان و تاریخ دقیق ولادت فاطمه بنت اسد معلوم نیست و در برخی منابع، تنها به رشد وی در مکه اشاره شده است. (۲) با وجود آنکه در آن روزگاران، سرزمین و محل سکونت این خانواده، خالی از ایمان و دیانت بود، اما آنها برخلاف آن محیط غیر دینی، خداوند یگانه را می پرستیدند و به او و کتاب های آسمانی الهی ایمان داشتند. خود ایشان نیز، به سخنان جد بزرگوارش ابراهیم خلیل علیه السلام ایمان داشت؛ یعنی آیین حنیف و توحید ابراهیمی را پذیرفته بود. از شریعت ایشان پیروی می کرد و معتقد بود که کعبه را دستان مبارک ابراهیم علیه السلام بنیان نهاده است. با این تفصیل خانواده فاطمه بنت اسد به آداب و مناسک مذهبی و مراسم قدسی و معنوی پایبند بودند و آنها را به جای می آوردند.

سیر زندگانی فاطمه بنت اسد، نمونه بارز کمال و جلال به شمار می رود، چرا که وی گرانقدرترین خصایل زنان، یعنی انسانیت، پاکدامنی، کرامت، قداست، رعایت شئون، حمایت، و همچنین تیزهوشی و زیرکی و دانشی گسترده را در خویش گرد آورده بود و همین افتخار او را بس که مادر پیامبر خود، یعنی مادر

ص: ۱۹

۱- ابن سعد، الطبقات الکبری: ج ۶، ص ۱۶۶، شماره ۴۱۴۶.

۲- ر.ک: زرکلی، الأعلام: ج ۵، ص ۱۳۰.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم، مادر قهرمان اسلام علی بن ابی طالب علیه السلام، تنها همسر شیخ مکه ابوطالب، پرورش یافته مکتب نبوت و امامت و دانش آموخته دانشگاه رسالت بود.

جایگاه فاطمه بنت اسد

فاطمه بنت اسد از جایگاهی والا نزد خدا و رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم برخوردار بود؛ زیرا به گواهی تاریخ، وی نخستین زنی است که پس از نزول آیه ۱۲ سوره ممتحنه (۱) با پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بیعت کرد (۲). نخستین زنی است که با پای پیاده و بدون پای پوش از مکه به مدینه مهاجرت نمود و البته یازدهمین مسلمان و دومین زنی است که پس از خدیجه ایمان آورد (۳).

ص: ۲۰

۱- «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَاسْتَتَعْفُو لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ «ای پیامبر! چون زنان با ایمان نزد تو آیند که [با این شرط با تو بیعت کنند که چیزی را با خداوند شریک نسازند، و دزدی نکنند، و زنا نکنند، و فرزندان خود را نکشند، و بچه های حرام زاده پیش دست و پای خود را با بهتان [و حيله] به شوهر نبندند، و در [کار] نیک از تو نافرمانی نکنند، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه، زیرا خداوند آمرزنده مهربان است.» سوره ممتحنه: آیه ۱۲.

۲- ر.ک: ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین: ص ۵؛ اربلی، کشف القمه: ج ۱، ص ۳۰۶ و سبط ابن جوزی، تذکره الخواص: ج ۱، ص ۱۵۲.

۳- ر.ک: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۵۳، ح ۲؛ سید رضی، خصائص الأئمه علیه السلام: ص ۶۴؛ اربلی، کشف الغمه: ج ۱، ص ۳۰۶ و ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه: ج ۱، ص ۱۴.

از جمله کرامات و فضایل الهی فاطمه بنت اسد این است که همسر شیخ مکه ابوطالب و مادر فرزندان شجاع، دلاور و پر برکت وی بود و در سرپرستی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شریک ابوطالب بود؛ و به تحقیق، اراده پروردگار بر این قرار گرفت که فاطمه بنت اسد، نوزاد گرانقدر خویش را در درون بیت الله الحرام به دنیا آورد؛ فضیلت و جایگاهی که آن را محدثان و مورخان بزرگی چون علی بن حسین مسعودی (۱) در کتاب.

ص: ۲۱

۱- مسعودی؛ علی بن حسین بن علی، ابو الحسن هذلی بغدادی، مشهور به مسعودی. وی در حدود سال ۲۳۵ هجری قمری در بابل عراق به دنیا آمد. او علامه ای برجسته و متبحر بود که در مصر ساکن شد و در زمره تاریخ نگاران بزرگ قرار گرفت. وی از نوادگان عبد الله بن مسعود، صحابی معروف پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم است. ذهبی می نویسد: مسعودی در محضر ابو خلیفه جمحی، نبطویه و دیگران روایات و علوم را فرا گرفت. علامه تهرانی می نویسد: مسعودی از محمد بن یحیی عطار و حسن بن محمد بن جمهور از پدرش محمد بن جمهور از امام رضا علیه السلام نقل حدیث می کرد. مسعودی به سال ۳۰۱ بغداد را ترک گفت و سفر طولانی خود را به سرزمین های مختلف و دوردست را آغاز کرد. مسعودی فقیه، مفتی، اصولی، متکلم و آشنا به فلسفه بود و در ادبیات، ستاره شناسی (علم نجوم)، اخلاق، سیاست و علم انساب (تبارشناسی) دانشمندی توانمند و چیره دست محسوب می گردید و به عنوان استادی تاریخ نگار و جغرافی دانی متبحر مشهور گردید. چنانکه تألیفات متنوع و فراوان او همانند: مروج الذهب و معادن الجواهر، أخبار الزمان، التنبیه والاشراف، الواجب فی الفروض اللوازم، نظم الأدله فی أصول الملّه، إثبات الوصیه لعلی بن أبی طالب علیه السلام، الهدایه إلی تحقیق الولایه، أخبار الأمم من العرب و العجم، حدائق الأذهان فی ذکر آل محمد صل الله علیه و اله و سلم و تفرقههم فی البلدان و ... مهارت وی را در علوم گوناگون، آشکار می سازد. مسعودی به سال ۳۴۶ در مصر دیده از جهان فرو بست. ر.ک: موسوعه طبقات الفقهاء: ج ۴، ص ۲۸۰؛ رجال النجاشی: ص ۲۵۴، شماره ۶۶۵؛ شوشتری، قاموس الرجال: ج ۷، ص ۴۳۲، شماره ۵۱۰۹ و خوئی، معجم رجال الحدیث: ج ۱۲، ص ۳۹۵، شماره ۸۰۷۱.

۱- مسعودی، مروج الذهب: ج ۲، ص ۳۴۷.

۲- سبط ابن جوزی؛ یوسف بن قزغلی بن عبدالله ترکی عونى هیبری، شمس الدین ابو المظفر بغدادی، نوه ابو الفرج بن جوزی، مشهور به «سبط ابن جوزی» (تولد پس از ۵۸۰ - ۶۵۴ ه. ق.). وی محدث حافظ، مورخ، واعظ، و فقیه مذهب حنفی بود. وی در بغداد به دنیا آمد و بعدها به موصل و دمشق نقل مکان نمود. سبط ابن جوزی از پدر بزرگش (ابو الفرج بن جوزی)، و همچنین از عبد المنعم بن کلیب، عبدالله بن ابی مجد حربی، احمد و عبد المحسن فرزندان خطیب طوسی، ابو حفص بن طبرزد، ابو الیمن کنندی و دیگران به استماع و فراگیری احادیث پرداخت. وی در دمشق مسکن گزید و همانجا به صدور فتوا، تدریس و وعظ مشغول شد تا آنکه ریاست و عاظ شام را بر عهده گرفت و مجلس وعظ او ملامت از مشتاقان گردید. دمیاطی، عبد الحافظ شروطی، نجم شقراوی، ابوبکر بن شایب، ابو عبدالله بن زراد، عماد بن بالسی و عده ای دیگر به نقل روایات او پرداختند. از جمله تالیفات سبط ابن جوزی می توان به تفسیر القرآن، مرآه الزمان فی تاریخ الاعیان، شرح «الجامع الکبیر»، تذکره خواص الأئمه بذکر خصائص الأئمه (پیرامون امه دوازده گانه تشیع)، إیثار الإنصاف فی آثار الخلاف و منتهی السؤل فی سیره الرسول اشاره نمود. سبط ابن جوزی در عاشورای یک سال، در حالی که در ماتم حسین علیه السلام می گریست، این شعر را سرود: ویل لمن شفاعؤه خصماؤه والصور فی نشر الخلائق ینفخ لابد أن ترد القیامه فاطم و قمیصها بدم الحسین ملطخ؛ «وای به حال آنکه در روز قیامت، و در آن هنگامی که صور اسرافیل برای زنده کردن تمامی مردگان، نواخته می شود، شفیعان او، دشمنانش باشند. بی تردید فاطمه در حالی وارد قیامت می شود که پیراهنش به خون حسین آغشته است». سبط ابن جوزی به سال ۶۵۴ هجری قمری، چشم از جهان فرو بست. ر.ک: موسوعه طبقات الفقهاء: ج ۷، ص ۳۱۷، شماره ۲۶۵۰؛ ذهبی، میزان الاعتدال: ج ۴، ص ۴۷۱، شماره ۹۸۸۰ و زرکلی، الأعلام: ج ۸، ص ۲۴۶.

۱- سبط ابن جوزی، تذکره الخواص: ج ۱، ص ۱۵۵.

۲- محمد بن طلحه شافعی؛ محمد بن طلحه بن محمد بن حسن قرشی عدوی، کمال الدین ابو سالم نصیبی، فقیه مذهب شافعی (۵۸۲ - ۶۵۲ ه. ق.). وی در سال ۵۸۲ هجری قمری دیده به جهان گشود. ابن طلحه به فراگیری فقه شافعی پرداخت و در مذهب و اصول آن، ید طولانی یافت. ابن طاحه شافعی از مؤید طوسی و زینب شعریه در نیشابور، روایت شنید و در حلب و دمشق به نقل احادیث، پرداخت. دمیاطی، مجدالدین بن عدیم، شهاب الدین کفری و جمال بن جوخی، روایات او را نقل کرده اند. ابن طلحه، منصب افتاء (مرجعیت فقهی) را بر عهده داشت، نامه های پادشاهان را می نگاشت و کتاب هایی همچون العقد الفرید، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول و زبده المقال را نیز به رشته تحریر درآورد. وی در رجب سال ۶۵۲ هجری قمری در حلب از دنیا رفت. ر.ک: موسوعه طبقات الفقهاء: ج ۷، ص ۲۲۲، شماره ۲۵۷۱ و قمی، الکنی والألقاب: ج ۱، ص ۳۹۶، شماره ۳۸۲.

السؤال» (۱) و دیگران، به صراحت و وفور نقل کرده اند. آری، فاطمه بنت اسد به درون کعبه گام نهاد و از میوه ها و روزی های بهشت میل کرد.

خداوند متعال برای افزایش منزلت و اعتلای قدر و جایگاه فاطمه بنت اسد، او را چنین مورد خطاب قرار داد: «ای فاطمه! نامش را علی بگذار؛ چرا که او بلند مرتبه است؛ و خداوند بلند مرتبه و برتر می فرماید: نام علی را از نام خودم برگرفتم، او را از ادب خویش آموختم و دانش پوشیده و مخفی خود را در اختیار او نهادم» (۲).

همانگونه که اشاره رفت، فاطمه بنت اسد، سرپرستی پیامبر صل الله علیه و آله و سلم را بر عهده گرفت؛ شگفتا از این جایگاه والا- و بزرگ! وی سرپرستی پیامبر صل الله علیه و آله و سلم را در حالی عهده دار گردید که ایشان در آغازین سال های کودکی خود، و نیازمند مراقبت ویژه بود. فاطمه بنت اسد، پیامبر صل الله علیه و آله و سلم را دلگرم می کرد، انس و الفت را در تمام لحظات زندگی او جاری می نمود و در خدمتگزاری و مراقبت، ایشان را بر فرزندان خود، مقدم می داشت.

این زن تا بدانجا بزرگ مرتبه و والامقام بود که پیامبر صل الله علیه و آله و سلم در).

ص: ۲۴

۱- محمد بن طلحه شافعی، مطالب السؤل: ج ۱، ص ۵۱

۲- ر.ک: اربلی، کشف الغمه: ج ۱، ص ۸۰. (البته در این کتاب به جای واژه «شقت»، واژه «اشتقت» وارد شده است).

همه مراحل عمر شریف خویش، برای او طلب رحمت می نمود و حتی در دوران سالخوردگی و ضعف جسمانی نیز به زبان حال خود می فرمود: «فاطمه بنت اسد مادر من بود؛ او مادر من بود».

در مورد جایگاه فاطمه بنت اسد در نزد خداوند متعال همین بس که رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم با صراحتا درباره وی فرمود: «هیچ کس جز فاطمه بنت اسد، از فشار قبر در امان نماند. گفته شد: حتی قاسم؟ فرمود: حتی قاسم و ابراهیم» (۱).

همچنین پیامبر اکرم صل الله علیه و آله و سلم در جای دیگری پیرامون منزلت وی می فرماید: «قبر فاطمه بنت اسد، باغی از باغ های بهشت است» (۲).

فاطمه، سرپرست و مادری مهربان برای رسول خدا صلی الله و علیه و آله و سلم

فاطمه بنت اسد بسیار به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم محبت می کرد و به ایشان، دلسوز بود؛ روزی ابوطالب به همسرش گفت: بدان که محمد، برادرزاده من است و او را از جان و مالم بیشتر دوست دارم...؛ فاطمه بنت اسد در پاسخ گفت: سفارش فرزندم محمد را به من میکنی و حال آنکه او را از خودم و فرزندانم بیشتر دوست دارم؟! ابوطالب از شنیدن این سخن، غرق شادی شد.

فاطمه بنت اسد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بر همه فرزندان خود مقدم.

ص: ۲۵

۱- ر.ک: ابن حجر عسقلانی، الاصابه: ج ۵، ص ۳۹۰؛ همچنین ر.ک: ابن شبه نمیری، تاریخ المدینه: ج ۱، ص ۱۲۳ و شیخ صدوق، الاعتقادات: ص ۵۸ □

۲- فتال نیشابوری، روضه الواعظین: ج ۱، ۱۴۳.

می داشت و بیشتر تکریم می کرد؛ لحظه ای از او چشم بر نمی داشت و هرگز، حتی به اندازه یک چشم به هم زدن، او را از خود جدا نمی کرد.

ابوطالب هنگامی که نیکویی، طراوت و زیبایی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را مشاهده کرد، چنین سرود:

نور وجهک الذی فاق فی الحسن علی نور شمسنا و الهلالی أنت والله یامنای و سؤلی الذی فاق نوره المتعالی أنت نور الأنام من هاشم الغر فقت کل العلا و کل الکمال و علو الفخار و المجد أيضا ولقد فقت أهل کل المعالی؛(۱)

«نور چهره تو به لحاظ زیبایی، از خورشید و ماه هم برتر و نورانی تر است؛ • ای آرزو و خواسته من! به خدا سوگند که نور بلند تو همه (جا) را درنوردیده است؛ • تو نور انسانهایی؛ و از نسل هاشم و الامقامی؛ و از همه بزرگی ها و کمالات، برتری. • تو همچین، بلندای فخر و عظمت هستی و از همه بزرگان و دارندگان کمالات، والاتری».

در حدیثی از فاطمه بنت اسد روایت شده است که: عبدالمطلب پس از آشکار شدن نشانه های وفات خود، به فرزندانش گفت: چه کسی سرپرستی محمد را بر عهده می گیرد؟ گفتند: محمد از ما زیرک تر است؛ بنابراین به او بگو تا خود، یکی را از میان ما، برای سرپرستی خویش برگزیند.

عبدالمطلب گفت: محمد! پدر بزرگت چشم انتظار سفر به.

ص: ۲۶

قیامت است؛ تو خود دوست داری کدام یک از عموها و عمه هایت سرپرستی تو را بر عهده گیرند؟

محمد صلی الله علیه و آله و سلم به چهره عموها و عمه های خویش نگاه کرد و آنگاه به نزد ابوطالب رفت؛ عبدالمطلب گفت: ابو طالب! من از دیانت و امانتداری تو آگاهم، پس تو نیز همانند من از محمد مراقبت کن.

فاطمه بنت اسد علیها السلام می گوید: آنگاه که عبدالمطلب چشم از دنیا فرو بست، ابوطالب، محمد را همراه خویش به خانه آورد؛ من به او خدمت و از او مراقبت می کردم و او نیز مرا «مادر»، صدا می زد.

در باغچه خانه ما چند درخت خرما وجود داشت و تازه رطبها (خرمای تازه و مرطوب) رسیده بودند. هر روز چهل کودک هم سن و سال محمد صلی الله علیه و آله و سلم به باغچه ما می آمدند و رطب های بر زمین افتاده را برای خود جمع می کردند؛ در حالی که دیگر کودکان دانه های رطب را از یکدیگر می ربودند، هیچگاه ندیدم که محمد صلی الله علیه و آله و سلم، رطبی را از دست کودکی دیگر برآید. من خودم هر روز برای محمد صلی الله علیه و آله و سلم، رطب جمع می کردم، اما یک روز کنیزم از جمع کردن رطب غافل ماند؛ هنگامی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم خوابیده بود کودکان آمدند، همه رطب های روی زمین را برداشتند و رفتند؛ من هم خوابیدم و از شرم نگاه محمد صلی الله علیه و آله و سلم پس از بیدار شدن، آستینم را بر روی چهره ام قرار دادم.

محمد صلی الله علیه و آله و سلم بیدار شد و به درون باغچه رفت، اما هیچ رطبی بر روی زمین نیافت و بازگشت. کنیز به او گفت: فراموش کردیم برای

تو رطب جمع کنیم و کودکان پس از ورود به باغچه، همه رطب های بر زمین افتاده را خوردند.

محمد صلی الله علیه و آله و سلم دوباره به درون باغچه رفت و به یکی از درختان خرما گفت: «ای درخت! من گرسنه ام»، در این هنگام دیدم که آن درخت، یکی از شاخه های خود را، که خوشه رطب بر آن آویزان بود خم کرد و پس از آنکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم به اندازه دلخواه رطب خورد، شاخه درخت، بالا رفت و در جای اصلی خود قرار گرفت.

من شگفت زده شدم و ابوطالب هم در خانه نبود؛ هرگاه ابوطالب باز می گشت و در می زد به کنیز می گفتم تا در را باز کند؛ اما آن روز که ابوطالب در زد، خودم دوان دوان و پابرهنه، در را باز کردم و ماجرا را برای او بازگو نمودم.

ابوطالب گفت: بی تردید محمد صلی الله علیه و آله و سلم از پیامبران الهی خواهد شد و تو سی سال بعد، وزیر او را به دنیا خواهی آورد؛ و همان زمانی که ابوطالب وعده داده بود، علی علیه السلام به دنیا آمد (۱).

*** ۶۴

ص: ۲۸

۱- قطب الدین راوندی، الخرائج والجرائع: ج ۱، ص ۱۳۸، ح ۲۲۵؛ علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۸۳، ح ۲۶ و ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب: ج ۱، ص ۶۴

بیعت، وفاداری و یاری

قطعا با تحقیق و تتبع در کتاب های سیره و تراجم (شرح حال) در می یابیم که فاطمه بنت اسد، پیشتاز و در صدر بزرگترین زنان با ایمان و نیکوکار تاریخ است. وی از دیدگاهی اصیل و هدفی والا بهره می برد و از نخستین زنانی بود که با پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بیعت نمود. فاطمه بنت اسد در آرامش بخشی به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، همراهی و همگامی با ایشان و حمایت از رسالتش، برای خدیجه بنت خویلد، همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، نیز الگو و اسوه بود. وی از رفتار همسرش ابوطالب در دفاع و پشتیبانی از پیامبر و ترویج سخنان و یاری رسالت ایشان، تأثیری کامل پذیرفته بود. او بانویی شجاع و جسور بود که در راه حق از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نمی ترسید و نه تنها از سران مخالفان که آزار و اذیت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را به سر حد نهایت رسانده بودند، بیمی به دل راه نمی داد، که حتی در بسیاری از موارد در برابر آنان می ایستاد و دشمنی های آنان نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را ناکام می گذاشت.

همانگونه که خواهد آمد، فاطمه بنت اسد، به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به مدینه هجرت نمود و خانه اش در مدینه، جایگاهی پاک و منزلی پربرکت بود؛ چنانکه منزل وی در مکه نیز، پناه گاهی امن و

اقامت گاهی نیکو و پر از کرامت به شمار می رفت. فاطمه بنت اسد در حمایت و یاری رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم ، نظیر و مانندی نداشت؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به خانه اش می رفت و بخشندگی فراوان، سخاوت سرشار و چهره نورانی و درخشان این بانوی گرانقدر را مشاهده می کرد.

فاطمه بنت اسد همانند مادری که جگر گوشه اش را مورد مهر و محبت قرار می دهد، عروسش فاطمه زهرا را از مهربانی مادر گونه خود سیراب نمود و در کارهای منزل با ایشان همکاری می کرد و در امور حضرت زهرا سلام الله علیها به او کمک می نمود. علی علیه السلام به مادرش فاطمه بنت اسد فرمود: «شما به جای فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم ، آب بیاورید و کارهای بیرون از منزل را انجام دهید تا او هم کارهای داخل خانه یعنی آماده کردن آرد و خمیر را به جای شما انجام دهد»^(۱). فاطمه بنت اسد به فاطمه سلام الله علیها مهربان و دلسوز بود و فرزندان او را نوازش می کرد و مورد مهر و محبت قرار می داد.

فاطمه بنت اسد نخستین زنی است که پس از خدیجه با رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بیعت نمود.^(۲)

ص: ۳۰

-
- ۱- ر.ک: هیشمی، مجمع الزوائد: ج ۹، ص ۲۵۶؛ طبرانی، المعجم الكبير: ج ۲۴، ص ۳۵۳؛ ابن اثیر، اسد الغابه: ج ۵، ۵۱۷؛ ابن حجر عسقلانی، الإصابه: ج ۸، ص ۲۶۹ و صالحی شامی، سبل الهدی والرشاد: ج ۱۱، ص ۴۷
 - ۲- سبط ابن جوزی، تذکره الخواص: ج ۱، ص ۱۵۳، (به نقل از ابن عباس).

فاطمه بنت اسد با همراهی و حمایت فرزندش علی بن ابی طالب علیه السلام از مکه به مدینه مهاجرت نمود. در این مسافرت، فواطم(۱)، یعنی فاطمه سلام الله علیها دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، فاطمه بنت اسد مادر امیرالمؤمنین علی علیه السلام، فاطمه دختر زبیر (۲) عمه امیرالمؤمنین علی علیه السلام، فاطمه دختر حمزه(۳)، برخی دیگر از زنان و تعدادی از ۲.

ص: ۳۱

۱- فواطم: جمع «فاطمه» و به معنای کسانی است که فاطمه نام داشته اند.

۲- وی فاطمه، دختر زبیر بن عبدالمطلب است که همراه دیگر فواطم، در پناه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به مدینه مهاجرت نمودند. ر.ک: علی نمازی شاهرودی، مستدرکات علم رجال الحدیث: ج ۸، ص ۵۹۸.

۳- فاطمه بنت حمزه؛ وی فاطمه، دختر حمزه بن عبدالمطلب بن هاشم، از قبیلہ بنی هاشم است و مادرش سلمی بنت عمیس نام دارد. گفته اند که فاطمه دختر حمزه، امامه نام داشته و به گفته ابن سکن، کنیه اش أم الفضل بوده است. دارقطنی در کتاب «الإیخوه» می گوید: او را ام اییها گفته اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم او را به همسری سلمه بن ابی سلمه بن عبدالأسد در آورد. ابن ابی عاصم، از طریق ابی فاخته، از جعده بن هبیره، از علی علیه السلام نقل می کند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، پارچه ای ابریشمین به من داد و فرمود: «آن را به چند روسری تقسیم کن و در اختیار فواطم قرار ده». من آن پارچه را به چهار روسری تقسیم کردم: یکی برای فاطمه (دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم)، یکی برای فاطمه بنت اسد و دیگری برای فاطمه بنت حمزه؛ امام علی علیه السلام در این روایت، سخنی از چهارمین روسری و صاحب آن به میان نیاورده است. ر.ک: ابن حجر عسقلانی، الاصابه: ج ۷، ص ۲۱۷، شماره ۱۱۵۸۲ و ابن اثیر، اسد الغابه: ج ۶، ص ۲۲۲، شماره ۷۱۷۲.

مسلمانان مستضعف مکه که قصد رفتن به مدینه را داشتند نیز امام علی علیه السلام را همراهی می کردند؛ اما هنوز مسیری اندک و کوتاه از مکه دور نشده بودند که مکیان از خروج آنان اطلاع یافتند و دستهای نظامی که به سرعت می تاختند، به فرماندهی جناح، غلام حارث بن امیه (۱) را مجهز کردند تا کاروان مهاجران را به زور به مکه بازگردانند.

این چند نفر خود را به کاروان مهاجران رساندند و خویش را در برابر امام علی علیه السلام یافتند. جناح، شمشیر از نیام برکشید و به امام علیه السلام حمله کرد؛ امام علی علیه السلام شتابان خود را به او رسانید، شمشیر از دستش ربود و با یک ضربه او را به هلاکت رساند. سایر افراد با دیدن شجاعت، نیرومندی و بی باکی امام علی علیه السلام، سر تسلیم فرود آوردند؛ امام علیه السلام نیز آنان را به حال خود وا گذاشت و سوار بر شتر، راهی مدینه شد.

خاطر نشان می شود که فاطمه بنت اسد نخستین زنی است که با پای پیاده و بدون پای پوش، هجرت نمود و دومین زنی است که پس از خدیجه اسلام آورد (۲). خداوند متعال، این بانوی بزرگوار.

ص: ۳۲

-
- ۱- علامه سید محسن امین، مؤلف کتاب «أعیان الشیعه»، این شخصیت را ضمن بیان همین ماجرا با عنوان «جناح مولی حرب بن امیه» معرفی کرده است، ر.ک: امین، أعیان الشیعه: ج ۱، ص ۳۳۰.
 - ۲- ر.ک: سبط ابن جوزی، تذکره الخواص: ج ۱، ص ۱۵۳؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین: ص ۵، خوارزمی، المناقب: ص ۲۷۷ و ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه: ج ۱، ص ۱۴.

هاشمی را از کرامات و فضایلی الهی و بی نظیر، برخوردار ساخت؛ فضائل و مناقبی که منحصر در اختیار این بانوی اسلام است. از درخشان ترین افتخارات این بانوی گرامی این است که: همسر ابوطالب شیخ مکه، مادر فرزندان دلاور و پربرکت وی و شریک ایشان در مراقبت از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بود.

فاطمه بنت اسد، راوی احادیث نبوی

فاطمه بنت اسد، روایات بسیاری را مستقیماً از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شنید و نقل نمود. سیره نویسان و نگارندگان شرح حالها (تراجم)، احادیث فراوانی را از قول فاطمه بنت اسد، نقل، و او را در زمره راویان حدیث، قلمداد کرده اند.

با آگاهی از این نکته مهم که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در دامان فاطمه بنت اسد، پرورش یافته است، محدثین، سیره نویسان و تراجم نگاران وی را راوی احادیث نبوی و حکایت گر رخدادهای فراوان تاریخی، از هنگام تولد حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم تا بعد از هجرت به مدینه، محسوب کرده اند. (۱)

بشارت ها و فضایل

اکنون به بیان روایتی می پردازیم که در برخی منابع، نقل شده و گوشه ای از موارد مذکور را هویدا می کند:

ص: ۳۳

۱- ر.ک: قطب الدین راوندی، الخرائج والجرائح: ج ۱، ص ۱۳۸، ح ۲۲۵ و علامه امینی، الغدير: ج ۷، ص ۵۳۶، ح ۳۷.

مفضل بن عمر (۱) می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که آن حضرت فرمودند:

«هنگام تولد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، سفیدی سرزمین ایران و کاخهای شام در برابر دیدگان آمنه آشکار شد؛
آنگاه فاطمه بنت اسد خندان و شادمان

ص: ۳۴

۱- مفضل بن عمر: (ولادت در حدود ۱۰۰ □ پیش از ۱۸۳ ه.ق.)، از طایفه جعفری، و فقیه و محدث معروف. او را ابو عبد الله و به قولی ابو محمد کوفی می گفتند. مفضل در پایان سده نخست هجری و در روزگار امام محمد باقر علیه السلام در کوفه به دنیا آمد. وی از ابی ایوب عطار، اسماعیل بن ابی فدیک، ابو حمزه ثابت ثمالی، جابر بن یزید جعفری، یونس بن ظبیان و دیگران، نقل روایت می کرد و عبدالرحمن بن سالم اشل، عبد الله بن حماد انصاری، عبدالله قلاء، عثمان بن سلیمان نحاس، عمر بن ابان کلبی، محمد بن سنان، معلی بن خنیس، موسی صیقل، منصور بن یونس و دیگران به نقل روایات وی پرداخته اند. مفضل از جمله علما و فقهای بزرگی بود که دانش های مختلف را از امام صادق علیه السلام فرا گرفت و به نقل روایات ایشان و امام موسی کاظم علیه السلام پرداخت. شیخ طوسی، مفضل را از جمله نمایندگان ستوده شده و ممدوح امام صادق علیه السلام می داند و روایت می کند که امام صادق علیه السلام پس از درگذشت عبد الله بن ابی یعفور، مفضل را به عنوان نماینده خود برگزید. مفضل بن عمر، وصیت نامه طولانی و ارزشمند خود را که سرشار از اخلاق اهل بیت علیهم السلام و آداب و سیره ایشان بود، تقدیم برادرانش نمود و آنها را به عمل بدان، توصیه نمود. ر.ک: موسوعه طبقات الفقهاء: ج ۲، ص ۵۶۶، شماره ۶۷۶؛ رجال النجاشی: ص ۴۱۶، شماره ۱۱۱۲؛ شوشتری (تستری)، قاموس الرجال: ج ۱۰، ص ۲۰۵، شماره ۷۶۹۷ و خوئی، معجم رجال الحدیث: ج ۱۹، ص ۳۱۷، شماره ۱۲۶۱۵.

به نزد ابوطالب رفت و در حالی که به او بشارت میداد، وی را از سخنان آمنه مطلع نمود. ابوطالب به او گفت: چگونه از این موضوع، تعجب میکنی؟! حال آنکه تو نیز باردار می شوی و وصی و وزیر او (رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم) را به دنیا می آوری» (۱).

همچنین در روایتی، ابن مسکان (۲) به نقل از پدرش می گوید:

ص: ۳۵

۱- ر.ک: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۵۴، ح ۳؛ ابن شهر آشوب مازندرانی مناقب آل ابی طالب: ج ۱، ص ۵۸ و علامه محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار: ج ۱۵، ص ۲۷۳، ح ۱۸.

۲- عبد الله بن مسکان؛ ابو محمد، عبدالله بن مسکان، معروف به ابن مسکان کوفی (وفات پیش از ۱۸۳ ه. ق.). وی از طریق مراودات دوستانه و روابط خویشاوندی در شمار طایفه عنزی قرار گرفت. او از اسماعیل بن جابر جعفی، ایوب بن حر، حسین بن مختار قلانسی، حمران بن اعین، زراره بن اعین، ابوبصیر لیث بن بختری مرادی، محمد بن علی حلبی، محمد بن مسلم طائفی، منصور بن حازم بجلی و دیگران، به نقل روایت پرداخت و حسن بن محبوب، محمد بن ابی عمیر، حماد ابن عیسی جهانی، صفوان بن یحیی، عبدالله بن بکیر بن اعین، یونس ابن عبد الرحمن، سیف بن عمیره نخعی، درست بن ابی منصور، عبدالله بن مغیره، حسن بن محمد بن سماعه و دیگران، از وی، نقل روایت کرده اند. وی فقیه، دارای احادیث فراوان، مورد اطمینان (ثقه) و عین (شریف) بود و از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام به شمار می رفت. و در اسناد بسیاری از روایات ائمه اطهارت علیهم السلام، نام وی دیده می شود. ابن مسکان از جمله فقهای سرشناسی است که در حلال و حرام، فتوا و احکام دینی، مرجع مردم به شمار می رفت. وی از جمله «اصحاب اجماع» است که محدثین و فقهای شیعه، شخصیت و فقاقت او را مورد تصدیق و تأیید قرار داده اند. از جمله کتاب های وی می توان به: «کتاب فی الإمامه، و الکتاب فی الحلال والحرام» اشاره نمود که بیشتر این کتاب ها را از محمد بن علی بن ابی شعبه حلبی، روایت کرده است. ابن مسکان در روزگار امام کاظم علیه السلام دار فانی را وداع گفت. ر.ک: موسوعه طبقات الفقهاء: ج ۲، ص ۳۴۸، شماره ۵۲۵؛ رجال النجاشی: ص ۲۱۴، شماره ۵۵۹؛ رجال البرقی: ص ۷۱ شماره ۵۳۹ و خوئی، معجم رجال الحدیث: ج ۱۱، ص ۳۴۷ شماره ۷۱۷۳.

امام صادق علیه السلام فرمود: «ابوطالب به فاطمه بنت اسد گفت: سبتی (مدتی) صبر کن تا فرزندی برای تو بیاورم که در همه چیز غیر از نبوت، همانند محمد است»^(۱)، گفته اند که «سبت» به معنای سی سال است.

بشارتی دیگر: مردم در روز قیامت، عریان محشور می شوند، اما پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه بنت اسد مژده داد که خداوند او را پوشیده و با لباس، محشور خواهد نمود. همچنین هنگامی که بحث عذاب قبر، مطرح شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه بنت اسد را مژده داد که خداوند، عذاب قبر را از او برداشته است.

در برخی منابع روایی، روایتی با همین مضمون از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است: «مردم در روز قیامت، برهنه محشور خواهند شد»، در این هنگام فاطمه بنت اسد گفت: چه شرمساری بزرگی! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «من از خداوند می خواهم تا تو را پوشیده و بات.

ص: ۳۶

۱- زهری و احمد بن حسین بیهقی به سند خود از انس. ر.ک: کلینی، الکافی: ج ۸، ص ۳۰۲ و علامه محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار: ج ۳۵، ص ۷۷، ح ۱۴. همچنین شیخ صدوق (ر.ک: معانی الأخبار: ص ۴۰۳، ح ۶۸) این روایت را به نقل از کافی آورده است.

لباس، محشور نماید».

شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم از فشار قبر، سخن می گفت، در این هنگام فاطمه بنت اسد گفت: با این بدن ضعیف چه کنیم؟! رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم فرمود: «از خدا میخوام تا تو را از فشار قبر، معاف گرداند»^(۱).

از این گذشته، بشارت ها و فضایل فراوان دیگری هم وجود دارد که رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم مژده آن را به فاطمه بنت اسد داده است.

ص: ۳۷

۱- ر.ک: کلینی، الکافی: ج ۱، ص ۴۵۴، ح ۲ و خوارزمی، المناقب: ص ۲۷۷، ح ۲۶۵.

فاطمه بنت اسد در خاندان هاشمی از یک ویژگی منحصر به فرد بهره می برد و آن اینکه وی نخستین زن از بنی هاشم بود که در درون یک خانواده اصیل هاشمی، صاحب فرزند شد؛ چرا که وی و ابوطالب، از یک تبار واحد، یعنی دخترعمو و پسرعمو بودند. مورخان آورده اند که فاطمه بنت اسد، چهار پسر و دو دختر داشت که همگی از ابوطالب بودند و عبارتند از: طالب، عقیل، جعفر، علی علیه السلام، أم هانی و جمانه.

گفته اند که هر یک از پسران فاطمه بنت اسد، ده سال با پسر بعد از خود فاصله سنی داشته اند (۱).

طالب بزرگترین فرزند ابوطالب و فاطمه بنت اسد بود، و عقیل و جعفر در رتبه های بعدی -از جهت زمان تولد- قرار داشتند؛ امیرالمؤمنین علی علیه السلام از همه برادران خود، کوچکتر و از خواهرانش أم هانی و جمانه بزرگتر بود.

ص: ۳۸

۱- مورخ شهیر، مسعودی، در مروج الذهب: ج ۲، ص ۳۴۸ می نویسد: عقیل و جعفر، دو سال با هم اختلاف سنی داشتند؛ اما سبط ابن جوزی در تذکره الخواص: ج ۱، ص ۱۵۸، فاصله سنی آنها را ده سال می داند.

در این مقام، سیره ای مختصر از زندگی فرزندان فاطمه بنت اسد بر اساس نوشته های مورخان تقدیم می گردد:

طالب

گفته اند که مشرکان در جنگ بدر، او را به زور از مکه بیرون آوردند تا در جنگ علیه رسول خدا صلی الله علیه و آله شرکت کند که در این هنگام اشعار زیر را سرود: لاهم إنا یغزون طالب فی مقنب من هذه المقانب ولیکن المغلوب غیر غالب ولیکن المسلوب غیر السالب؛ (۱)

«قطعاً طالب از اینکه در میان سوارکاران به جنگ پردازد، هیچ اندوه و غمی حس نمی کند؛ • اما (باید که) مغلوب باشد نه غالب و غارت شده باشد نه غارتگر».

در تواریخ آمده است که: طالب نه در میان کشتگان و اسیران بود و نه به مکه بازگشت؛ وضعیت او مشخص نیست و نسلی هم از خود بر جای نهاد (۲).

ص: ۳۹

۱- مسعودی این اشعار را به گونه دیگری آورده است: یا رب إنا خرجوا بطالب فی مقنب من تلکم المقانب فاجعلهم المغلوب غیر الغالب والرجل المسلوب غیر السالب؛ «پروردگارا اگر طالب را همراه اسب سواران غارتگر به جنگ بفرستند، آنها را نه غالب، بلکه مغلوب و نه غارتگر، بلکه غارت شده قرار داده».

۲- ر.ک: ابن سعد، الطبقات الکبری: ج ۱، ص ۱۲۱ و ابوالفرج اصفهانی، الأغانی: ج ۴، ص ۱۸۳ (در اخبار حسان بن ثابت).

عقیل در سال دهم عام الفیل، سی سال قبل از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله، متولد شد. کنیه اش ابویزید بود و همچون طالب، به زور مشرکان در جنگ بدر حضور یافت که نهایتاً به اسارت مسلمانان درآمد؛ اما از آنجا که خودش هیچ مال و ثروتی نداشت، عمویش عباس، هزینه آزادی او را پرداخت کرد. (۱) پس از این ماجرا، عقیل به مکه بازگشت و تا سال هشتم هجری در آن دیار به سر برد تا اینکه به مدینه هجرت نمود و در جنگ موته شرکت کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله همه ساله یکصد و چهل بار شتر از محصولات خیبر را در اختیار عقیل قرار می داد تا مخارج و هزینه خوراک او و خانواده اش تأمین گردد. از آن هنگام به بعد، عقیل از مدینه بازگشت و در هیچ یک از جریانات و حوادث بعدی همچون فتح مکه و جنگ های طائف، خیبر و حنین نامی از او به میان نیامده است.

ص: ۴۰

۱- ابن سعد، الطبقات الکبری: ج ۴، ص ۴۳ و ابن اثیر، اسد الغایه: ج ۳، ص ۴۲۲

۱- بخاری؛ محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه، ابو عبدالله بخاری (۱۹۴ - ۲۵۶ ه. ق.). وی از طریق روابط خویشاوندی به طایفه جعفری پیوست. بخاری صاحب کتاب «صحیح» (معروف به صحیح بخاری) می باشد. در سال ۲۱۰ در جستجوی حدیث، راهی مسافرت شد. وی از خراسان، عراق، حجاز، شام و مصر، دیدن کرد. بخاری از ابراهیم بن حمزه زبیری، احمد بن حنبل، اسحاق بن راهویه، شریح بن نعمان جوهری، سلیمان بن حرب، ابو الولید طرابلسی، یحیی بن معین، محمد بن یحیی ذهلی و دیگران، به نقل روایت پرداخت. ابن قاضی شبهه می گوید: بخاری نزد علمای شافعی مذهب، یعنی حمیدی، زعفرانی، کبرایسی و ابی ثور به فراگیری دانش حدیث پرداخت و نزد ابی اسحاق حربی، احمد بن محمد بن ازهر نیشابوری، احمد بن نصر خفاف، حسین بن اسماعیل محاملی، ابوبکر ابن ابی دنیا، ابوزرعه رازی، محمد بن نصر مروزی، مسلم بن حجاج و دیگران، روایات او را نقل می کردند. بخاری، محدث، حافظ، فقیه و مورخ بود و کتاب «صحیح» را، که معتبرترین کتب شش گانه مورد اعتماد اهل سنت است، به رشته تحریر در آورد. وی از نقل روایات ائمه اهل بیت علیهم السلام پرهیز می کرد، به گونه ای که هیچ یک از روایات امام صادق علیه السلام، امام کاظم علیه السلام، امام رضا علیه السلام، امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام، امام حسن عسکری علیه السلام و سایر علمای آل محمد علیهم السلام را در کتاب خود نیاورده است و این در حالی است که در همین کتاب به عمران بن حطان، مبلغ خوارج و سرسخت ترین آنها در دشمنی با اهل بیت علیهم السلام، استناد می کرد. به نقلی، بخاری به بغداد رفت و دانشمندان و مردم این شهر پیرامون او گرد آمدند تا اطلاعاتش را درباره سلسله اسناد روایی بیازمایند؛ وی از این آزمون، سربلند بیرون آمد و همگان، حافظ بودن او را تأیید کردند تا جایی که ابن صاعد او را «الکبش النطاح»، یعنی «قوچ بسیار شاخ زن» نام نهاده بود. بخاری در سال ۲۵۰ هجری قمری به نیشابور رفت و مردم برای شنیدن روایات، به نزد او رفتند. یک روز مردی از اهالی نیشابور سؤالاتی در مورد مخلوق بودن الفاظ قرآن از وی پرسید؛ بخاری در پاسخ گفت: کارهای ما مخلوق است و الفاظ ما هم از کارهایمان جدا نیست؛ در این هنگام اختلافات بالا گرفت تا جایی که محمد بن یحیی ذهلی، مردم را علیه بخاری تحریک کرد و جز مسلم بن حجاج و احمد بن سلمه، همه از گرد او پراکنده شدند. بخاری اندکی بعد، جان خود را در معرض خطر دید لذا نیشابور را ترک گفت. تألیفات وی عبارتند از: التاریخ الکبیر، التاریخ الصغیر، التاریخ الأوسط، الأسماء والکنی، الضعفاء، السنن فی الفقه، الأدب، خلق أفعال العباد، القراءة خلف الامام و التفسیر الکبیر. بخاری در سال ۲۵۶ در خرننگ از روستاهای سمرقند چشم از جهان فرو بست. ر. ک: موسوعه طبقات الفقهاء: ج ۳، ص ۴۷۳، شماره ۱۰۹۲؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد: ج ۲، ص ۵، شماره ۴۲۴؛ ابن ابی حاتم رازی، الجرح والتعديل: ج ۷، ص ۱۹۱؛ خیرالدین زرکلی، الأعلام: ج ۶، ص ۳۴ و قمی، الکنی والألقاب: ج ۲ ص ۷۰، شماره ۷۶.

می نویسد: «عقیل، خانه های بنی هاشم در مکه را فروخت تا جایی که در زمان فتح مکه به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: ای رسول خدا! فردا در کدام منزل اقامت می کنید؟ فرمود: «مگر عقیل خانه ای هم برای ما باقی گذاشته است؟!»! (۱) با این همه، پیامبر صلی الله علیه و آله عقیل را دوست می داشت؛ حتی یک روز به او فرمود: «ابو یزید! من از دو جهت تو را دوست دارم؛ یکی به خاطر خویشاوندی و دیگری به خاطر اینکه میدانم عمویم تو را

ص: ۴۲

۱- بخاری، صحیح: ج ۵، ص ۹۲.

عقیل فرزندان بسیاری از خود به یادگار گذاشت که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: یزید و سعید، که مادرشان أم سعید بنت عمرو نام داشت و از قبیله بنی صعصعه بود. جعفر اکبر و ابوسعید؛ ابوسعید با همین اسم که به شکل کنیه است، نام گذاری شده بود و لوچ و دوبین بود. مادر جعفر اکبر و ابوسعید، ام البنین کلایه نام داشت. مسلم، که امام حسین علیه السلام او را به کوفه فرستاد و به دست عبیدالله بن زیاد به شهادت رسید؛ از دیگر فرزندان عقیل که از مادرانی متفاوت بودند می‌توان به این موارد اشاره نمود:

عبدالله اکبر بن عقیل بن ابی طالب؛ مادرش کنیز بود. وی در کربلا در کنار امام حسین علیه السلام حاضر بود. بر اساس گزارشی تاریخی از مدائنی، عثمان بن خالد بن اسیر جهنی به همراه مردی از طایفه همدان، او را در کربلا به شهادت رساندند(۲).

عبدالرحمان بن عقیل؛ مادر او نیز کنیز بود و عبدالرحمان نیز در کربلا حاضر بود. ابن شهر آشوب می‌گوید: عبدالرحمان پس از انصار، در حمله آل ابی طالب، پیشاپیش ایشان ایستاد و گفت: ابی عقیل فاعرفوا مکانی من هاشم و هاشم إخوانی؛ «پدرم عقیل است پس منزلت مرا بدانید؛ من از قبیله هاشم هستم و برادرانم درهم کوبنده و خرد کننده اند».

عبدالرحمان به نبرد برخاست و هفده اسب سوار را از پای

ص: ۴۳

۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه: ج ۱۱، ص ۱۷۳.

۲- ر.ک: ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین: ص ۹۷.

در آورد تا آنکه او را محاصره کردند و عثمان بن خالد بن أشیم و بشر بن حوط همدانی قابضی (بشر بن أحوط، از گروه قابضی از طایفه همدان محسوب می شد) وی را به شهادت رساندند(۱).

جعفر بن عقیل؛ مادرش حوصاء، دختر عمرو - معروف به ثغر - ابن عامر بن هسان بن کعب بن عبد بن ابی بکر بن کلاب عامری بود؛ مادر مادرش، اوده دختر حنظله بن خالد بن کعب بن عبد بن ابی بکر مذکور، نام داشت؛ مادر بزرگ مادرش، ربطه دختر عبد بن ابی بکر مذکور بود؛ مادر مادر بزرگ مادرش، ام البنین دختر معاویه ابن خالد بن ربیع بن عامر بن صعصعه نام داشت و مادر بزرگ مادر بزرگ مادرش، حمیده دختر عتبه بن سمره بن عتبه بن عامر بود. جعفر نیز در کربلا در کنار حضرت سید الشهداء علیه السلام حاضر بود. سر وی می گوید: جعفر به سوی دشمن پیش تاخت و در حالی که شجاعانه با شمشیر به جان آنان افتاده بود این اشعار را می سرود: أنا الغلام الأبطحی الطالبی من معشر فی هاشم من غالب

و نحن حقا ساده الذوائب؛ «من فرزند مکه و نواده ابوطالب هستم و به گروهی از عشیره هاشم تعلق دارم که همیشه غالبند؛ و به راستی که ما افرادی بزرگوار هستیم».

جعفر پانزده تن از دشمنان را کشت و سرانجام بشر بن حوط، که برادرش عبدالرحمان را به قتل رسانده بود، او را نیز به شهادت

ص: ۴۴

۱- ر.ک: محمد سماوی، ابصار العین: ص ۶۸ و علامه محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار: ج ۴۵، ص ۳۳.

عبدالله اصغر، علی، عثمان، حمزه، محمد(۲)، رمله، أم هانی، أسماء، فاطمه، أم قاسم، زینب، أم نعمان و جعفر اصغر نیز از دیگر فرزندان عقیل بودند.

عقیل از نسب شناسان بزرگ عرب و آگاهان به وقایع عصر جاهلیت و از آگاه ترین افراد روزگار خود به قبایل و رجال عرب بود. انتخاب أم البنین، مادر گرانقدر حضرت ابالفضل العباس علیه السلام، بر اساس ویژگی ها و خصایصی که امیرالمؤمنین علیه السلام برای همسر خویش در نظر داشت، نیز با مشورت و نظر عقیل انجام گرفت. حضرت علی علیه السلام با برادرش عقیل، درباره انتخاب همسری از خاندانی اصیل که فرزندان شجاع، دلیر و جنگاور بیاورد، مشورت نمود و عقیل نیز به دلیل مهارت و تبحری که در شناخت انساب عرب داشت، فاطمه دختر حزام بن خالد از طایفه بنی کلاب را به آن حضرت پیشنهاد نمود و گفت: در میان عرب، دلیر تر و شجاع تر از پدران او دیده نشده اند و بر این اساس، امیرالمؤمنین علی علیه السلام با فاطمه ازدواج نمود. فاطمه بنت حزام، پس از ازدواج با حضرت علی علیه السلام صاحب چهار فرزند پسر گردید که به شجاعت و دلیری مشهور بودند و از این رو «أم البنین» نامیده شد. پیرامون شخصیت *

ص: ۴۵

۱- ر.ک: محمد سماوی، ابصار العین: ص ۶۸.

۲- وی همسر فاطمه دختر امیرالمؤمنین علیه السلام بود. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب: ج ۳، ص ۳۵۰.

عقیل بن ابی طالب، ماجرای دیدار وی با برادرش امیرالمؤمنین علی علیه السلام، در زمان خلافت آن حضرت و درخواست کمک مالی از ایشان، واقعه ای مشهور، تأثیرگذار و همچنین بیانگر جلوه ای کوچک از ایمان راسخ، امامت راستین و ولایت الهی حضرت علی علیه السلام می باشد. در آن هنگام که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، در کوفه عهده دار خلافت مسلمین بود، روزی عقیل به دلیل فقر به خدمت آن حضرت رسید و مستمراً بیشتری را از بیت المال درخواست کرد، ولی با امتناع آن حضرت مواجه گردید. امیرالمؤمنین علیه السلام آهنی داغ را به دست عقیل، که نابینا بود، نزدیک نمود؛ عقیل فریاد برآورد و به امیرالمؤمنین علیه السلام اعتراض کرد. امام علیه السلام فرمود: «تو در مقابل این گرما طاقت نداری؛ من چگونه آتش جهنم را تحمل کنم؟!».

عقیل پس از آنکه بینایی خود را از دست داد، در سال پنجاه هجری و در سن ۹۶ سالگی، در دوران خلافت معاویه بن ابی سفیان، رخ در نقاب خاک کشید (۱).

ص: ۴۶

۱- جهت آشنایی بیشتر ر.ک: ابن عنبه، عمده الطالب: ص ۳۲۷، امین، أعیان الشیعه: ج ۸، ص ۳۸۹ و دائره المعارف بزرگ اسلامی: ج ۱۰، ص ۱۸۶، مدخل «أم البنین»؛ همچنین ر.ک: ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب: ج ۱، ص ۱۰۹؛ ابن سعد، الطبقات الکبری: ج ۴، ص ۴۴؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه: ج ۱۱، ص ۲۴۵ و نیز ر.ک: دائره المعارف تشیع: ج ۱۱، ص ۳۴، ضمن مدخل «عقیل بن ابی طالب».

وی مکنا به «ابو عبدالله»، و ده سال از حضرت علی علیه السلام بزرگتر بود. جعفر در شمار نخستین مسلمانان محسوب می شود و پس از مهاجرت به حبشه، چند سالی در آن سرزمین اقامت نمود تا اینکه در سال هفتم هجری و پس از فتح خیبر، به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بازگشت. در زمان بازگشت جعفر، رسول خدا صلی الله علیه و آله به استقبال وی رفت، او را در آغوش کشید، میان دو چشمش را بوسید و فرمود: «نمی دانم به خاطر آمدن جعفر، خوشحال باشم یا به خاطر فتح خیبر؟» (۱)

جعفر، بیچارگان و بینویان را دوست می داشت، به آنها غذا می داد، و به سبب شدت تواضعش دعوت آنان را هر چند در کوچه های خاکی، رد نمی کرد، در کنار آنان می نشست و با مهربانی با آنان رفتار می کرد؛ از همین رو رسول خدا صلی الله علیه و آله، جعفر را «ابوالمساکین» (۲) نام نهاده بود (۳).

ص: ۴۷

-
- ۱- ر.ک: ابن هشام، السیره النبویه: ج ۴، ص ۳؛ ابن سعد، الطبقات الکبری: ج ۴، ص ۳۵؛ طبرانی، المعجم الکبیر: ۲، ص ۱۰۸، ح ۱۴۶۹؛ ابن ابی شیبہ، المصنف: ج ۶، ص ۳۸۴، شماره ۳۲۱۹۶؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین: ص ۲۹؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین: ج ۳، ص ۲۱۱ و ابن منظور، خلاصه تاریخ دمشق: ج ۶، ص ۶۸، شماره ۳۳.
 - ۲- پدر درماندگان (المساکین: جمع مسکین؛ فقیرانی که از پای افتاده اند). ر.ک: المنجد: ج ۱، ص ۸۶۷.
 - ۳- ر.ک: سنن الترمذی: ج ۵، ص ۶۵۵، شماره ۳۷۶۶؛ ابونعیم اصفهانی، حلیه الأولیاء: ج ۱، ص ۱۷۱؛ ابن حجر عسقلانی، الإصابه: ج ۱، ص ۴۸۶ شماره ۱۱۶۸؛ بغوی شافعی، مصابیح السنه: ج ۴، ص ۱۹۳، شماره ۴۸۲۶؛ سنن ابن ماجه: ج ۲، ص ۱۳۸۱، شماره ۴۱۲۵؛ طبرانی، المعجم الکبیر: ج ۲، ص ۱۰۹، ح ۱۴۷۷ و ابن سعد، الطبقات الکبری: ج ۴، ص ۴۱.

هنگامی که بزرگان مشرک قریش در صدد بازگرداندن مهاجران از حبشه به مکه بودند، جعفر بن ابی طالب به عنوان نماینده مسلمانان با «نجاشی» (۱) پادشاه حبشه سخن گفت؛ ماجرا ۰.

ص ۴۸

۱- نجاشی: اصحمة بن بحر، پادشاه حبشه که نام او در زبان عربی «عطیه» است. تمامی پادشاهان حبشه، به لقب نجاشی - با فتح «ن» و تخفیف «ج» - نامیده می شدند، مانند پادشاهان مصر باستان که فرعون نامیده می شدند. نجاشی زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که مسلمانان به او پناهنده گردیدند، اصحمة بن بحر نام داشت. ر.ک: ابن اثیر، النهایه: ج ۵، ص ۲۲؛ ابن منظور، لسان العرب: ج ۶، ص ۳۵۱. وی در دوران حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله اسلام آورد، اما به مدینه هجرت نکرد. نجاشی برای مسلمانان، مدافعی استوار و مفید، و برای آنها پشتوانه ای محکم؛ چنانکه کتب مغازی (کتاب هایی که درباره جنگ ها و غزوات پیامبر صلی الله علیه و آله تألیف شده است)، داستان خوش رفتاری او با مسلمانان مهاجر به حبشه را نقل نموده اند. او یان کتب روایی صحیح اهل سنت با اسناد گوناگون آورده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و از راه دور و در مدینه، بر جنازه نجاشی نماز میت خواند؛ به عنوان مثال در روایت سعید بن مینا از جابر، و نیز در روایت عطاء از جابر آمده است: هنگامی که نجاشی از دنیا رفت، پیامبر صلی اله علیه و آله فرمود: «امروز بنده نیکو کار خدا، به نام اصحمة چشم از جهان فرو بسته است، پس برخیزید و نماز میت را بر او اقامه کنید؛» ما نیز به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل نموده و پشت سر ایشان، صف بستیم. این روایت را قطان از ابن جریر از رسول خدا علی در قالب عبارات مذکور، آورده است. طبری و برخی دیگر از مورخین گفته اند: این واقعه در ماه رجب سال نهم هجری رخ داده است؛ اما دیگران، تاریخ وقوع آن را پیش از فتح مکه دانسته اند. نجاشی (به فتح «ن» و با تخفیف «ج» خوانده می شود؛ اما برخی معتقدند که ثعلب، «ن» این واژه را مکسور می خواند. ر.ک: ابن اثیر، اسد الغابه: ج ۱، ص ۱۳۹، شماره ۱۸۸ و ابن حجر عسقلانی، الاصابه: ج ۱، ص ۱۶۶، شماره ۴۷۰.

از این قرار بود که سران مشرک قریش، هدایای فراوان و ارزشمندی را برای مردم مسیحی حبشه و نجاشی پادشاه با ایمان و دادگرایان به حبشه ارسال کردند، اما موفق به بازگرداندن مسلمانان مهاجر نشدند؛ چرا که جعفر به مشیت پروردگار، با نجاشی سخن گفت و در کنار استدلال‌ها و روشنگری‌های خود، آیاتی چند از کلام خدا را برای وی تلاوت نمود. این امر، پیروزی مسلمانان مهاجر را بر هیأت اعزامی قریش به سرکردگی عمرو بن عاص (۱) و عبدالله بن

ص: ۴۹

۱- عمرو بن عاص بن وائل سهمی قرشی؛ (۵۰ قبل از هجرت - ۴۳ ه.م)، مکننا به ابو عبد الله، فاتح مصر و یکی از بزرگان، هوشمندان، صاحب نظران، دوران‌دیشان و حيله گران عرب. وی در دوران جاهلیت یکی از مخالفان سرسخت اسلام بود، اما در ماجرای صلح حدیبیه اسلام آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله، فرماندهی سپاه «ذات السلاسل» را به او سپرد و ابوبکر و عمر را به یاری او گسیل داشت. عمرو بن عاص بعدها از سوی رسول خدا صلی الله علیه و اله والی عمان شد و در دوران عمر، یکی از فرماندهان ارتش در جنگ‌های شام بود. وی قنسرین را فتح کرد و با اهل حلب، منبج و انطاکیه از در آشتی و صلح در آمد. عمر ابتدا حکومت فلسطین و سپس فتح مصر را به وی سپرد. عمرو بن عاص مصر را فتح کرد، اما عثمان او را از حکومت مصر، عزل نمود. در فتنه ای که میان علی و معاویه رخ داد، عمرو بن عاص در کنار معاویه بود. معاویه در سال ۳۸ هجری، حکومت مصر را به عمرو بن عاص داد و تا شش سال خراج این سرزمین را تمام و کمال در اختیار او قرار داد. عمرو بن عاص نیز از این فرصت، نهایت استفاده را برد و ثروت فراوانی اندوخت. وی در قاهره در گذشت و در کتب روایی، ۳۹ حدیث از وی بر جای مانده است. ر.ک: خیرالدین زرکلی، الأعلام: ج ۵، ص ۷۹ و نیز ابن اثیر، اسد الغابه: ج ۳، ص ۱۲۷، شماره ۲۹۳۷ و ابن حجر عسقلانی، الاصابه: ج ۳، ص ۱۹۳، شماره ۴۶۶۹.

۱- عبدالله بن ابی ربیع بن مغیره قرشی مخزومی؛ مادرش ثقفیه نام داشت. گفته شده: اسماء دختر مخربه از قبیله بنی مخزوم و به قولی از قبیله بنی نهشل بن دارم، مادر وی و برادرش عیاش بن ابی ربیع بوده است. عبد الله بن ابی ربیع، پدر یکی از شاعران مشهور عرب به نام عمر بن عبدالله بن ابی ربیع است. عبدالله بن ابی ربیعؓ مخزومی در دوران جاهلیت، بحیرا نام داشت اما رسول خدا صلی الله علیه و آله او را عبد الله خطاب نمود و کنیه اش ابو عبد الرحمن بود. پدر او (ابو ربیع) نیز ذوالرحمین (دارای دو نیزه) خوانده می شد. وی که یکی از زیباترین اعراب بود و در شمار اشراف قریش در دوران جاهلیت، قرار داشت که در روز فتح مکه اسلام آورد. عبد الله بن ابی ربیع به همراه عمرو بن عاص از سوی قریش، عازم حبشه شد تا مسلمانان را به مکه بازگرداند، البته به اعتقاد برخی فرد دیگری در این مأموریت، عمرو بن عاص را همراهی می کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله حکومت منطقه «جند» در یمن و توابع آن را به وی سپرد و عمر، صنعا را نیز به سرزمین تحت حکمرانی وی اضافه نمود و تا زمان مرگ عمر، در این مقام باقی بود. عبدالله بن ابی ربیع در دوران خلافت عثمان هم در مقام خود ابقا شد و در زمان محاصره عثمان به یاری او شتافت اما در نزدیکی مکه از روی شتر، بر زمین افتاد و درگذشت. ر.ک: ابن اثیر، اسد الغابه: ج ۳، ص ۱۲۷، شماره ۲۹۳۷ و ابن حجر عسقلانی، الاصابه: ج ۳، ص ۱۹۳، شماره ۴۶۶۹. علامه مجلسی در کتاب بحار الأنوار: ج ۱۸، ص ۴۱۲ داستان نجاشی را نقل می کند، اما به جای عبدالله بن ابی ربیعؓ مخزومی، از عماره بن ولید نام می برد.

بود، در قلب و جان نجاشی اثر کرد. جعفر آیات الهی را یکی پس از دیگری برای نجاشی تلاوت کرد و او نیز در برابر سخن پروردگار، سر تسلیم فرود می آورد؛ و این امر باعث شد که نجاشی تلاش شرم انگیز، شیطانی و مذبحخانه قریش را خنثی نماید. (۱)

جعفر به سال هشتم هجری در جنگ موته به شهادت رسید.

أم هانی

مورخان درباره نام وی، اختلاف نظر دارند؛ چنان که ابن اثیر در

ص: ۵۱

۱- ر.ک: ابن هشام، السیره النبویه: ج ۱، ص ۳۵۷ - ۳۶۲؛ ابونعیم اصفهانی، حلیه الأولیاء: ج ۱، ص ۱۱۵ - ۱۱۶؛ بیهقی، دلائل النبوه: ج ۲، ص ۳۰۱-۳۰۴؛ طبرانی، المعجم الکبیر: ج ۲، ص ۱۱۱ و ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه: ج ۶، ص ۳۰۷.

أسد الغابه می نویسد: هند، فاطمه و فاخته نامهای مختلفی است که برای وی ذکر کرده اند. (۱)

ام هانی همان بانویی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز فتح مکه در خانه او هشت رکعت، نماز گزارد. (۲)

بخاری در «صحیح» خود می نویسد: تاکنون هیچ روایتی از هیچ کس به ما نرسیده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را در حال اقامه نماز «ضحی» (۳) دیده باشد؛ و ام هانی تنها کسی است که می گوید پیامبر صلی الله علیه و آله را در حال اقامه نماز چاشتگاه دیده است. ام هانی نقل می کند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز فتح مکه در خانه من، غسل نمود و آنگاه هشت رکعت نماز خواند. تاکنون ندیده بودم که ایشان نمازی کوتاه تر از آن نماز را اقامه کرده باشند؛ با این تفاوت که رکوع و سجود را تمام و کمال به جای می آورد. (۴).

ص: ۵۲

۱- ر.ک: ابن اثیر، اسد الغابه: ج ۵، ص ۶۲۴؛ (ابن حجر عسقلانی نیز در الإصابه: ج ۷، ص ۳۸۹، شماره ۱۲۲۷۹ این موضوع را نقل کرده است).

۲- بخاری در «صحیح» خود: ج ۵، ص ۱۸۹ این موضوع را نقل کرده است.

۳- نماز چاشتگاه؛ نمازی منحصر به پیامبر اسلام و در زمان، مکان و موردی خاص که اقامه این نماز توسط دیگران به عنوان یک نماز مستحب، بدعت و حرام است. ر.ک: کلینی، الکافی: ج ۳، ص ۴۵۱.

۴- مسلم نیشابوری نیز در «صحیح» خود در کتاب صلاه المسافرین و قصرها: ج ۱، ص ۴۹۷، شماره ۸۰، تحت عنوان «باب استحباب صلاه الضحی، وأن أقلها رکعتان و أكملها ثمانی رکعات» روایتی نزدیک به مضمون روایت مذکور نقل کرده است. در صحیح بخاری و صحیح مسلم به نقل از ام هانی آمده است: در سال فتح مکه به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم، دیدم غسل می کند و فاطمه علیها السلام با جامه ای او را پوشانده است، به ایشان سلام کردم، فرمود: «این زن کیست که سلام می کند؟» گفتم: من ام هانی دختر ابو طالب هستم. فرمود: «خوش آمدید؛ هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله، غسل خود را به پایان رساند برخاست و در حالی که تنها یک لباس بر تن داشت، هشت رکعت نماز گزارد. پس از تمام شدن نماز، عرض کردم: ای رسول خدا! برادرم علی بن ابی طالب، ادعا می کند با مردی - یعنی فلان بن هبیره - که من او را در پناه خود قرار داده ام، سر جنگ دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که در پناه توست در پناه ما نیز هست»، ام هانی می گوید: این ماجرا به هنگام ضحی (چاشت) رخ داد. به نظر می رسد که منظور وی از فلان بن هبیره، همسرش ابو وهب هبیره بن عمرو بن عائذ مخزومی بوده است که در نجران و به حال شرک، از دنیا رفت؛ البته برخی دیگر احتمال داده اند که مقصود ام هانی، شخص دیگری بوده است. کتاب های تاریخی دیگری مانند مسعودی، مروج الذهب: ج ۲، ص ۳۵۱؛ ابن اثیر، اسد الغابه: ج ۵، ص ۶۲۴ و واقعی، المغازی: ج ۲، ص ۸۲۹ - ۸۳۰ نیز روایتی نزدیک به مضمون روایت مذکور را آورده اند: پس رسول خدا به فرمود: «ای فاخته! ام هانی! خوش آمدی؛ آنگاه رسول خدا - در ادامه روایت - فرمود: «چنین چیزی رخ نداده است: کسی که تو او را امان داده ای ما نیز امان داده ایم و آنکه در پناه توست، در پناه ما نیز هست».

همسر ام هانی، هبیره بن عمرو مخزومی نام داشت که مشرک از دنیا رفت و در دوران جاهلیت، فرزندی به نام جعد بن هبیره، ثمره زندگی آنان بود. امام علی علیه السلام در دوران خلافت خود، پسر ام هانی یعنی جعد بن هبیره را به عنوان کارگزار خود، انتخاب

ص: ۵۳

ام هانی پس از پذیرش اسلام، به مدینه مهاجرت نمود و همان جا در گذشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله از او خواستگاری نمود و وی در پاسخ گفت: «به خدا سوگند که من در دوران جاهلیت هم شما را دوست داشتم تا چه رسد به اکنون که اسلام آورده ام، اما من فرزندان یتیم دارم که خوش ندارم شما را بیازارند». (۲)

جمانه

ابوسفیان بن حارث بن عبدالمطلب (۳) با وی ازدواج

ص: ۵۴

۱- مسعودی، مروج الذهب: ج ۲، ص ۳۴۸ و سبط ابن جوزی، تذکره الخواص: ج ۱، ص ۱۶۵.

۲- ابن حجر عسقلانی، الإصابه: ج ۷، ص ۳۸۹، شماره ۱۲۲۷۹.

۳- ابوسفیان بن حارث بن عبدالمطلب؛ پسر عمو، برادر رضاعی و از اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه و آله و از شاعران صدر اسلام. اکثر مورخان نام او را «مغیره» دانسته اند. وی در شب ولادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله متولد شد. حلیمه سعدیه، دایه پیامبر صلی الله علیه و آله، به او نیز شیر داده است. وی در کودکی با آن حضرت انس و الفت داشته و گفته اند که به پیامبر شبیه بوده است. ابوسفیان پس از بعثت، در شمار دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله درآمد و در جنگ با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، در جبهه مشرکان قرار داشت و با آنان همکاری می کرد و در اشعارش، پیامبر را هجو می گفت. ابوسفیان بن حارث، اندکی قبل از فتح مکه، همراه خانواده خود، به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله شتافت؛ نخست به او اعتنایی نشد، اما پس از آنکه اسلام آورد، حضرت علی علیه السلام به فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله اعلام نمود که خدا و رسول او از ابوسفیان در گذشتند، شما نیز از او راضی شوید. ابوسفیان نیز از باب عذرخواهی بابت گذشته و ستایش پیامبر صلی الله علیه و آله، شعری سرود. وی در غزوه حنین نیز شرکت کرد و از معدود کسانی بود که در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله پایداری نمود و در پایان جنگ از غنائم بیشتری بهره مند گردید. ابوسفیان، بنابر گزارشی تاریخی در اوایل خلافت عمر در سال ۱۵ هجری قمری و بنابر نقلی دیگر در سال ۲۰ هجری قمری در گذشت و در بقیع به خاک سپرده شد. ر.ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ج ۵، ص ۵۸۸، مدخل «ابوسفیان» و نیز ر.ک: ابن اثیر، اسد الغابه: ج ۵، ص ۱۴۵، شماره ۵۹۵۹ و ابن حجر عسقلانی: الإصابه: ج ۶، ص ۱۲۲، شماره ۱۰۰۱۹.

کرد. (۱) جمانه پس از پذیرش اسلام، راه مدینه را در پیش گرفت و در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و اله در همین شهر چشم از جهان فرو بست. (۲)

علی امیر المؤمنین علیه السلام

فصل جداگانه ای به نام «بارداری بنت اسد و مولود کعبه» را به این شخصیت عظیم اختصاص داده ایم که در ادامه می آید.

ص: ۵۵

۱- ابن سعد، الطبقات الکبری: ج ۸، ص ۴۸.

۲- مسعودی، مروج الذهب: ج ۲، ص ۳۵۱.

برای هیچ پژوهشگری، ارائه بیان و تصویری مختصر و گذرا از گزیده فضایل مرد بزرگ و مقدس تاریخ، یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام، آسان نیست؛ چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «ای ابا الحسن! اگر دریا مرکب شود، درختان همه مداد گردند، انسانها بنویسند و جنیان به حساب و کتاب پردازند، نمی توانند فضایل تو را به شماره درآورند» (۱).

در فضایل علی علیه السلام همین بس که عکرمه از قول ابن عباس می گوید: «خدای تعالی هیچ آیه ای را در قرآن کریم نازل نکرد مگر آنکه علی بن ابی طالب علیه السلام، سر منشأ، سرور و امیر آن آیه بود» (۲).

ص: ۵۶

-
- ۱- ر.ک: خوارزمی، المناقب: ج ۳۲، ص ۳۲۸؛ ابن شاذان، مائه منقبه من فضائل أمير المؤمنين علیه السلام: ۱۱۵ - ۱۱۶، شماره ۹۹؛ گنجی شافعی، کفایه الطالب: ص ۲۵۱؛ اربلی، کشف الغمه (به نقل از خوارزمی): ج ۱، ص ۱۰۹؛ جوینی، فرائد السمطين: ج ۱، ص ۱۶؛ ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان: ج ۵، ص ۶۲ و قندوزی حنفی، ینابیع الموده: ص ۱۲۱.
- ۲- این حدیث در کتب حدیثی و تاریخی معتبر اهل سنت ذکر گردیده است؛ ر.ک: حسکانی، شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۶۴؛ احمد حنبل، کتاب الفضائل، باب فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام: ۱۶۸، ح ۲۳۶؛ گنجی شافعی، کفایه الطالب: باب ۳۱، ص ۱۴۰؛ ابن عساکر، تاریخ دمشق، شرح حال امیرالمؤمنین علیه السلام: ج ۲، ص ۴۲۹ و ۴۳۰، شماره ۴۳۸ - ۴۳۹؛ تفسیر فرات کوفی: ص ۴۸، شماره ۴۰ (با اندکی تفاوت در عبارت)؛ طبری، ذخائر العقبی: ص ۸۹؛ قندوزی حنفی، ینابیع الموده: ج ۲، ص ۱۷۷ و هیشمی، مجمع الزوائد: ج ۹، ص ۱۱۲.

شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام را چه رسد که پیرامون مناقب امیر المؤمنین علیه السلام، داد سخن سر دهند و حال آنکه دشمنان نیز در حق او اعترافات بس درخشان و خیره کننده داشته اند و از همین جاست که نه تنها مسلمانان، بلکه فرهیختگان و روشنفکران بزرگ مسیحیت در دوران معاصر نیز، با آثاری کارشناسانه و ماندگار، معالم و معارف انسانی این امام بزرگ را ثبت نموده و کلمات زرسان و جاودانه خویش را به خصایل انسانی وی تقدیم کرده اند؛ به گونه ای که جرج جرداق (۱)، این نویسنده بزرگ و منصفد.

ص: ۵۷

۱- جرج سجعان جرداق؛ در سال ۱۹۲۶ میلادی در شهر جدید مرجعیون، واقع در لبنان جنوبی به دنیا آمد؛ جایی که از زیباترین و پرحادثه ترین سرزمین ها در طول تاریخ به شمار می رود و خاطرات گذشتگان در آن موج می زند. جرج جرداق در خانواده ای غشانی با ریشه های قحطانی دیده به جهان گشود و در محیط عمومی سرشار از زبان و روح عربی در کنار محیطی خاص، که با علاقه به کسب دانش، عجین شده بود، پرورش یافت. برادر بزرگترش، فؤاد جرداق، که زبان شناس، شاعر و مهندس بود، از همان دوران کودکی جرج جرداق، تأثیر ویژه ای در جهت دهی و راهنمایی وی داشت. فؤاد جرداق که قابلیت فوق العاده جرج جرداق در مطالعه کتاب های ادبیات عرب همچون دیوان متنبی، مجمع البحرین ناصیف یازجی و ... را دریافته بود، کتاب نهج البلاغه را در دوران تحصیلات ابتدایی جرج جرداق، به وی هدیه کرد. جرج جرداق در حالی سیزدهمین سال تولد خود را جشن گرفت که بخش های فراوانی از این سه کتاب را در حافظه خود ثبت کرده بود. وی تحصیلات خود را در دانشکده مشهور «سراسقی» بیروت، که توانمندترین فارغ التحصیلان در زمینه زبان و ادبیات عربی و فرانسه را تربیت می کرد، به پایان رساند و پس از آن کتاب دایره المعارف گونه و شش جلدی خود را پیرامون برخی از زوایای شخصیت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به رشته تحریر درآورد و طی آن، شخصیت عظیم ایشان را تا حدودی به خوانندگان، معرفی نمود؛ جلد نخست این کتاب، «علی و حقوق الانسان»، جلد دوم آن «بین علی والثوره الفرنسیه»، جلد سوم آن «علی وسقراط» و.. و آخرین جلد این مجموعه «روائع النهج» نام دارد.

لبنانی، در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: «تاریخ و حقیقت، گواهی می دهند که علی، وجدان والا و عظیم...، فریاد عدالت انسانی و شخصیت جاودان شرق است! ای دنیا! چه می شد تمام قدرت خود را بسیج میکردی و در هر زمانهای، یک علی با همان عقل، قلب، زبان و ذوالفقار، پدید می آوردی؟!».

بارون کارا دیوو، پژوهشگر و مستشرق فرانسوی، نیز چه رسا سخن می گوید: «علی، پهلوان رنج کشیده و درد چشیده، دلاور زاهد و پاکدل، امام شهید، صاحب روح استوار عمیق، که سر عذاب الهی در اسرار اندرون او نهفته است».

ص: ۵۸

۱- میخائیل نُعیمه؛ اندیشمند بزرگ عرب و در شمار همان نسلی است که در میان اعراب، نهضت فکری - فرهنگی را رهبری نمودند، بیداری را پدید آوردند و مردم را به سوی نوگرایی، سوق دادند. کتابهای فراوان میخائیل نعیمه و کتابهای دیگر اندیشمندان پیرامون وی، بخش عمده ای از فضای کتابخانه عربی را به خود اختصاص داده است. وی شاعر، قصه پرداز، نمایشنامه نویس، منتقد فهیم و نویسنده مقالات روشنگر و بینایی بخش می باشد؛ میخائیل نعیمه آثار خویش را که برجستگی و جایگاه بلند و ویژه او را برای همگان آشکار ساخته، به زبان های عربی، انگلیسی و روسی به جامعه بشری تقدیم نموده است. وی در اکتوبر سال ۱۸۸۹ میلادی در «بسکتا» از توابع جبل صّین لبنان دیده به جهان گشود و تحصیلات خود را در مدرسه «الجمعیة الفلسطینیة» به پایان رساند. میخائیل نعیمه بلافاصله به بولتایای اوکراین رفت و در فاصله سال های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۱، تحصیلات پنج ساله دانشگاهی خود را در آنجا به پایان رساند و همان جا بر کتاب های مطرح ادبیات روسی، مسلط شد. وی پس از پایان تحصیلات در اوکراین، به آمریکا رفت، از دسامبر ۱۹۱۱ تحصیلات خود در زمینه حقوق را پی گرفت و به تابعیت آمریکا درآمد. در آن زمان ادبای مهاجر عرب، اتحادیه ای به نام اتحادیه نویسندگان را راه اندازی کرده بودند که میخائیل نعیمه هم به آن پیوست و معاونت جبران خلیل جبران را بر عهده گرفت. وی در سال ۱۹۳۲ به بسکتا بازگشت و فعالیت ادبی خود را توسعه داد. میخائیل نعیمه به خاطر این فعالیت ها «ناسک الشخروب» (یعنی زاهد شخروب) لقب گرفت تا اینکه به سال ۱۹۸۸ میلادی پس از نزدیک به یک قرن زندگی پربار، چشم از جهان فروبست. اصالت میخائیل نعیمه به روستایی به نام «النعیمه» در اردن باز می گردد؛ وی خود در گفتگویی با روکس بن زائد العزیزی نویسنده و مورخ اردنی اظهار کرد که اجداد وی در روستای النعیمه واقع در استان اربد اردن، می زیسته اند. برخی آثار میخائیل نعیمه عبارتند از: نخستین مجموعه داستانهای وی با عنوان «سنتها الجدیة»، داستان «العاقرة»، داستان های «مرداد»، «ابو بطه»، مجموعه «اکابر»، «الغربال»، «جبران خلیل جبران»، «زاد المعاد»، «کرم علی درب الأوثان»، «صوت العالم» و «النور و الدیجور».

امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: «قهرمانی های امام (علی) هیچگاه مختص صحنه های نبرد نبود؛ بلکه وی به لحاظ صفا و زلالی بصیرت، پاکی درون، جادوی بیان، عمق انسانیت، شور و گرمای ایمان، عظمت و وقار، یاری محرومان و ستمدیدگان در برابر محروم کنندگان و ستم پیشگان، و حق محوری، در هر کجا که حقی متجلی شود، نیز قهرمان به شمار می آید. این قهرمانی ها به رغم گذشت زمان، همچون معدن جواهر بی انتهایی است که امروز و همه روز به هنگام شدت اشتیاق به ساختن یک زندگی پاک و نیکو، به یاد آن می افتیم و به استخراج آن می پردازیم...».

بی تردید هیچ مورخ و نویسنده ای، هرچند نابغه و بسیار هوشمند، نمی تواند شخصیتی عظیم همانند امام علی علیه السلام و دورانی پر از حادثه های بزرگ، چون سالیان حیات ایشان را در تاریخ، واکاوی کند؛ زیرا اندیشه ها، تأملات و فعالیت های این اسطوره والای انسانیت که هیچ گوشی نشنید و هیچ چشمی ندید و جز او و خداوند متعال، کسی از آن آگاهی نداشت، بسیار بیشتر از کارهایی است که آشکارا انجام می داد و یا با زبان و قلم خود، مردم را از آن

آگاه می ساخت؛ از همین رو همه برداشت های ما از شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام و هر تصویری که از او ارائه دهیم، بی تردید برداشت هایی ناقص است که حداکثر می توانیم تپیدن نبض حیات را از آن توقع داشته باشیم.

توماس کارلایل، فیلسوف اهل اسکاتلند، درباره امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: «ما تنها و تنها می توانیم علی را دوست داشته باشیم، زیرا علی، جوانمردی گرانقدر و بزرگ منش بود که رحمت، نیکوکاری، یاری و شور و اشتیاق از وجود او زبانه میکشید؛ شجاعت شیر، به پای شجاعت او نمی رسید؛ اما این شجاعت، با نازک دلی، مهربانی و دلسوزی در هم آمیخته بود»^(۱)

نویسنده کتاب «امیر المنابر» نکته ای نغز را از قول مرحوم علامه محمد جواد مغنیه درباره امیر شکیب ارسلان، نقل می کند که در آن آمده است: «مجمع اصلاح، مراسمی را برای گرامیداشت سالگرد امام علی علیه السلام در بیروت برگزار نمود که تعدادی از سخنرانان در آن به سخنرانی پرداختند؛ مجری برنامه به هنگام معرفی امیر شکیب گفت: اکنون گوش جان می سپاریم به سخنان جناب آقای امیر شکیب، وی را از آن رو امیر نام نهاده اند که در شجاعت و بیان، همسان امیرالمؤمنین علی علیه السلام است!

شکیب از این تشبیه عصبانی شد و پس از قرار گرفتن در).

ص: ۶۱

۱- ر.ک: صادق جعفر رو ازق، امیر المنابر، دکتر احمد وائلی: ص ۱۸ - ۲۰ (به نقل از: جرج جرداق، «صوت العدالة الإنسانية»).

جایگاه سخنرانان، گفت: مجری برنامه بنده را به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، تشبیه کرد...! به خدا سوگند هیچگاه به اندازه این لحظات، شرمسار و خجالت زده نشده بودم؛ من کجا و این تشبیه کجا؟! به خدا سوگند که جز حضرت حق و رسول گرامی اش، هیچ چیز در آسمان و زمین، به قدر گرد و غبار سم اسب علی بن ابی طالب علیه السلام نمی رسد. خداوند مردم را به نیکی دستور داد و از بدی بازداشت، آنگاه علی علیه السلام را همانگونه که می خواست آفرید و به مردم فرمود: «این همان الگوی برتر است؛ پس به او اقتدا کنید و پا، جای پای او گذارید».^(۱)

نمی دانیم درباره کُنه کدامیک از فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام سخن بگوییم؛ اما از آنجا که موضوع اصلی بحث ما، دامان پر مهر فاطمه بنت اسد، یعنی مادر و مربی علی بن ابی طالب علیه السلام است، به محل تولد آن حضرت بسنده می کنیم؛ چرا که فضل و کرامت این امر، علی علیه السلام و مادر بزرگوار او، فاطمه بنت اسد را در بر می گیرد؛ مادری که خداوند، فضیلت زایمان در درون کعبه را منحصرأً به وی اختصاص داده است.

ص: ۶۲

۱- صادق روازق، أمير المنابر: ص ۲۱، چاپ دارالمجله البيضاء، ۲۰۰۴م.

۱- جابر بن عبدالله انصاری؛ از مشهورترین اصحاب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و از شیعیان حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، وی از تیره بنی سلمه، از طایفه خزرج مدینه، و مکنا به ابو عبدالله بود. برخی از محققین، ابو محمد و ابو عبد الرحمان را نیز به عنوان کنیه وی ذکر کرده اند. وی در جنگ بدر و هجده غزوه دیگر در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حاضر بود و در جنگ صفین نیز در رکاب امیرالمؤمنین علی علیه السلام می جنگید. وی همچنین از یاران امام حسن مجتبی، امام حسین، امام زین العابدین و امام باقر علیهم السلام محسوب می گردد. جابر، شخصیتی دارد که شیعه و سنی او را تحسین و توثیق کرده اند. مواضع و دفاع او از اهل بیت علیهم السلام و موضع انتقادی وی در برابر خلفا و امرای اموی، موجب شده بود تا شیعیان او را از بزرگان مذهب خود به شمار آورند. وی عمری دراز و مطابق با حدیثی که در کافی، رجال کشی و ارشاد شیخ مفید آمده است، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله طول عمر جابر را پیش بینی کرده و از او خواسته بود تا سلام وی را به امام محمد باقر علیه السلام برساند. جابر نخستین شخصیتی است که از مدینه به زیارت قبر سید الشهداء علیه السلام در کربلا شتافت؛ این زیارت طبق برخی گزارش های تاریخی، در بیستم صفر سال ۶۲ هجری قمری رخ داده است. جابر به جز سفرهای کوتاه به مصر و شام و مدنی مجاورت در مکه، بیشتر زندگی خویش را در وطنش، مدینه، سپری کرد و سال های پایانی عمرش، نابینا بود. وی سرانجام در مدینه در گذشت و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. در سال وفات وی اختلاف است، اما معلوم است که پس از سپری کردن عمری طولانی در حدود ۱۰۰ سال، در دهه هفتاد هجری قمری در گذشته است. سال وفات وی در معتبرترین منابع، ۷۴ هجری قمری در برخی دیگر ۷۲، ۷۷، ۷۸ و ۷۹، در ۹۴ سالگی یا ۹۷ سالگی، ذکر شده است. ر.ک: دائره المعارف بزرگ اسلامی: ج ۱۷، ص ۱۵۰، مدخل «جابر بن عبدالله انصاری» و دائره المعارف تشیع، ج ۵، ص ۲۴۷، مدخل «جابر بن عبدالله انصاری سلمی خزرجی» و نیز ر.ک: ابن اثیر، اسد الغابه: ج ۱، ص ۳۵۱، شماره ۶۴۷ مزی، تهذیب الکمال: ج ۴، ص ۴۴۳، شماره ۸۷۱ و ابن حجر عسقلانی، الاصابه: ج ۱، ص ۳۱۹، شماره ۱۰۲۲.

علی بن ابی طالب علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کردم؛ ایشان در پاسخ فرمود: «آه! آه که از من درباره مولودی پرسیدی که به سنت مسیح علیه السلام به دنیا آمده و پس از من بهترین مولود است. همانا خدای تعالی پانصد هزار سال پیش از آفرینش، من و علی را از یک نور آفرید، و ما پیوسته خداوند را تسبیح و تقدیس میکردیم؛ پس آنگاه که خداوند متعال، آدم را آفرید، ما را در کمر او قرار داد و من در پهلوی راست آدم، جای گرفتم و علی در پهلوی چپ او؛ آنگاه خداوند، ما را از کمر آدم به کمرهای پاک و از آنجا به رحم نیکوی نسل های بعدی منتقل ساخت؛ این وضعیت ادامه یافت تا آنکه خداوند، مرا از کمر پاک عبدالله بن عبدالمطلب بیرون آورد و در بهترین رحم یعنی رحم آمنه به امانت نهاد؛ و سپس خدای تعالی علی را از کمر پاک ابوطالب بیرون آورد و او را در بهترین رحم، یعنی رحم فاطمه بنت اسد قرار داد».

به این ترتیب امیر المؤمنین علیه السلام در والا-ترین و بالا-ترین و مقدس ترین قطعه از زمین، یعنی خانه کعبه، دیده به جهان گشود. (۱).

ص: ۶۴

۱- ر.ک: فتاویٰ نیشابوری، روضه الواعظین: ص ۷۷؛ علامه محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار: ج ۳۵، ص ۹ (به نقل از: روضه الواعظین) و ابن حاتم شامی، الدر النظیم فی مناقب الأئمه: ص ۲۲۹.

و چه بشارت عظیمی است که خداوند متعال به ابوطالب، فاطمه بنت اسد، امیر المؤمنین علیه السلام و شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام، اختصاص داده و با این بشارت مبارک و آسمانی، خوشبختی حقیقی را نصیب ما ساخته است؛ ما شیعیان نیز باید از آن بهره مند شده و به ولایت خداوند، یعنی ولایت امیر المؤمنین علیه السلام تمسک جویم:

ولایتی لأمر النحل تکفینی بعد الممات و تغسلی و تکفینی

وطینتی عجت من قبل تکوینی بحبّ علی فکیف النار تکوینی؟!؛

«ولایت امیر جود و بخشش، پس از مرگ و غسل و کفن مرا بس است؛ • سرشت من پیش از آفرینش، با عشق علی علیه السلام عجین شده است؛ حال چگونه ممکن است که آتش جهنم بر من داغ نهد».

همین افتخار، ابوطالب را بس که از حکمای زمان خویش به شمار می رفت و علاوه بر تبار و دین، در بلاغت و ادب نیز شهرة خاص و عام بود.

شاهدی بر حکمت و بلاغت ابوطالب

از احنف بن قیس تمیمی (۱) سؤال شد: این حکمت ها و این

ص: ۶۵

۱- احنف بن قیس تمیمی: در نام او اختلاف است و اسامی مختلفی مانند ضحاک، احمد، صخر، حارث، حصن و حصین برای او ذکر گردیده است. وی که به «ابو بحره مکنّا بود، سه سال پیش از هجرت متولد شد و از آن جهت که پاهای کجی داشت، به «احنف» شهره گردید. وی اهل و ساکن بصره بود و از بزرگان شهر و قبیله خویش، تمیم یا بنی سعد، به شمار می رفت. احنف بن قیس عصر پیامبر صلی الله علیه و آله را درک کرد و اسلام آورد؛ ولی موفق نشد به حضور آن حضرت مشرف شود. وی از تابعان و از اصحاب امیر المؤمنین علی و امام حسن مجتبی علیه السلام محسوب می گردد و از حضرت علی علیه السلام، ابوذر، عروه بن زبیر و عمر روایت کرده و حسن بصری، طلق بن حبيب و ابوعلاء بن شخیر از وی روایت کرده اند. احنف در فتح خراسان، نهاوند و کاشان حضور داشت و در جنگ صفین و نهروان، از فرماندهان لشکر حضرت علی علیه السلام بود. وی در بردباری، ضرب المثل و نیز فردی دانا و زیرک، فصیح، سخن ور و تقه بود و دیوان شعر داشت. وی سرانجام در ۷۰ سالگی و در سال ۶۷ هجری قمری، در بصره و به نقلی در کوفه، درگذشت و مصعب بن زبیر بر جنازه اش نماز گذارد. ر.ک: فرهنگ نامه مؤلفان اسلامی: ج ۱، ص ۱۶۰، مدخل «احنف - تمیمی» و نیز ر.ک: امین، أعیان الشیعه: ج ۷، ص ۳۸۳؛ ابن اثیر، أسد الغابه: ج ۱، ص ۷۸، شماره ۵۱ و ابن حجر عسقلانی: الإصابه: ج ۱، ص ۱۵۴، شماره ۴۲۶

بردباری را از که و کجا اقتباس کرده و آموخته ای؟ پاسخ داد: از قیس بن عاصم منقری (۱) که حکیم و بردبار زمان خویش بود؛ از

ص: ۶۶

۱- قیس بن عاصم منقری تمیمی؛ از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و از عقلا- و فصحای عرب، موصوف به حلم و شجاعت و مکتبا به ابوعلی و به نقل مکتبا به ابو قیصه و ابو طلحه. وی از جمله شاعرانی بود که هم عهد جاهلیت و هم عهد اسلام را درک نموده بود و به همراه بنی تمیم، در سال نهم هجری قمری به خدمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رسید و اسلام آورد و پیامبر درباره او فرمود: «هذا سید أهل الوبر؛ او آقاو سرورچادر نشینان است». وی روایاتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده و راویانی چون احنف بن قیس، حسن بصری، پسرش حکیم بن قیس و نوه اش خلیفه بن حصین بن قیس از او به نقل روایت پرداخته اند. وی در پایان عمر در بصره اقامت گزید و در همان جا، در حدود سال ۲۰ هجری قمری درگذشت. ر.ک: مزی، تهذیب الکمال: ج ۲۴، ص ۵۸، شماره ۴۹۱۱، ابن حجر عسقلانی، الإصابه: ج ۴، ص ۴۱۱، شماره ۷۱۹۳ و زرکلی، الأعلام: ج ۵، ص ۲۰۶.

از قیس سؤال شد: حلم چه کسی را دیدی که اینگونه بردبار شده ای؟ علم و دانایی چه کسی را دیدی که اینگونه دانا شده ای؟ در پاسخ گفت: حکیم اکثم بن صیفی تمیمی (۱) که هیچگاه حکمت او پایانی

ص: ۶۷

۱- اکثم بن صیفی تمیمی؛ از مشایخ عرب جاهلی که اسلام را نیز درک کرد. وی دارای عمری طولانی بوده و از او به عنوان «حکیم» یاد شده است. شهرت اکثم به حکمت و دانش، او را همتراز بزرگانی همچون لقمان قرار داده است و ابن ابی الحدید او را حکیم ترین عرب روزگار خود شمرده است. به دلیل اهمیت ادبی سخنان بلیغ و حکمت آمیز اکثم، سخنان او غالباً به صورت مثل در میان اعراب رواج یافته و بسیاری از آنها در کتاب های لغت نیز آمده است. وی پس از شنیدن دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در مکه، فرزند خود را فرستاد تا چگونگی ماجرا را به او اطلاع دهد. اکثم پس از شنیدن گزارش های فرزندش، مشتاق پذیرش اسلام شد و پس از گفتگو با بنی تمیم، به قصد دیدار با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم راهی مکه شد، اما در میان راه درگذشت؛ البته برخی نام او را در شمار صحابه نیز آورده اند. بنابر برخی روایات، آیه «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ...» (سوره نساء: آیه ۱۰۰) در شأن او نازل گردیده است. وی در سال نهم هجری درگذشت. ر.ک: دائره المعارف بزرگ اسلامی: ج ۹، ص ۷۲۲، مدخل «اکثم بن صیفی» و نیز ر.ک: ابن اثیر، اسد الغابه: ج ۱، ص ۱۵۷، شماره ۲۱۹ و زرکلی، الاعلام: ج ۲، ص ۶.

نداشت؛ و به اکثم گفتند: حکمت، ریاست، بردباری و سروری را از که آموخته ای؟ گفت: «از ابو طالب بن عبدالمطلب که قرین بردباری و ادب، و سید و سرور عرب و عجم بود».^(۱)

از نمونه های ذوق ادبی ابوطالب می توان به روایت ازدواج وی با فاطمه بنت اسد اشاره کرد که در برابر مردم خطبه ای ایراد نمود و گفت:

«سپاس خدای را که پروردگار جهانیان، مالک عرش عظیم و صاحب جایگاه شریف، مشعر و حطیم^(۲) است؛ هم او که ما را به عنوان والا-مقام، پرده دار کعبه، عارف، خالص، دربان و بزرگان نیکو خصال برگزید؛ ما را از بددهانی، شک و تهمت، آزار و عیب، پاک گردانید؛ اماکن مناسک حج را در میان ما برپا نمود و ما را بر دیگر عشیره ها برتری داد. ما نخبگان و برگزیدگان خاندان ابراهیم و از نسل اسماعیل هستیم؛ آنگاه گفت: من با فاطمه بنت اسد ازدواج نمودم، مهر او را پرداخت نمودم و کار را به انجام رسانیدم، بنابراین، از اسد (پدر فاطمه) پرسید و گواهی دهید».

ص: ۶۸

۱- ر.ک: علامه محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار: ج ۳۵، ص ۱۳۳ - ۱۳۴ و جعفر نقدی، الأنوار العلویه: ص ۱۰.

۲- حطیم: کنار خانه کعبه؛ دیوار کعبه؛ ما بین رکن و زمزم و مقام؛ حجر اسماعیل علیه السلام ر.ک: المنجد: ج ۱، ص ۳۷۶.

در این هنگام اسد به ابوطالب گفت: او را به ازدواج تو درآوردیم و از تو راضی شدیم؛ آنگاه اسد به مردم غذا داد و امیه بن ابی صلت (۱) این اشعار را سرود:

أغمرنا عرس أبي طالب

و كان عرسا لين الحالب

أقراؤه البدو بأقطاره

من راجل خف و من راكب

ص: ۶۹

۱- امیه بن ابی صلت؛ شاعر دوران جاهلی و صدر اسلام و از تیره قسی، از قبیله بزرگ نقیف در طائف. پدرش، عبد الله بن ربیع و مادرش، رقیه دختر عبد شمس ابن عبد مناف بود. برخی از اشعار امیه با همه اشعار دوران جاهلی تفاوت دارد و در این اشعار برخی از داستان های خاص قرآن و مضامین مذهبی و الفاظی که گاه عین الفاظ قرآن است، آمده است. از دیگر سو، مسلم است که امیه به اسلام نگرید و حتی برای کافرانی که در جنگ بدر کشته شده بودند، مرثیه سرود. برخی از محققان، این اشعار او را جعلی و ساخته شده پس از اسلام و نزول قرآن دانسته اند. وی همچنین قصیده ای در مدح حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارد. وی که زبردست ترین شاعر طائف بود و کتاب های دینی پیشینیان را نیک مطالعه می کرد، جامه های خشن می پوشید و از باده نوشی و بت پرستی دست کشیده بود و زهد می ورزید؛ ولی از سر حسد، رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را نپذیرفت. بنابر روایتی، وی مدت هشت سال در بحرین می زیست، تا اینکه خبر بعثت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم او را شنید؛ آنگاه به مکه شتافت و خواست با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا به محاجه پردازد؛ اما چون سوره یس را از آن حضرت شنید، سخت پریشان حال گردید. وی سرانجام در سال هشتم یا نهم هجری قمری درگذشت. ر.ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ج ۱۰، ص ۲۹۷، مدخل امیه بن ابی الصلت» و نیز ر.ک: زرکلی، الاعلام: ج ۲، ص ۲۳.

أَيَامَهَا لِلرَّجُلِ الْحَاسِبِ (١)

«عروسی ابوطالب ما را سرشار از نعمت کرد و پراز خیر و برکت بود؛ • همه، از همه جا در عروسی او شرکت کرده و دورش را گرفتند؛ و سواره و پیاده در این عروسی حضور به هم رساندند. • و اگر کسی محاسبه می کرد، همگان هفت روز کامل مهمان او بودند و مورد پذیرایی قرار گرفتند».

در مورد طبع هنری و شعر ابوطالب نیز باید گفت که وی برترین شاعر دوران خود، پیش و پس از ظهور اسلام بود. وی اشعار خود را در راه حمایت از آیین محمدی صلی الله علیه و آله و سلم به کار بست که در ذیل به برخی نمونه های اشعارش اشاره می رود:

ليعلم خيار الناس أنّ محمدا

وزير موسى و المسيح ابن مريم

أتانا بهدي مثل ما أتيا به

فكل بأمر الله بهدي و يعصم

و إنكم تتلونه في كتابكم

بصدق حديث لا حديث مبرجم؛

«والامقامان قوم باید بدانند که محمد صلی الله علیه و آله و سلم جانشین موسی و مسیح پسر مریم است؛ • او نیز همانند موسی و عیسی، هدایت را برای ما به ارمغان آورده است. آنها همگی، مردم را به دستور خداوند هدایت می کنند و آنان را از خطا باز می دارند؛ • شما نام محمد را در کتاب مقدس خود که سخنی راست، و نه درشت گویی و مبهم است، می خوانید».

أمين حبيب في العباد مسوم

بخاتم رب قاهر في الخواتم

نبي أتاه الوحي من عند ربّه

ومن قال لا يقرع بها سنّ نادم؛

«محمد صلی الله علیه و آله و سلم، امانتداری محبوب است و در میان انسانها، با مُهر پروردگار.

١- ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل أبي طالب: ج ٢، ص ٢٠.

فاتح و پیروز، نشان دار شده است ؛ • او پیامبری است که از سوی پروردگارش بر او وحی نازل شده است و هر کس به او ایمان بیاورد، انگشت پشیمانی به دندان نخواهد گزید».

ألم تعلموا أنا وجدنا محمداً

رسولاً كموسى لظ فى أول الكتب؛

«آیا نمی دانید که ما محمد صلی الله علیه و آله و سلم را پیامبری چون موسی می دانیم که نامش در کتب الهی گذشتگان آمده است؟»

وظلم نبی جاء يدعو إلى الهدی

و أمر أتى من عند ذی العرش قیم؛

«به پیامبری ستم کردند که مردم را به هدایت و فرمانی گران قدر که از سوی صاحب عرش آمده است ، دعوت می کند».

فاصدع بأمرک ما علیک غضاضه

و ابشر بذاک وقرّ منک عیونا

و دعوتی و علمتُ أنک ناصحی

و لقد دعوت و کنت ثم أمینا

و لقد علمت بأن دین محمد

من خیر أدیان البریه دیناء

«دستور خداوند را به اجرا درآور که هیچ گونه شرم و کاستی بر تو روا نیست ؛ و از این امر خشنود باش که چشمان همه از وجود تو روشن است؛ • تو مرا به خویش دعوت کردی و من دانستم که تو خیرخواه من هستی. تو مرا دعوت کردی و خود، امانتدار می باشی؛ • من نیز به تحقیق دانستم که دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم یکی از بهترین ادیان موجود در میان مردم جهان است».

نصرت الرسول رسول الملّیک

بیضٍ تلاًّ کلمع البروق

أذبُّ و أحمی رسول الإله

حمایه حام علیه شفیق؛

«من با شمشیری سپید که همچون آذرخش می درخشد به یاری فرستاده پروردگار صاحب جهان شتافتم؛ • من به عنوان یک حامی دلسوز، از رسول خدا حمایت و دفاع می کنم» .

ص: ۷۱

والله لا أخذل النبي ولا

يخذله من بنى ذو حسب

نحن وهذا النبي ننصره

تضرب عنه الأعداء بالشهب؛

«به خدا سوگند! که نه من و نه هیچ یک از فرزندان پرافتخارم، پیامبر را تنها نمی گذاریم. • ما یم و این پیامبر! او را یاری می رسانیم و با پیکان نیزه های درخشان خود، دشمنان را از سر راه او بر می داریم».

فصيرا أبا يعلى على دين أحمدٍ

و كن مظهراً للدين وفقت صابراً

و حط من أتي بالحق من عند ربه

بصدقي و عزم لا تكن حمز كافرا

فقد سرنى إذ قلت إنك مؤمن

فكن لرسول الله فى الله ناصراً؛

«ای ابویعلی! (۱) در حمایت از دین احمد صلی الله علیه و آله و سلم، صبر پیشه کن و صبورانه حامی دین باشد که خدا تو را توفیق صبر دهد. • با صداقت و اراده ای راسخ، کسی را پشتیبان باش که حق را از جانب پروردگارش آورده است؛ و ای حمزه! لحظه ای کفر نوز! • آنگاه که تو اظهار ایمان کردی، خشنود شدم؛ پس به خاطر خدا، رسول خدا را یاری کن».

زعمت قریش أن أحمد ساحرٌ

كذبوا و رب الراقات إلى الحرم

مازلت أعرفه بصدق حديثه

و هو الأمين على الحرائب و الحرم؛

«قریش ادعا می کند که احمد صلی الله علیه و آله و سلم، جادوگر است؛ اما سوگند به پروردگار گام ها و قدم های زائران به سمت حرم! آنها دروغ می گویند؛ • من همچون همیشه او را راستگو می دانم و اوست که از حرمت ها و اموال مردم با امانتداری خویش حفاظت می کند».

أَوْ تَوَمَّنُوا بِكِتَابِ مَنْزِلِ عَجَبٍ

عَلَى نَبِيِّ كَمُوسَى أَوْ كَذَى النُّونِ؛ .

ص: ٧٢

١- كُنِيَهُ حَضْرَتِ حَمْرَه .

«یا به کتابی شکفت ایمان آورید که بر پیامبری همانند موسی یا یونس، نازل شده است».

أوصی بنصر نبی الخیر أربعه

إبنی علیا و شیخ القوم عباسا

و حمزه الأسد الحامی حقیقته

وجعفر أن تذودا دونه الناسا

کونوا فداء لکم أمی وما ولدت

فی نصر أحمد دون الناسا؛ (۱)

«چهار نفر را به یاری پیامبر نیکی، سفارش می کنم: پسر علی، شیخ قوم عباس، حمزه این شیر حامی حقیقت محمد صلی الله علیه و آله، و جعفر؛ از این دو می خواهم تا شر دشمنان را از سر پیامبر، کوتاه کنند. • ای کسانی که مادر و فرزندانم فدای شما باد! در یاری احمد، همچون سپر باشید و او را حمایت کنید».

رؤیای صادق

مقام والا و جایگاه بلند فاطمه بنت اسد و افتخار تولد قهرمان بزرگ انسانیت و ایمان، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، از سال ها پیش از آن در عالم خواب و در رؤیایی صادق، به آن بانوی کرامت الهام شده بود؛ در حدیثی که از فاطمه بنت اسد نقل گردیده، ایشان فرموده است:

ص: ۷۳

در خواب دیدم کوههای شام به حرکت درآمده و به سوی مکه می آمدند. آن کوهها فریاد می زدند، اسلحه آهنین داشتند و آتش از آنها شراره می کشید. همه مردم از دیدن آنها به وحشت افتادند. در مقابل، کوههای مکه نیز به سرعت به سمت آنها به حرکت درآمده و با سلاح های خود، از تیر و شمشیر و کلاهخود، به جانب آنها شتافتند و هرچه سلاح از آنها بر زمین می افتاد، مردم از زمین بر می داشتند.

من نیز مانند سایرین، شمشیری از زمین برداشتم، ولی آن شمشیر از دست من رها شد و به آسمان پر کشید؛ شمشیر دیگری برداشتم؛ آن شمشیر در هوا معلق ماند؛ شمشیر دیگر من بر زمین افتاد و شکست؛ اما آخرین شمشیری که برداشته بودم، اندک اندک شیری عظیم شد و بر کوههای شام حمله برد. مردم همه از او می ترسیدند و فرار می کردند. در آن لحظه، فرزندم محمد صلی الله علیه و آله، پیش رفت و آن شیر عظیم را گرفت و دست خود را بر سر و گردن آن شیر گذاشت. شیر در برابر محمد صلی الله علیه و آله، مانند آهوی رام شده آرام گرفت و از محمد صلی الله علیه و آله اطاعت می کرد.

من با نهایت ترس و بیم از خواب بیدار شدم. نزد ابوکرز کاهن رفتم تا خوابم را تعبیر نماید؛ ولی چون جمیل کاهن تمیمی نزد او بود، صبر کردم تا جمیل کاهن برخیزد و بعد با ابوکرز کاهن سخن بگویم. جمیل به من نگاهی انداخت و با خنده گفت: به خداوند سوگند! تو می خواهی تعبیر خوابی را که دیده ای از ابوکرز کاهن

پیرسی، ولی از نشستن من در اینجا کراهت داری؛ من به جمیل کاهن گفتم: تو اگر راست می گویی و نیت مرا میدانی، خواب مرا بازگو کن.

جمیل به زبان شعر، ابیاتی با مضمون دقیق خوابی که من دیده بودم خواند؛ من از او درخواست نمودم که تعبیر این رؤیا را نیز برایم بیان کند. جمیل کاهن چنین گفت: چهار شمشیر، نماد چهار پسر است که یکی به آسمان پرواز می کند که ظاهراً طالب می باشد که از دنیا رفت؛ و دیگری در هوا می ماند که ظاهراً عقیل است که عمری طولانی داشت و بعد از امیرالمؤمنین علی علیه السلام وفات یافت؛ دیگری شکسته می شود که مراد از آن، جعفر است که در موته به شهادت رسید؛ و شمشیر آخر که به صورت شیری عظیم در آمد، علی علیه السلام می باشد» (۱).

دوران بارداری فاطمه بنت اسد

پیش از آنکه ابوطالب با دختر عمویش، فاطمه بنت اسد، ازدواج نماید، بنی هاشم عادت داشتند با دیگر خانواده های قریش غیر از بنی هاشم، پیوند زناشویی برقرار کنند؛ و ازدواج ابوطالب با فاطمه بنت اسد، ازدواجی کاملاً هاشمی بود.

شیخ اهل سنت، قاضی ابو عمرو عثمان بن احمد (۲) در روایتی

ص: ۷۵

۱- ر.ک: محلاتی، ریاحین الشریعه: ج ۳، ص ۵۶ (نقل به مضمون).

۲- ابو عمرو و عثمان بن احمد؛ محدث بغداد و معروف به «ابن سماک». از جزئیات زندگی و حتی مذهب فقهی وی اطلاعی دقیق در دست نیست و همین مقدار معلوم است که در بغداد می زیسته است. ابن سماک از مشایخ بسیاری بهره برده است که از آن میان می توان محمد ابن عبد الله بن منادی، حسن بن مکرم، محمد بن حسین ختعمی، جعفر بن محمد بن مالک و ابوقلابه رقاشی را نام برد. از راویان و شاگردان وی نیز می توان حاکم نیشابوری، ابن شاهین، شیخ مفید، ابو علی بن شاذان، محمد بن عثمان نصیبی و ابن فضل قطّان را نام برد. برخی از رجالیون اهل سنت مانند حاکم نیشابوری، دارقطنی و خطیب بغدادی، ابن سماک را توفیق کرده اند. برخی از آثار ابن سماک عبارتند از: الأمالی، الفوائد المنتقاه، و فیات شیوخه و کتابی در فضائل اهل بیت علیه السلام. ابن شهر آشوب از وی به عنوان قاضی یاد کرده است. ابو عمرو عثمان ابن احمد، سرانجام در سال ۳۴۴ هجری قمری در بغداد درگذشت. ر.ک: دائره المعارف بزرگ اسلامی: ج ۳، ص ۷۰۵، مدخل «ابن سماک» و نیز ر.ک: ذهبی، سیر أعلام النبلاء: ج ۱۲، ص ۱۰۰، شماره ۳۱۰۲.

بلند چنین نقل می کند: ... فاطمه بنت اسد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در حال خوردن دانه های خرمایی دید که از هر مشک و عنبری خوشبوتر بود و درخت آن نیز هیچ ساقه با خوشه ای نداشت؛ فاطمه بنت اسد گفت: به من نیز (از آن خرماها) بده تا از آن میل کنم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «تنها در صورتی شایستگی خوردن از این خرما را خواهی یافت که گواهی دهی هیچ معبودی جز خداوند نیست و من، محمد فرستاده خدا هستم»؛ فاطمه بنت اسد شهادتین را گفت و پیامبر خرمایی به او داد؛ فاطمه بنت اسد پس از خوردن آن خرما، میل و رغبتش افزون شد و خرمایی دیگر برای ابوطالب درخواست کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با او عهد بست که آن را تنها در صورتی به ابوطالب بدهد

که او هم شهادتین را بر زبان جاری سازد. پاسی از شب گذشته بود که ابوطالب رایحه نسیمی را استشمام نمود که تا آن زمان، مانند آن را هرگز استشمام نکرده بود؛ در این هنگام فاطمه بنت اسد، دانه خرما را که به همراه داشت به ابوطالب نشان داد؛ ابوطالب از او خواست تا آن خرما را به او بدهد، اما فاطمه بنت اسد اجابت درخواست او را به گفتن شهادتین، منوط کرد، ابوطالب دیگر نتوانست خود را کنترل کند و شهادتین را بر زبان جاری ساخت، اما از او خواست موضوع را به کسی نگوید تا مبادا قریش بر او (ابوطالب) خرده گیرند و از او عیب جویی کنند. فاطمه بنت اسد نیز به ابوطالب قول داد تا موضوع را فاش نسازد؛ در این هنگام دانه خرما را به ابوطالب داد، در کنار او آرامید و همان شب به علی علیه السلام باردار شد.

هنگامی که فاطمه بنت اسد به علی علیه السلام آبستن شد، زیبایی او افزایش یافت و علی علیه السلام در شکم مادر سخن می گفت. هنگامی که فاطمه بنت اسد به درون کعبه رفت، علی علیه السلام با جعفر سخن گفت و همین امر باعث شد تا جعفر از هوش برود؛ و هنگامی که نگاه فاطمه بنت اسد به بت ها افتاد، بت ها همگی، به رو بر زمین افتادند و فاطمه دستی به شکم خود زد و گفت: ای نور چشمم! بتها در درون کعبه به پای تو افتاده اند و من نمی دانم در برون کعبه از چه جایگاه بلندی برخوردار خواهی شد؟! فاطمه بنت اسد، ابوطالب را از این ماجرا آگاه کرد و او پس از شنیدن سخنان همسرش گفت: پیش از این در راه طائف، شیری را دیدم که مرا از این ماجرا آگاه

هنگامی که علی علیه السلام کودکی بیش نبود، ابوطالب به فاطمه بنت اسد گفت: علی را دیدم که بت ها را می شکست و ترسیدم که کفار قریش از ماجرا با خبر شوند.

فاطمه بنت اسد گفت: شگفتا! حال، من واقعه ای شگفت آورتر از آن را برایت تعریف کنم؛ هنگامی که من علی را در شکم داشتم، از جایی میگذشتم که بت های قریش در آنجا قرار داشت. در این هنگام، فرزندم علی پاهایش را به شدت و مداوم در اندرونم به حرکت درآورد تا به آن مکان نزدیک نشوم و از جای دیگری عبور کنم؛ و حال آنکه من هرگز بت نپرستیده بودم، بلکه تنها به خاطر عبادت خداوند، به طواف کعبه می پرداختم. (۲)

شاعر نامدار، صالح قیسی بصری در همین زمینه چنین می سراید:

و قد روی عن أمه فاطمه

ذات التقى و الفضل من بين النساء

بأنها كانت تری أصنامهم

نصباً علی الكعبه أو فوق الصفا

فریما رامت سجوداً كالذی

كانت مراره من قریش قد تری

و هی به حامله فیغتدی

منتصباً یمنعها ممّا تشاء (۳)

«از مادرش فاطمه که در میان زنان، اهل تقوا و فضل بود روایت شده

ص: ۷۸

۱- ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب: ج ۲، ص ۲۱ و علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار: ج ۳۵، ص ۱۷، ح ۱۴.

۲- قطب الدین راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۷۴۱، ح ۵۷ و علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار: ج ۴۲، ص ۱۸.

۳- علی بن محمد علوی، المجدی فی أنساب الطالبین: ص ۹.

است که : او (فاطمه) بت های قریش را بر روی کعبه یا بر بلندای کوه صفا مشاهده می کرد؛ و چه بسا خواست تا همانند کاری که همیشه از قریش دیده بود، به سجده درافتد.

او در این هنگام به علی علیه السلام آبستن بود و علی در شکم او بر می خاست تا از آنچه به ذهن مادرش خطور کرده بود، جلوگیری نماید».

مولود کعبه علیه السلام و چگونگی زایمان فاطمه بنت اسد

همانگونه که گذشت، حضرت امام علی علیه السلام با مناقب، کرامات و فضایلی ویژه از دیگران متمایز می شود که پیش و پس از ایشان، هیچکس از آن برخوردار نبوده است؛ چه بسا اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آرزو می کردند که ای کاش تنها یکی از فضایل علی علیه السلام نصیب آنان می گشت؛ چنانکه یکی از اصحاب می گوید: «اگر تنها یکی از فضایل علی علیه السلام از آن من می شد، برای من از شتران سرخ موی، محبوب تر بود»^(۱).

از جمله این فضایل می توان به ولادت امام علی علیه السلام در بیت الله الحرام اشاره نمود که در کتاب های فراوان، آمده است و محدثان و مورخان بزرگی چون مسعودی در «مروج الذهب»^(۲)، سبط ابن جوزی در «تذکره الخواص»^(۳)، ابن طلح شافعی در «مطالب

ص: ۷۹

-
- ۱- شیخ صدوق، الخصال: ۳۱۱، ح ۸۷ و به نقل از آن: علامه محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار: ج ۴۰، ص ۹.
 - ۲- مسعودی، مروج الذهب: ج ۲، ص ۳۴۷.
 - ۳- سبط ابن جوزی، تذکره الخواص: ج ۱، ص ۱۵۵.

السؤال» (۱) و ... آن را به وفور نقل کرده اند.

گنجی شافعی در کتاب «کفایه الطالب» به نقل از حاکم نیشابوری می نویسد:

«از نشانه های تکریم و بزرگداشت مقام والای امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و از سوی خداوند این است که ایشان در شب جمعه، سیزده رجب سال سی ام عام الفیل در بیت الله الحرام به دنیا آمد و پیش یا پس از او هیچ کس از چنین فضیلتی برخوردار نگردیده است» (۲).

حافظان بزرگ احادیث اهل سنت، مانند نورالدین علی بن محمد بن صباغ مکی مالکی (۷۸۴-۸۵۵ ه. ق.) در «الفصول المهمه» (۳)، شافعی سمهودی (۸۴۴-۹۱۱ ه. ق.)، نورالدین حلبی (۴) (۹۷۵-۱۰۴۴ ه. ق.)، و همچنین شیخ شبلنجی از علمای قرن سیزدهم در «نور الأبصار فی مناقب آل بیت النبی المختار» (۵) و دیگران درباره تولد حضرت امام علی در کعبه می گویند:

«وی در درون کعبه چشم به جهان گشود و هیچ کس پیش از او در بیت الله الحرام به دنیا نیامده است؛ این فضیلتی است که خداوند آن را منحصر به علی بن ابی طالب علیه السلام داد تا او را گرامی داشته،

ص: ۸۰

-
- ۱- ابن طلحه شافعی، مطالب السؤال: ج ۱، ص ۵۱.
 - ۲- گنجی شافعی، کفایه الطالب: ص ۴۰۶.
 - ۳- ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه: ج ۱، ص ۱۷۱.
 - ۴- علی بن ابراهیم حلبی، السیره الحلبیه: ج ۱، ص ۱۳۹.
 - ۵- شبلنجی، نور الأبصار: ص ۱۵۶.

مقامش را اعتلا داده و جایگاهش را بلند گرداند».

گنجی شافعی (ت ۶۵۸ ه. ق.) به نقل از حاکم نیشابوری (۳۲۳ - ۴۰۵ ه. ق.) در «کفایه الطالب»^(۱)؛ شیخ مفید محمد بن نعمان بغدادی (ت ۴۱۳ ه. ق.) در «الارشاد»: ص ۹؛ اسدی حلّی معروف به ابن بطریق (۵۳۳ - ۶۰۰ ه. ق.) در «عمده عیون

ص: ۸۱

۱- گنجی شافعی در باب هفتم کفایه الطالب: ص ۴۰۷، که به تولّد علی علیه السلام می پردازد، اینگونه می نویسد: «من این روایت را در بغداد نزد ابو عبد الله نجار خواندم و گفتم: در نیشابور، نزد صفار نیز این روایت را با این سند قرائت کردم که: عمه ام عایشه، از ابن شیرازی، از حاکم ابو عبدالله نیشابوری روایت کرده است که: «امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در مکه و در درون بیت الله الحرام به دنیا آمد... و پیش و پس از وی، هیچ نوزادی جز علی علیه السلام در درون کعبه متولد نشده است؛ این امر نشان می دهد که خداوند او را گرامی و بزرگ داشته و جایگاهش را بلند گردانیده است». ابن صباغ در الفصول المهمّه: ص ۳۰ در آغاز شرح حال امیرالمؤمنین علیه السلام می نویسد: «علی علیه السلام در مکه مکرمه و در درون کعبه چشم به جهان گشود... و پیش از وی هیچکس در این مکان مقدّس متولد نشده است؛ و این فضیلتی است که خداوند منحصرأً به علی علیه السلام داد تا او را بزرگ دارد، جایگاهش را بلند گرداند و فضیلتش را آشکار سازد». همچنین ر.ک: ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۲۰ با عنوان (فصل: فی آثار حمله و کیفیه ولادته)؛ شبلنجی، نورالابصار: ص ۷۶ (در آغاز مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام)؛ شیخ مفید، الارشاد (در آغاز کتاب) و علامه امینی، الغدير: ج ۶، ص ۲۲.

صحاح الأخبار: ص ۲۴؛ شیخ وزیر علی بن عیسیٰ اربلی (ت ۶۹۲ ه. ق.) در «کشف الغمّه»: ج ۱، ص ۵۹؛ علامه حلّی - حسن بن یوسف بن مطهر (۶۴۸-۷۲۷ ه. ق.) در نهج الحق و کشف الصدق: ص ۲۳۲ و دیگران پیرامون تولد علی علیه السلام در کعبه می گویند:

«پیش و پس از وی، هیچ نوزادی در درون کعبه به دنیا نیامده است؛ این امر نشان می دهد که خداوند، او را گرامی و بزرگ داشته و جایگاه او را بلند گردانیده است.»

پس از این مقدمه، شایسته است در اینجا از افسانه ای تاریخی سخن به میان آید که دشمنان در ذکر و نقل آن بسیار کوشیده اند تا ارزش ولادت علی علیه السلام در کعبه شریف و اختصاص آن کرامت به ایشان را مخدوش کنند. در این افسانه تاریخی آمده است که حکیم ابن حزام نیز در درون کعبه، متولد شده است! فرضیه ای مشوّش و ساختگی، و ادعایی دروغین که تحقیق و پژوهشی گذرا، پوشالی و ساختگی بودن آن را آشکار می سازد؛ چرا که نواقص فراوان این روایت، به اعتبار راویان و صحت

ص: ۸۲

۱- ر.ک: سید محمدرضا جلالی، ولید الکعبه: ص ۱۹۴ - ۲۱۳. نویسنده در این کتاب که با اسلوبی متقن و علمی، به تفصیل و جزئیات موضوع پرداخته، پژوهش خود را با معرّفی نسب شناس معروف، هشام بن محمد بن سائب کلبی، آغاز می کند که ادعای تولد حکیم بن حزام، نخستین بار به وی نسبت داده شده است. استاد جلالی ثابت می کند که این نسب شناس، قابل اعتماد و ثقه نیست و احادیث او که مملوّ از عجایب، و فاقد اصول و قواعد حدیثی است، متروک واقع شده اند. جلالی پس از استناد به دیدگاه های علمای جرح و تعدیل اهل سنت، در مورد تضعیف و ترک روایات هشام بن محمد و غیر قابل اتکا بودن وی، روایات عجیب و بی اصل و اساس او را نقل می کند. شگفت آنکه ابن ابی الحدید معتزلی در کتاب شرح نهج البلاغه: ج ۱، ص ۱۴ پیرامون این موضوع می نویسد: «محل ولادت علی علیه السلام مورد اختلاف است؛ زیرا بسیاری از شیعیان، کعبه را محلّ ولادت وی می دانند؛ اما محدّثان این مسأله را نمی پذیرند و گمان می کنند که حکیم بن حزام مولود کعبه می باشد!» روشن نیست که ابن ابی الحدید به کدام یک از محدّثان اشاره کرده است؟ اگر مقصود وی حاکم نیشابوری - از مشهورترین پیشوایان حدیث □ باشد سخت در اشتباه است؛ زیرا حاکم نیشابوری در المستدرک: ج ۳، ص ۴۸۳ می نویسد: «روایات متواتر نشان می دهد که فاطمه بنت اسد، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب - کرم الله وجهه - را در درون کعبه به دنیا آورد». اگر مقصود ابن ابی الحدید، عبد الله گنجی شافعی است، باز هم به خطا رفته است؛ چرا که گنجی در باب هفتم کفایه الطالب: ص ۴۰۵ - ۴۰۷، روایت تولد علی علیه السلام را از قول جابر بن عبد الله نقل کرده است. شاید هم مقصود ایشان، ابن مغازلی مالکی است که در کتاب «مناقب»، حدیث تولد در کعبه را به صورت مرفوع از علی بن حسین علیه السلام نقل کرده است! یا شاید از ابوالفتح کراچکی سخن می گوید! هم او که در «کنز الفوائد»، احادیثی را در مقدمه ولادت علی علیه السلام، پیرامون خواب فاطمه بنت اسد و تعبیر آن توسط کاهن، ذکر می کند و آنگاه می نویسد: «در حدیث آمده است که فاطمه بنت اسد، مثل همیشه به درون کعبه رفت که ناگاه هنگام زایمان او فرا رسید و امیرالمؤمنین را در درون کعبه به دنیا آورد»: ج ۱، ص ۱۱۶. نکته جالب آنکه میرزا محمد علی اردوبادی در کتاب «علی ولید الکعبه» به تفاوت مهم و اساسی محدّثان و پیشوایان حدیث (ائمہ الحدیث)، اشاره می کند و «ائمہ الحدیث» را در زمینه روایات، انسانهایی کارآزموده، ماهر و ناقد، معرّفی می کند. چه بسا مقصود ابن ابی الحدید از «محدّثین»، همان افرادی باشد که میرزای اردوبادی آنها را ساده لوح، غیر حرفه ای و عاری از مهارت نقادانه و کارشناسانه می داند؛ اما در غیر این صورت، ابن ابی الحدید به رغم برخورداری از عقلانیت و واقع نگری، نتوانسته است دیدگاهی خالی از اشکال در مورد ولادت امام علی علیه السلام ارائه نماید.

روایت تولّد حکیم بن حزام بن خویلد در درون کعبه را جعل کردند تا ارزش کعبه و مولود آن را مخدوش و سست ساخته و حسادت، دشمنی و انتقامجویی خود را به امیرالمؤمنین علیه السلام، که بنا به دستور قرآن و در راه تثبیت رسالت، بزرگان آنان را به هلاکت افکنده بود، نشان دهند؛ خداوند متعال درباره دشمنان اولیای خدا

ص: ۸۴

می فرماید: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (۱) و

«يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (۲).

از آنچه گذشت، روشن می شود که این فرزند پاک برآمده از سلاله ای پاک، در مکانی پاک چشم به جهان گشود و چنین کرامتی برای هیچ انسان دیگری قابل تحقق نیست.

حرم، برترین مکان و مسجدالحرام، برترین جای حرم و کعبه، برترین قسمت مسجدالحرام به شمار می رود و هیچ کس جز امیرالمؤمنین علیه السلام در این مکان مقدس، متولد نشده است.

حافظ و مورخ مشهور، ابن شهر آشوب سروری مازندرانی (۳)، پس از

ص: ۸۵

۱- «بلکه به مردم، برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده است، رشک می ورزند». نساء: ۵۴.

۲- «می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا - گرچه کافران را ناخوش افتد - نور خود را کامل خواهد گردانید». صف: ۸.

۳- ابن شهر آشوب سیروی مازندرانی؛ محمد بن علی بن شهر آشوب بن ابی نصر مازندرانی، مکننا به ابوجعفر، ملقب به رشیدالدین و عزّ الدین، محدث، مفسر، فقیه و ادیب شیعه. وی در سال ۴۸۹ هجری قمری در مازندران به دنیا آمد. اصل خاندان وی، اهل ساری مازندران بوده اند. وی از کودکی به تحصیل علم پرداخت و در هشت سالگی موفق به حفظ قرآن گردید. ابن شهر آشوب پس از درگیری با حاکم مازندران، رهسپار بغداد شد و نزد خلیفه، مقتفی (حکومت: ۵۳۰ - ۵۵۵ ه. ق.) منزلت یافت؛ سپس به موصل و بعد از آن به حلب هجرت نمود. وی مدتی را نیز در نیشابور اقامت داشت و از فتیال نیشابوری (ت ۵۰۸ ه. ق.) حدیث شنید و بعد از آن به حلب هجرت نمود. ابن شهر آشوب، در خوارزم و سبزواری نیز حضور یافت و با عالمانی چون زمخشری و طبرسی، مؤلف مجمع البیان دیدار کرد. وی مسافرت های متعدد دیگری نیز داشته است که در طی آن سفرها، با علما و محدثین متعدد، دیدار و از ایشان حدیث استماع کرده است. وی از ابو الفتح احمد بن علی رازی، حسین بن احمد مقدادی، سید مهدی بن ابی الحرب حسینی مرعشی، علی بن علی تمیمی، محمد قتال نیشابوری، ابو عبدالله محمد بن احمد نظری و بسیاری از علما روایت نموده و بزرگانی همچون ابو الحسن علی بن جعفر حلّی جامعانی، ابن ادریس حلّی، ابن بطریق حلّی و ابن زهره حلّبی از جمله شاگردان و راویان او می باشند. برخی از آثار ابن شهر آشوب مازندرانی عبارتند از: مناقب آل ابی طالب، معالم العلماء، متشابه القرآن و مختلفه، مثالب النواصب و المخزون والمکنون فی عیون الفنون. وی سرانجام در سال ۵۸۸ در حلب درگذشت. ر.ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ج ۴، ص ۹۰، مدخل «ابن شهر آشوب» و موسوعه طبقات الفقهاء: ج ۶، ص ۲۸۵، شماره ۲۳۱۹.

نقل چندین روایت صحیح و معتبر پیرامون تولد علی علیه السلام در کعبه، می گوید:

«مولود کعبه در اوج شرافت و مرتبه قرار دارد و امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، تنها کسی است که در بهترین روز هفته: جمعه، در ماه حرام: «رجب الأصب» (۱) و در بیت الله الحرام: کعبه، دیده به جهان گشوده است» (۲).

ص: ۸۶

۱- ماه ریش رحمت الهی.

۲- ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب: ج ۳، ص ۳۸ و ۴۸ و ۵۹.

علماء، ادبا و شعرای نام آور و بزرگ هر یک بر پایه قریحه و ذوق خویش، شعر یا نثری پیرامون این ولادت خجسته و پربرکت، ساخته و پرداخته اند که به بیان ساده ترین و در عین حال تأثیرگذارترین آنها بسنده می کنیم:

شاعر بزرگ اهل بیت، اسماعیل بن محمد بن یزید بن ربیعہ معروف به سید حمیری (۱) چنین می سراید:

ص: ۸۷

۱- سید اسماعیل حمیری؛ اسماعیل بن محمد بن یزید حمیری، مکنا به ابو هاشم یا ابو عامر و معروف به «سید»، از مشهورترین شاعران شیعه و مدافع مذهب امامیه. سید اسماعیل در سال ۱۰۵ هجری قمری در عمان متولد شد و مادرش لقب وی را «سید» نهاد. نسب وی به قبیله حمیر می رسد که اصلاً اهل یمن بودند و در شام سکونت داشتند. پدر و مادرش از فرقه اباضیه، شاخه ای از خوارج، بودند. خود سید حمیری در این باره می گوید: «چه بسیار در خانه ما از علی علیه السلام بدگویی می شد و مورد لعن قرار می گرفت؛ لذا از آنان فاصله گرفتم و به شیعه گرویدم که این امر موجب شد تا ایشان در پی قتل من برآیند». ابن شهر آشوب در معالم العلماء می نویسد: «سید حمیری در آغاز از خوارج بود، سپس به کیسانیه گرایید و سرانجام در زمره امامیه درآمد». شیخ طوسی وی را از اصحاب امام صادق علیه السلام برشمرده است. برخی معتقدند سید حمیری امام کاظم علیه السلام را نیز ملاقات کرده است. وی از ماهرترین شاعران زمان خویش بود و احادیث، اخبار و مناقب را در قالب شعر بیان می کرد. سید حمیری بسیاری از فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام ما را به نظم در آورده و بدون تقیه، اهل بیت علیهم السلام را ستوده است. مجموعه اشعار وی درباره بنی هاشم، معروف به هاشمیت، بالغ بر ۲۳۰۰ قصیده است. سرزنش و بدگویی او از برخی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه ای که با بنی هاشم مخالف بودند، موجب شده اهل سنت او را طرد کنند و ضعیف بشمارند. حمیری خلافت ده خلیفه مروانی و عباسی را درک کرده است. کشتی در رجال آورده است که امام صادق علیه السلام سید حمیری را دید و فرمود: «مادرت اسم تو را سید گذاشته است. تو نیز موفق شده ای و اکنون، سید شاعرانی». سید این سخن امام علیه السلام را در قصیده ای به نظم در آورده است. وَلَقَدْ عَجِبْتُ لِقَائِ لِي مَرَّةً عَلَّامَهُ فَهَمَّ مِنَ الْفُقَهَاءِ سَمَّاكَ قَوْمَكَ سِيداً صَدَقُوا بِهِ أَنْتَ الْمَوْفِقُ سِيدَ الشُّعْرَاءِ؛ «همانا در تعجب و شگفتم از گوینده ای که علامه ای بسیار فهمیده از فقها بود و یک بار که مرا دید، فرمود: خاندان تو، نامت را سید گذاشته اند و راست گفته اند؛ تو موفق گردیدی و سید و آقای شاعران هستی». سرانجام وی در سال ۱۷۳، ۱۷۸ و یا ۱۷۹ هجری قمری در بغداد درگذشت. برخی آثار وی عبارتند از: البائیه الحمیریه، القصیده العینیه، تاریخ الیمن، تفسیر القرآن، میمات السید الحمیری و دیوان السید الحمیری. ر.ک: فرهنگ نامه مؤلفان اسلامی: ج ۱، ص ۱۸۰، مدخل «اسماعیل - حمیری»، دائرة المعارف تشیع: ج ۹، ص ۴۵۸، مدخل «سید حمیری»؛ و امین، أعیان الشیعه: ج ۳، ص ۴۰۵

ولدتَه في حرم الإله و أمنه
و البيت حيث فناؤه و المسجدُ
بيضاء طاهره الثياب كريمه
طابت و طاب وليدها و المولدُ
في ليله غابت نُحوس نُجومها
و بدت مع القمر المنير الأسعدُ
ما لُفَّ في خرقِ القوابل مثله
إلا ابنُ آمنه النبيِّ محمدُ (١)

«فاطمه بنت اسد در حرم امن الهی، او را به دنیا آورد؛ و شکفتا که این حرم، عجب صحن و مسجدی دارد! • فاطمه بنت اسد، بانویی مطهر، بزرگوار

ص: ۸۸

۱- دیوان السید الحمیری: ص ۶۹ - ۷۰ و علامه امینی، الغدير: ج ۶، ص ۴۵.

و پاکیزه جامه بود. او، نوزادش و محلّ تولد نوزادش همگی پاک و مطهر بودند؛ و در شبی که از ستارگان شوم خیری نبود و ستارگان سعد (خوشبختی) به همراه ماه منیر، آشکار شده بودند. • هیچ نوزادی همانند علی علیه السلام در پارچه های قابله ها پیچیده نشده است جز فرزند آمنه، محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله .

همچنین ادیب دانشمند، ابوالحسن علاء الدین، علی بن حسین حلّی (۱) از علما و شعرای قرن هشتم هجری در قصیده بلند دالیّه (۲) خود چنین می سراید:

أم هل تری فی العالمین بأسرهم

بشراً سواه بیتِ مکه یولدُ؟

فی لیلِهِ جبریل جاء بها مع

الملائمقدّسِ حوله یتعبّد

فلقد سما مجدداً علیّ کما علا

شرفاً به دون البقاع المسجّد؛ (۳).

ص: ۸۹

۱- علاء الدین حلّی؛ شیخ علی بن حسین حلّی شفهبینی یا شهیفی، معروف به ابن شهفیه و مکنا به ابو الحسن، دانشمند، ادیب و شاعر شیعه در قرن هشتم هجری. وی معاصر شهید اول، محمد بن مکی عاملی، بود و شهید اول یکی از قصاید وی را شرح نموده است. علاء الدین حلّی از شاعران مدافع اهل بیت علیهم السلام به شمار می آید و اشعار وی مملوّ از حجّت و دلیل است. قصاید هفت گانه او، که در مدح امیرالمؤمنین علی علیه السلام و در رثای حسین بن علی سید الشهداء علیه السلام سروده است، بسیار مشهور است. وی سرانجام در سال ۷۳۰ هجری قمری در حلّه از دنیا رفت و در همان جا به خاک سپرده شد. طبق نقلی دیگر علاء الدین حلّی در سال ۷۸۶ به شهادت رسیده است. ر.ک: جعفر مرتضی عاملی، مأساه الزهراء علیها السلام: ج ۲، ص ۲۱ و مرضیه محمدزاده، دانشنامه شعر عاشورایی: ج ۱، ص ۳۱۹.

۲- به قصیده ای گفته می شود که آخرین حرف ابیات آن «دال» است.

۳- ر.ک: متن کامل این قصیده در الغدیر: ج ۶، ص ۳۶۴ □ ۳۵۶.

«آیا در میان همهٔ جهانیان، انسانی را می‌شناسی که همانند علی علیه السلام در خانهٔ کعبه متولد شده باشد؟ • در شبی که جبرئیل به همراه فرشتگان مقدس، فرود آمد و به عبادت پیرامون کعبه مشغول شد. • علی علیه السلام بر بلندای عظمت، ایستاد و مسجدالحرام نیز به واسطهٔ او کرامتی یافت که در هیچ جای دیگر، یافت نمی‌شود».

عالم متکلم، محدث و فقیه گرانقدر، مولا محمد طاهر بن محمد حسین قمی^(۱) (متوفای ۱۰۹۸ ه. ق.)، صاحب تألیفات

ص: ۹۰

۱- ملا محمد طاهر قمی؛ محمد طاهر بن محمد حسین شیرازی نجفی قمی، از فقهای اخباری بزرگ شیعه. وی در شیراز متولد شد و در کودکی به همراه خانواده به عراق هجرت کرد و در نجف اقامت گزید. وی به زیارت کربلا و کاظمین نیز مشرف شد؛ ولی پس از حملهٔ دولت عثمانی به بغداد در سال ۱۰۴۸ هجری قمری، به ایران بازگشت و در قم سکنا گزید. وی در حدیث، فقه و شعر فارسی و عربی سرآمد بود و شاه سلیمان صفوی، منصب شیخ الاسلامی و قاضی القضاتی و امامت جمعهٔ قم را به او سپرد. ملا محمد طاهر قمی از بزرگانی همچون محمد بن جابر نجفی و سید نورالدین علی موسوی عاملی مکی روایت نموده و شیخ حر عاملی، مؤلف وسائل الشیعه، از وی روایت کرده است. برخی از آثار وی عبارتند از: حجه الإسلام فی أصول الفقه والدين، شرح تهذیب الأحكام، رساله فی الرضاع، الفوائد الدینیة فی الرد علی الحکماء و الصوفیة، رساله الجمعة، کتاب الأربعین فی فضائل امیر المؤمنین و إمامه الأئمة المصومین علیهم السلام و حق الیقین فی معرفه أصول الدین. وی سرانجام در سال ۱۰۹۸ هجری قمری درگذشت. ر.ک: موسوعه طبقات الفقهاء: ج ۱۱، ص ۳۳۲، شماره ۳۵۴۰. نیز ر.ک: امین، أعیان الشیعه: ج ۹، ص ۳۷۵ و کحاله، معجم المؤلفین: ج ۱۰، ص ۱۰۱.

ارزشمند و سودمند، در ادامه قصیده لامیه خود، که با این مطلع شروع می شود: سلامه القلب نحتنی عن الزلل و شعله العلم
دلتنی علی العمل؛

«سلامت قلب ، مرا از لغزش دور نمود و مشعل فروزان علم، مرا به راه عمل هدایت کرد»؛

می سراید: طوبی له کان بیت الله مولده کمثل مولده ما کان للرسول؛^(۱)

«خوشا به حال او که در خانه خدا متولد شد؛ در حالی که هیچ پیامبری، جایگاه تولدی مانند او نداشت».

ص: ۹۱

۱- ر.ک: علامه امینی، الغدیر: ج ۱۱، ص ۳۲؛ به نقل از (الأربعین فی إمامه الأئمه الطاهرین): ص ۲۳

۱- شیخ محمد بن حسن حر عاملی؛ محمد بن حسن مشغری، فقیه و محدث اخباری و از شعرای توانای شیعه. اصل خاندان وی از مشغری، روستایی در ناحیه بقاع دمشق در جبل عامل، است که بسیاری از آن خاندان، در زمان صفویه به ایران مهاجرت نمودند. نسب او با ۳۴ واسطه به حر بن یزید ریاحی، از شهدای کربلا، می رسد. محمد بن حسن در سال ۱۰۳۴ هجری قمری متولد شد و دروس مقدماتی را نزد پدر، عمو، دایی و نیز برخی دیگر از مشایخ سرزمین خود فرا گرفت. برخی از اساتید وی در آن دوره، علی بن محمود عاملی و حسین بن حسن ظهیری می باشند. او در سال ۱۰۷۳ به عراق سفر کرد و پس از زیارت قبور ائمه اطهار علیهم السلام برای زیارت امام رضاعلیه السلام راهی ایران شد و تا پایان عمر در همان جا ماند. وی در دوران حضور در ایران، دو بار به عتبات سفر کرد و سفری نیز در سال ۱۰۸۵ به اصفهان داشته که موفق گردید با علامه مجاسی نیز دیدار کند. وی به دلیل برخوردای از جایگاه والای علمی و مردمی، از جانب شاه سلیمان صفوی به منصب شیخ الاسلامی و قاضی القضاتی خراسان منصوب شد. شیخ حر عاملی با اینکه در فقه، مسلک اخباریان را داشته است، ولی مورد احترام و تجلیل مجتهدین بزرگ اصولی نیز واقع گردیده و همه فقهای شیعه، بلندی مقام فقاقت او را تأیید کرده اند. وی روشی معتدل داشته و آثار خویش را بر اساس همین اندیشه میانه، تدوین نموده و در نوشته هایش، از علمای اصولی و اخباری، یکسان تجلیل کرده است. از میان شاگردان و راویان بسیاری که از وی بهره گرفته اند می توان پسرانش محمدرضا و حسن، محمد فاضل بن محمد مهدی مشهدی، سید محمد بن محمدباقر حسینی مختاری نائینی، محمدتقی بن عبد الوهاب استرآبادی، محمد صالح بن محمد باقر قزوینی روغنی، سید محمد بن محمد بدیع رضوی مشهدی، سید نورالدین بن نعمت الله جزایری، علم الهدی محمد بن محسن فیض کاشانی و ابو الحسن شریف بن محمد طاهر فتونی نجفی را نام برد. برخی از آثار شیخ حر عاملی عبارتند از: تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیه که به نام وسائل الشیعه مشهور گردیده است، هدایه الهدایه ، هدایه الامه الی احکام الأئمه علیهم السلام، نزهه الأسماع فی حکم الإجماع، أحوال الصحابه ، الفصول المهمه فی أحوال الأئمه علیهم السلام، تواتر القرآن و الفوائد الطوسیه. شیخ حر عاملی سرانجام در سال ۱۱۰۴ هجری قمری در مشهد مقدس وفات یافت و در یکی از حجره های صحن امام رضاعلیه السلام به خاک سپرده شد. ر.ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ج ۲۰، ص ۳۱۹، مدخل «الحر عاملی»؛ دائرة المعارف تشیع: ج ۶، ص ۲۱۶، مدخل «حر عاملی» و موسوعه طبقات الفقهاء: ج ۱۲، ص ۲۶۷، شماره ۳۷۸۵.

«وسائل الشیعه» سروده ای در بحر رجز دارد که طی آن به بیان سیره معصومان علیهم السلام می پردازد؛ در این سروده آمده است:

مولده بمکه قد عرفا

فی داخل الکعبه زیدت شرفا

علی رخامه هناک حمرا

معروفه زادت بذاک قدرا

فیالهامزیه علیه

تخفض کل رتبه علیه

مانالها قط نبی مرسل

ولا وصی آخر و أول؛

- «همانا محل تولد او در مکه و در درون کعبه، برای همه شناخته شده است و کعبه با این میلاد، جایگاهی والاتر یافته است.
- این ولادت در آنجا، بر روی سنگ مرمری سرخ و مشهور، صورت گرفت که با تولد علی السلام، ارزش آن مضاعف شد. شگفتا از این مزیت والا که همه ی مراتب بلند را کوچک کرده

ص: ۹۳

است. • قطعا در میان گذشتگان و آیندگان، هیچ یک از پیامبران و اوصیا به چنین مقامی دست نیافته اند».

شیخ حر عاملی در ادامه این سروده، حدیث مشهور یزید بن قعنب^(۱) را به رشته نظم درآورده است. ^(۲)

همچنین شیخ فقیه، حسین نجف تبریزی نجفی ^(۳) (۱۱۵۹ - ۱۲۵۱ ه. ق.) در قصیده هائیه خود چنین می سراید: جعل الله بیده
لعلی

مولد یاله علالا یضاهی

ص: ۹۴

۱- اردوبادی، علی علیه السلام ولید الکعبه : ص ۳۶

۲- این حدیث تحت عنوان «روایتی دیگر پیرامون تولد امیرالمؤمنین علیه السلام» مطرح می گردد.

۳- شیخ حسین نجف تبریزی نجفی؛ حسین بن نجف بن محمد تبریزی نجفی، از فقهای بزرگ و ادیب و شاعر شیعه در قرن سیزدهم هجری قمری. وی در سال ۱۱۵۹ هجری قمری در نجف اشرف متولد شد و مقدمات تحصیل را نزد پدرش فرا گرفت. سپس در درس آیت الله العظمی سید محمد مهدی بحرالعلوم طباطبائی حاضر شد و پس از تحصیلات فراوان، در زمره فقهای بزرگ شیعه درآمد و مرجعیت عامه یافت، وی در مسجد هندی نجف به اقامه نماز جماعت می پرداخت و به کثرت سکوت و سرعت جواب شهره بود. از جمله شاگردان وی می توان سید محمد جواد عاملی، مؤلف مفتاح الکرامه را نام برد. کتاب التحفه النجفیه فی الرد علی الأشعریه و دیوان اشعار درباره اهل بیت علیهم السلام از آثار شیخ حسین نجف می باشد. وی سرانجام در سال ۱۲۵۱ وفات یافت و در یکی از حجره های صحن حرم امیرالمؤمنین علیه السلام به خاک سپرده شد. ر.ک: موسوعه طبقات الفقهاء: ج ۱۳، ص ۲۴۰، شماره ۴۰۸۰ و نیز ر.ک: امین، أعیان الشیعه : ج ۶، ص ۱۶۷.

لم يشاركه في الولاده فيه

سيد الرسل لا ولا أنبيها

علم الله شوقها لعلی

علمه بالذی به من هواها

إذ تمت لقاءه وتمنی

فأراها حبيبیه و رآها

ما ادعی مدع لذلك کلا

من تری فی الوری یروم ادعاها

فاکتست مکه بذاک افتخارا

و کذا المشعران بعد مناها

بل به الأرض قد علت إذحوته

فغدت أرضها مطاف سماها

أ و ماتنظر الكواکب لیلا

ونهارا تطوف حول حماها

و إلى الحشر فی الطواف علیه

و بذاک الطواف دام بقاها؛(۱)

«خداوند خانه خویش را محل ولادت علی علیه السلام قرار داد؛ شگفتا از این منزلت که همتایی ندارد. • نه سرور رسولان در خانه خدا به دنیا آمده است و نه هیچ یک از پیامبران دیگر. • خداوند، هم از اشتیاق کعبه به علی آگاه بود و هم عشق علی به کعبه را می دانست. • کعبه آرزوی دیدار علی را داشت و علی نیز در آرزوی دیدار کعبه بود، بنابراین خداوند محبوب خود را به کعبه رساند و علی را از نعمت مشاهده کعبه برخوردار ساخت. • هرگز کسی چنین ادعایی نکرده است. آیا در میان انسانها کسی در پی ادعای ولادت خود در کعبه هست؟ • مکه، هر دو مشعر و منا از این حادثه (ولادت علی علیه السلام در کعبه) سرشار افتخار شدند. • حتی زمین مکه هم از این حادثه، بلندی یافت و علی را در میان گرفت، پس سر زمین مکه به

محل طواف آسمان تبدیل شد. • مگر نمی بینید که ستارگان، شب و روز پیرامون حریم مکه در گردشند؟ • این

ص: ۹۵

۱- علامه امینی، الغدیر: ج ۶، ص ۴۶؛ اردوبادی این قصیده را در «علی السلام ولید الکعبه»: ۶۹ آورده است (به نقل از دیوان خطی اردوبادی).

طواف، گردش به دور علی علیه السلام است که تا روز قیامت ادامه دارد و بقای مکه نیز در گرو همین طواف است».

علامه سید محسن امین (۱) (۱۲۸۴ - ۱۳۷۱ ه. ق.) در دایره».

ص: ۹۶

۱- علامه سید محسن امین عاملی؛ سید محسن بن عبد الکریم بن علی حسینی عاملی شقرانی، فقیه، تراجم نگار و شاعر بزرگ شیعه. سید محسن در سال ۱۲۸۴ هجری قمری در روستای شقرا از توابع جبل عامل لبنان متولد شد و تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش و همچنین در براغیث و بنت جبیل انجام داد. از اساتید وی در آن دوره، می توان سید محمد حسین بن عبدالله امین، سید جواد مرتضی و سید نجیب آل فضل الله را نام برد. وی در سال ۱۳۰۸ به نجف اشرف هجرت کرد و در دروس علمای بزرگ چون محمد طه آل نجف، آقارضا همدانی و آخوند محمد کاظم خراسانی حضور یافت. وی با انگیزه احیا و نشر معارف دینی و اصلاح سنت هایی که به نظر او مخالف عقل و شرع بود، به دمشق هجرت نمود و بیش از نیم قرن به فعالیت های علمی و فرهنگی پرداخت. امین برای تأمین منابع علمی تحقیق و تألیف، به مناطق مختلف سوریه، اردن، مصر، فلسطین، عراق و ایران سفر کرد. سید محسن امین در سال ۱۳۶۱ هجری قمری به عضویت «مجمع علمی عربی» دمشق درآمد و تا پایان عمر از شخصیت های فعال آن مجمع بود. او همچنین برای اعتلای فرهنگ جوانان شیعه، مدارس تأسیس نمود و خود به تألیف برخی کتب درسی اقدام کرد. کوشش برای ایجاد همبستگی اسلامی، اصلاح شعائر مذهبی و تشویق به جهاد در مقابل استعمار، از ویژگی های بارز وی می باشد. برخی از آثار وی عبارتند از: أعیان الشیعه، الدر الثمین، الرحیق إلى مسائل الحرام والحلال، المسائل الدمشقیه، إرشاد الجهال المختوم، کشف الارتیاب، لواعج الاشجان و نقض الوشیعه. وی سرانجام در سال ۱۳۷۱ هجری قمری در بیروت درگذشت. ر.ک: موسوعه طبقات الفقهاء: ج ۱۴، بخش ۱، ص ۵۰۳، شماره ۴۷۲۷ و دائره المعارف بزرگ اسلامی: ج ۱۰، ص ۲۷۹، مدخل «امین».

المعارف ارزشمند خود یعنی «أعيان الشيعة» و در آغاز باب «سیره أمير المؤمنين عليه السلام: فصل في مولده» چنین می سراید: ولدت بيت الله وهي فضيله خصصت بها إذ فيك أمثالها كثر؛^(۱)

«تو در خانه خدا متولد شدی؛ این فضیلت، مختص توست و چه بسیارند فضایلی که تنها به تو اختصاص دارند».

وی در مقصوره ای ^(۲) دیگر می گوید: وولدت في البيت الحرام ولم يكن

هذا لغيرك من يكون و من مضى؛^(۳) تو در بیت الله الحرام به دنیا آمدی و در میان گذشتگان و آیندگان هیچکس از چنین فضیلتی برخوردار نشده است».

سید حسن بن محمود امین ^(۴) (۱۲۹۹-۱۳۶۸ ه. ق.) در قصیده

ص: ۹۷

۱- سید محسن امین، أعيان الشيعة: ج ۱، ص ۳۲۴

۲- «مقصوره» به شعری گفته می شود که در پایان هر یک از ابیات آن، الف مقصوره وجود دارد.

۳- اردوبادی، علی علیه السلام ولید الکعبه: ص ۱۰۸.

۴- سید حسن بن محمود امین عاملی؛ حسن بن محمود بن علی بن محمد (امین) حسین عاملی شقرانی، فقیه، ادیب و شاعر شیعه. وی در سال ۱۲۹۹ هجری قمری در روستای عیترون در جبل عامل لبنان متولد شد و دروس مقدماتی را به مدت شش سال در مدرسه برادرش، سید علی بن محمود امین، در شقرا فرا گرفت. او در سال ۱۳۱۶ به نجف اشرف هجرت نمود و پس از شاگردی برخی دروس نزد پسر عمویش، سید محسن امین مؤلف أعيان الشيعة، و احمد بن علی کاشف الغطاء، به دروس علمای بزرگی چون سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، علی بن باقر جواهری و آخوند محمد کاظم خراسانی راه یافت و به مراحل والای علمی رسید. سید حسن امین در سال ۱۳۳۰ به وطنش، لبنان، بازگشت و سال ها به تدریس و ارشاد مردم پرداخت تا اینکه در سال ۱۳۶۸ هجری قمری درگذشت. برخی از آثار او عبارتند از: کتاب الطهاره، منظومه فضیله الیراع فی مسائل الرضاع، منظومه الاجتهاد والتقلید، رساله الرد علی الوهابیه. ر.ک: موسوعه طبقات الفقهاء: ج ۱۴، بخش ۱، ص ۱۹۱، شماره ۴۵۲۹ و نیز ر.ک: امین، اعیان الشيعة: ج ۵، ص ۲۸۳.

بائیه بلند خود چنین می سراید: ولدت فی البیت بیت الله قارتفعت أركانہ بک فوق السبعه الحجب وتلك منزله لم یؤتها بشر بلی و مرتبه طالت علی الرتب؛(۱)

«تو در خانه خدا متولد شدی و ارکان کعبه به واسطه تو، تا فراز هفت آسمان گهدارنده، بالا رفت؛ • این منزلتی است که به هیچ انسانی، عطا نشده است و بر همه منزلت ها برتری دارد».

ادیب فرزانه، شیخ محمود عباس عاملی (۲) در قصیده علوی خود

ص: ۹۸

-
- ۱- سید محسن امین، أعیان الشیعه: ج ۵، ص ۲۸۵ و سید حسن امین، دائره المعارف الشیعه: ج ۱، ص ۱۵۳.
 - ۲- شیخ محمود عباس عاملی؛ از علمای فاضل شیعه در لبنان. وی در بیروت لبنان سکونت داشت و در همان شهر، در سال ۱۳۵۳ هجری قمری درگذشت. برخی از آثار وی عبارتند از: الدرر البهیة، أساس التعلیم، نفحات القبول، الغدیریه، الذریعه إلى أصول الشریعه، البلاغ المبین، بشاره الأنام، اللامیه العتیقه فی الوعظ، الاصلاحات و نجده الیراع فی اللغه. ر.ک: سید عبد العزیز طباطبائی، الغدیر فی التراث الإسلامی: ص ۱۶۹

معروف به «الدرر السنیه» می گوید: من مثله فی بیت بارئه ولد؟ ذی خصله قد □ص فیها مذ وجد أمعن بها یا صاح فکره واعتمد وانظر لها النظر الصحيح ولا تحد

من واضح المنهاج وقت الضرر(۱) «چه کسی همانند علی در خانه آفریدگار به دنیا آمده است؟! علی دارای خصلتی است که از زمان خلقتش، تنها به او اختصاص دارد. • ای دوست من! با دقت در این ماجرا اندیشه کن و آن را باور داشته باش؛ و با نگاهی نیک در این واقعه بنگر؛ • از راه روشن کناره نگیر تا خود را از زیان حفظ کنی».

شهاب الدین آلوسی (۲)، صاحب تفسیر مشهور، در کتاب «الخریده

ص: ۹۹

۱- اردوبادی، علی علیه السلام ولید الکعبه: ص ۸۳؛ حسین شاکری، العقیله والفقوالم: ص ۶۹. در منبع اخیر به جای «یا صاح» از واژه «یا صاحب» استفاده شده است.

۲- شهاب الدین آلوسی؛ ابو الثناء سید محمود شهاب الدین افندی بغدادی آلوسی، فقیه، مفسر، ادیب و مفتی بغداد. وی در سال ۱۲۱۷ هجری قمری در بغداد متولد شد و از کودکی نزد پدر و جمعی از استادان به تحصیل پرداخت. آلوسی به سبب هوشمندی و داشتن حافظه ای قوی، از سیزده سالگی به تألیف کتاب پرداخت؛ سپس از بسیاری از عالمان مشهور بغداد اجازه روایت دریافت کرد و ملقب به «علامه» گردید. با آنکه شهاب الدین آلوسی، شافعی مذهب بود، در سال ۱۲۴۸ به آرای ابوحنیفه گرایش یافت و مفتی پیروان مذهب حنفی گردید. وی در سال ۱۲۶۲، بر اثر مخالفت والی بغداد، از کار برکنار شد و به آستانه (استانبول سفر کرد)؛ وی در این مسافرت با بسیاری از عالمان دیدار نمود و دو کتاب در باب این سفر نوشت. شهرت علمی آلوسی، بیشتر به سبب تفسیر معروف روح المعانی می باشد. برخی دیگر از آثار وی عبارتند از: الأجوبه العراقیه علی الأسئلة الإیرانیه، دقائق التفسیر، نشوه الشمول فی السفر إلی استانبول، الخریده الغیبیه فی شرح القصیده العینیه، نهج السلامه إلی مباحث الإمامه، شجره الأنوار و نور الأزهار من ذریه الزهراء علیهاسلام و مقامات. وی سرانجام در سال ۱۲۷۰ هجری قمری در بغداد درگذشت. ر.ک: دائره المعارف بزرگ اسلامی: ج ۲، ص ۱۸۰، ضمن مدخل «الوسی»؛ موسوعه طبقات الفقهاء: ج ۱۳، ص ۶۴۸، شماره ۴۳۷۰ و کحاله، معجم المؤلفین: ج ۱۲، ص ۱۷۵

الغيبه في شرح القصيده العينية « به این بیت از قصیده «عینیه» عبدالباقی افندی عمری اشاره می کند که: أنت العلی الذی فوق العلی رفعا بیطن مکه عند البیت إذ وضعاً؛

«ای علی! تو آن بلند مرتبه ای هستی که هنگام تولد در دل مکه و درون کعبه، بالاتر از همه بلندی ها قرار گرفتی.

الوسی در شرح این بیت می نویسد:

«ولادت امیرالمؤمنین (کرم الله وجهه؛ خداوند رخسار او را گرامی دارد) در خانه خدا، شهره ی تمام دنیا است و سنی و شیعه آن را نقل کرده اند... چه زیننده ی پیشوای پیشوایان است که در قبله مسلمانان، دیده به جهان گشاید و پاک و منزّه است خداوندی که

ص: ۱۰۰

برای هر چیزی، جایگاه مخصوصی قرار داده است؛ و هو أحکم الحاکمین!»^(۱)

آلوسی به این بیت عمری نیز اشاره می کند که: وأنت أنت الذی حطت له قدم فی موضع یده الرحمن قد وضعاء

«وتو همانی هستی که در جایی گام نهادی که دست مهربان خداوند مهربانی ها بر آن نهاده شده بود».

روایت شده است: از آنجا که علی علیه السلام در درون کعبه متولد شده بود، دوست داشت تا خانه خدا را به وسیله پاکسازی بت های موجود روی آن و درون آن، پاداش دهد؛ زیرا همانطور که در برخی روایات آمده است، کعبه به خاطر عبادت بتها در اطراف خود، پیوسته به خداوند متعال شکایت می کرد و می گفت: پروردگارا! تا چه زمان، این بتها در اطراف من عبادت خواهند شد؟ خداوند سبحان نیز هر بار به کعبه وعده می داد که بت ها را برچیده و کعبه را تطهیر می کند. علامه سید رضا هندی ^(۲) نیز به همین

ص: ۱۰۱

۱- و خداوند بهترین داوران است.

۲- علامه سید رضا هندی؛ سید رضا بن محمد بن هاشم بن شجاع‌تعلی نقوی موسوی نجفی، فقیه بزرگ، ادیب و شاعر شیعه و مشهور به هندی، سید رضا در سال ۱۲۹۰ هجری قمری در نجف اشرف متولد شد و در هشت سالگی به همراه پدرش، برای تحصیل به سامرا هجرت کرد. سید رضا هندی مقدمات علوم را در سامرا و نزد اساتید آنجا فرا گرفت و در سال ۱۳۱۱ هجری قمری به موطن خویش بازگشت. وی در نجف در درس اساتید بزرگ و بنام آن روزگار، مانند شیخ محمد طه نجف، شیخ حسن بن محمد حسن صاحب جواهر لکلام، سید محمد بن محمد تقی آل بحر العلوم، فاضل شریبانی و آخوند محمد کاظم خراسانی شرکت نمود و به درجه اجتهاد نایل گردید. سید رضا هندی علاوه بر تحصیلات عالی در فقه و اصول، به ادبیات عرب و شعر نیز علاقه مند بود و پس از کسب تبحر در شعر عربی، آوازه اش در شعر و شاعری، بر شهرتش در فقه و اصول فزونی یافت. قصیده کوثریه او شهرت فراوان دارد. برخی از آثار او عبارتند از: شرح غایه الإیجاز در فقه و شرح کتاب الطهاره از منظومه اللالی الناضمه که هر دو تألیف و سروده پدرش، سید محمد (م. ۱۳۲۳ ه. ق.) بود، بلغه الراحل، درر البحور فی علمی العروض والقوافی، المیزان العادل فی الفرق بین الحق والباطل، الرحله الحجازیه، الوافی فی شرح الکافی فی العروض والقوافی، و دیوان اشعار. سید رضا هندی که در سال ۱۳۶۲ هجری قمری از جانب آیت الله العظمی سید ابو الحسن اصفهانی، جهت تبلیغ و ارشاد مردم به منطقه مشخاب رفته بود، در همان جا درگذشت، و پس از بازگرداندن جنازه اش به نجف اشرف و اقامه نماز توسط آیت الله اصفهانی، در محله خویش و نزدیک قبر شیخ انصاری به خاک سپرده شد. ر.ک: موسوعه طبقات الفقهاء: ج ۱۴، بخش ۱، ص ۲۵۶، شماره ۴۵۶۸؛ امین، أعیان الشیعه: ج ۷، ص ۲۳ و زرکلی، الأعلام: ج ۳، ص ۲۶.

موضوع اشاره می کند و می گوید:

لما دعاك الله قدما لأن تولد في البيت فلبيته شكرته بين قریش بأن طهرت من أصنامهم بيته؛ [\(۱\)](#)

«آنگاه که خداوند، در گذشته تو را دعوت نمود تا در کعبه متولد شوی، دعوت او را لیبیک گفتی. • تو در میان قریش، به شکرانه این نعمت، خانه خدا را از بت های مشرکان، پاک کردی.»

ص: ۱۰۲

۱- علامه امینی، الغدير: ج ۶، ص ۳۶ - ۳۷.

در روایتی آمده است که ابوطالب، او را علی نامید و این شعر را سرود: سمیته بعلی کی یدوم له

عزالعلا حیث فخر العز أدومه؛ (۱)

«او را علی نامیدم تا عزت والایی و بلند مرتبگی برای او باقی بماند، زیرا افتخار آمیزترین عزت آن است که پایدارتر باشد».

ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام در کعبه

اراده پروردگار چنان قرار گرفت که فاطمه بنت اسد، نوزاد خویش را در درون کعبه به دنیا آورد. وی اولین و آخرین بانویی است که کودکش را در مقدس ترین جای زمین، یعنی بیت الله الحرام، که مقصد همه ساله حجاج است، به جهان بشری تقدیم کرد. داستان تولد امیرالمؤمنین علیه السلام آنقدر مشهور و عیان است که حاجتی به بیان آن نیست؛ اما ترجیح می دهیم در آغاز، روایتی را نقل کنیم که عظمت، بزرگی و قداست شخصیت مولود کعبه را آشکار می سازد. در روایتی که شیخ صدوق سند آن را به معاذ بن جبل (۲) می رساند، معاذ روایت را اینگونه نقل کرده است که: رسول

ص: ۱۰۳

۱- محدث اربلی، کشف الغمه: ج ۱، ص ۱۰۳؛ ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه: ج ۱، ص ۱۷۳ و علامه محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار: ج ۳۵، ص ۳۱.

۲- معاذ بن جبل خزرچی؛ از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم و مکننا به ابو عبد الرحمان. وی در سال ۲۰ قبل از هجرت متولد شد. وی از قبیله خزرج یثرب و نام پدرش جبل بن عمرو بن اوس بود. او در بیعت عقبه به همراه هفتاد نفر دیگر از انصار، با رسول خدا صلی الله علیه واله بیعت کرد و در جنگ هایی مانند بدر، در سپاه پیامبر اسلام صلی الله علیه واله حضور داشت. رسول خدا صلی الله علیه واله میان معاذ بن جبل و عبد الله بن مسعود، عقد اخوت برقرار نمود. پس از فتح مکه که پیامبر اسلام صلی الله علیه واله عتاب بن اسید را جانشین خود در مکه قرار داد، معاذ بن جبل را نیز به عنوان مأمور تعلیم قرآن و احکام در آن شهر منصوب کرد. او پس از جنگ تبوک در سال نهم هجری قمری، از جانب رسول خدا صلی الله علیه واله به عنوان مبلغ و قاضی به جند یمن فرستاده شد. معاذ، از پیامبر اسلام صلی الله علیه واله روایت کرده و راویانی چون جابر بن عبد الله، اسود بن هلال، ابوقتاده انصاری، ابولیلی انصاری، ابو امامه باهلی و عبد الرحمان بن غنم از وی روایت کرده اند. شیخ طوسی در رجال، نام او را در اصحاب و راویان رسول خدا صلی الله علیه واله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام ذکر کرده است؛ ولی به اعتقاد مرحوم شوشتری در قاموس الرجال، آنکه شیخ طوسی او را در اصحاب حضرت علی علیه السلام ما آورده است «معاذ بن جمیل» است، نه معاذ بن جبل؛ زیرا معاذ بن جبل از جمله دشمنان علی علیه السلام و مخالفان او در مسئله خلافت بوده است. او از جمله اصحاب صحیفه ملعونه می باشد که عهد بستند تا خلافت و امامت به علی علیه السلام نرسد و از اولین افرادی بود که با ابوبکر بیعت کرد. وی همچنین پس از آنکه حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در مسئله غضب فدک از او کمک خواست، از یاری آن حضرت خودداری نمود. وی سرانجام در سال ۱۸ هجری قمری و در ۳۸ سالگی، در ناحیه عمواس اردن، بر اثر طاعون از دنیا رفت و نسلی از وی باقی نماند. ر.ک: مزی، تهذیب الکمال: ج ۲۸، ص ۱۰۵، شماره ۶۰۲۰، ابن اثیر، اسد الغابه: ج ۴، ص ۴۰۰، شماره ۴۹۵۳، شوشتری، قاموس الرجال: ج ۱۰، ص ۹۸، شماره ۷۵۸۸ و موسوعه

خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند عز و جل، من، علی، فاطمه، حسن و حسین را

ص: ۱۰۴

هفت هزار سال پیش از آفرینش جهان، خلق نمود.»

گفتم: ای رسول خدا در آن سالها کجا بودید؟

فرمود: «ما در قسمت جلوی عرش بودیم و خدای متعال را تسبیح، ستایش، تقدیس و تمجید می کردیم»؛

گفتم: در چه هیئت و شکلی بودید؟

فرمود: «ما اشباحی نورانی بودیم تا آنکه خداوند عزوجل اراده نمود صورت ما را بیافریند که در این هنگام ما را به ستونی از نور، تبدیل کرد و آنگاه ما را در کمر آدم قرار داد؛ سپس ما را به کمرهای پدران و رحمهای مادران، منتقل نمود و هیچ گونه ای از نجاست شرک و زنای کفر به ما نمی رسید و به واسطه ما برخی خوشبخت و برخی دیگر بدبخت می شدند. هنگامی که خداوند، ما را به کمر عبدالمطلب منتقل نمود، آن نور را بیرون آورد و آن را دو نیم کرد؛ نیمی را در کمر عبدالله و نیمی را در کمر ابوطالب قرار داد، آنگاه نیمه ای را که از آن من بود به رحم آمنه و نیم دیگر را به رحم فاطمه بنت اسد، منتقل نمود که بر اثر آن، آمنه مرا به دنیا آورد و فاطمه، علی را؛ سپس خداوند عزوجل، آن ستون نور را به من بازگرداند و بر اثر آن فاطمه از من متولد شد؛ آنگاه خداوند عزوجل، ستون نور را به علی بازگرداند و بر اثر آن، حسن و حسین از او متولد شدند؛ یعنی از اجتماع هر دو نیمه ستون نور، حسن و حسین به دنیا آمدند؛ نور علی به فرزندان حسن و نور من به فرزندان حسین، رسید و این نور تا روز قیامت در میان ائمه که از فرزندان حسین هستند، به نوبت

ص: ۱۰۵

روایتی دیگر پیرامون تولد امیرالمؤمنین علیه السلام

شیخ صدوق در «امالی» به سند خود از سعید بن جبیر (۲) نقل

ص: ۱۰۶

- ۱- شیخ صدوق، علل الشرائع: ج ۱، ص ۲۰۸-۲۰۹، ح ۱۱؛ نیز ر.ک: علامه محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار: ج ۳۵، ص ۳۴، ح ۳۲ (به نقل از: علل الشرائع) و طبری، دلائل الإمامه: ص ۱۵۸.
- ۲- سعید بن جبیر؛ سعید بن جبیر بن هشام اسدی و البی کوفی، مکننا به ابو محمد یا ابو عبد الله، تابعی، عالمی بزرگ، حافظ، قاری و مفسر قرآن کریم. وی در سال ۴۵ هجری قمری در حجاز به دنیا آمد و از نوجوانی در زمره شاگردان ابن عباس قرار گرفت. وی محضر امام سجاد علیه السلام را نیز درک نمود. کشتی در رجال خویش، او را از جمله پنج نفری برشمرده است که از آغاز امامت امام زین العابدین علیه السلام با ایشان همراه بودند و استقامت کردند و بعدا شمار یاران و شاگردان آن حضرت فزونی یافت. وی به دلیل حمایت از امام سجاد علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام به شهادت رسید. او همچون دیگر علمای شیعه، جنگ با بنی امیه را واجب می دانست و به همین جهت به سپاه عبد الرحمان بن محمد بن اشعث پیوست و پس از شکست سپاه عبد الرحمان، سعید بن جبیر به ایران آمد و در قریه ی جمکران قم سکونت گزید. امیران کاشان و اصفهان چون از اقامت او در قم آگاه شدند، وی را دستگیر کردند و نزد حجاج فرستادند. طبق نقلی دیگر، سعید از قم به آذربایجان گریخت و از آنجا به مکه رفت و در مکه دستگیر شد. بر اساس نقلی دیگر، وی مدتی در اصفهان اقامت داشت و سپس به عراق و قریه سنبلان رفت و به نشر احادیث پرداخت. سرانجام به دست خالد بن عبد الله، والی مکه، دستگیر شد و در سال ۹۵ هجری قمری، به دستور حجاج بن یوسف به قتل رسید. وی از صحابه ای مانند ابن عباس، عبد الله بن مغفل، عایشه، عدی بن حاتم و ابو سعید خدری و همچنین از برخی تابعین مانند ابو عبد الرحمان سلمی روایت کرده و روایانی چون ابو صالح سمان، ایوب سختیانی، ثابت بن عجلان، ابو مقدم بن هرمز، حبیب بن ابی ثابت و سلمه بن کهیل به نقل احادیث از او پرداخته اند. سعید بن جبیر از بزرگترین عالمان اسلام و فقیهی با تقوا و عابدی زاهد به شمار می رود. حسن بصری گفته است: «به خدا سوگند! اگر همه کسانی که بین مشرق و مغرب هستند در ریختن خون سعید بن جبیر مشارکت می کردند، خداوند آنان را با روی در آتش می افکند». ر.ک: دائرة المعارف تشیع: ج ۹، ص ۱۷۲، مدخل «سعید بن جبیر» و موسوعه طبقات الفقهاء: ج ۱، ص ۳۷۱، شماره ۱۵۱.

می کند که: یزید بن قعب گفت: به همراه عباس بن عبدالمطلب و گروهی از بنی عبد العزی، در مقابل بیت الله الحرام نشسته بودیم که فاطمه بنت اسد، مادر امیرالمؤمنین علی علیه السلام، نزدیک شد؛ او آن روزها نهمین ماه بارداری خود را سپری می کرد که ناگاه درد زایمان او را فرا گرفت و گفت:

«پروردگارا! من به تو، رسولان تو و کتاب هایی که از جانب تو نازل شده است ایمان دارم، سخن جدم ابراهیم خلیل را تصدیق می کنم و باور دارم که او کعبه را بنا نهاده است؛ پس به حق کسی که این خانه را بنا نهاد و به حق نوزادی که در شکم من است، تو را سوگند می دهم که زایمان مرا آسان سازی»

یزید بن قعب می گوید: دیدم که خانه خدا از قسمت عقب آن باز شد، فاطمه به درون آن رفت و از دیدگان ما پنهان شد، در این

ص: ۱۰۷

هنگام دیوار دوباره به هم آمد؛ ما خواستیم قفل در کعبه برای ما باز گردد اما در، قفل شده بود و دیگر باز نگردید؛ در آن هنگام بود که دانستیم مشیت و اراده پروردگار عزوجل در کار است.

آنگاه فاطمه بنت اسد پس از چهار روز بیرون آمد در حالیکه امیرالمؤمنین علیه السلام را در میان دستانش گرفته بود، سپس گفت: «من بر همه زنان پیش از خویش، برتری داده شده‌ام؛ زیرا آسیه دختر مزاحم، از روی ناچاری و مخفیانه، خداوند عزوجل را در جایی عبادت کرد که در حالت عادی، عبادت خداوند در آن مکان، پسندیده و شایسته نبود؛ مریم دختر عمران با دست خود، نخل خشکیده را تکان داد و از آن، خرمای تازه خورد؛ اما من وارد بیت الله الحرام شدم و از میوه‌ها و روزی‌های بهشت، میل نمودم؛ هنگامی که خواستم بیرون بیایم هاتفی صدایم کرد و گفت: ای فاطمه! نامش را «علی» بگذار چرا که بلند مرتبه است، و خداوند بلند مرتبه و والاترین می‌فرماید: من نام او را از نام خویش برگرفتم، او را با ادب خود ادب نمودم و او را از علم پیچیده و مخفی خویش آگاه ساختم. اوست که بت‌های خانه مرا در هم می‌شکند، بر بام خانه ام اذان می‌گوید و مرا تقدیس می‌کند و بزرگ می‌دارد؛ خوشا به حال کسی که او را دوست بدارد و از او اطاعت کند و وای بر کسی که با او دشمنی کند و از فرمانش سرپیچی نماید»^(۱).

ص: ۱۰۸

۱- شیخ صدوق، الأمالی: ص ۱۹۴، ح ۹؛ عمادالدین طبری، بشاره المصطفی: ص ۲۷، ح ۱۰؛ اربلی، کشف الغمه: ص ۷۹؛ شیخ صدوق، معانی الأخبار: ص ۶۲، ح ۱۰ و علامه محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار: ج ۳۵، ص ۸، ح ۱۱.

۱- ابو علی ابن همام؛ محمد بن ابی بکر همام بن سهیل، ملقب به کاتب و مکنّا به ابوعلی، از محدثان ایرانی شیعه. از آنجا که نیاکانش زرتشتی و ساکن اسکاف از نواحی نهروان، بین بغداد و واسط، بوده اند، به «اسکافی» مشهور است. وی در سال ۲۵۸ هجری قمری متولد شد؛ زادگاه او مشخص نیست، ولی در بغداد ساکن بوده است. از مشایخ او علاوه بر پدر و دایی اش احمد بن بنیاد، می توان احمد بن ادريس قمی، ابو جعفر ابن رستم نحوی، جعفر بن محمد بن مالک فزاری، حسن بن محمد بن جمهور عمی، حمید بن زیاد کوفی و عبد الله بن جعفر حمیری را نام برد. این همام در عصر خود به عنوان یکی از بزرگترین محدثان بغداد شناخته می شده است. نجاشی و شیخ طوسی او را با عناوین «شیخ أصحابنا و متقدمهم» و «جلیل القدر» ستوده اند و ضمن بیان عظمت منزلت وی، به امانت در نقل حدیث و فراوانی روایت او تأکید کرده اند. از آنجا که ابو علی ابن همام نزد مشایخ اهل سنت نیز به استماع حدیث پرداخته بود، در روایات وی، طرق روایی غیر شیعی نیز وجود دارد. این همام در بخش عمده ای از دوره غیبت صغری و مقارن با ایام نواب اربعه امام عصر علیه السلام به تبیین مبانی اعتقادی و سیاسی امامیه پرداخت و مسائل مربوط به امام زمان علیه السلام و غیبت آن حضرت را روشن ساخت. در میان شاگردان ابن همام می توان ابو الحسن ابن جنیدی، ابو غالب زراری، جعفر بن محمد ابن قولویه، محمد بن ابراهیم نعمانی، محمد بن احمد صفوانی، ابو المفضل محمد بن عبد الله شیبانی و هارون بن موسی تلکبری را نام برد. نجاشی از کتابی به عنوان الانوار فی تاریخ الائمة علیهم السلام به عنوان تألیف ابن همام نام برده و شیخ حر عاملی کتابی به نام المزار به وی نسبت داده است. کتابی به نام التمهیص نیز به وی منتسب و چاپ شده است (البته این انتساب مشکوک است). وی سرانجام در سال ۳۳۲ یا ۳۳۶ در بغداد درگذشت و در مقابر قریش به خاک سپرده شد. ر.ک: دائره المعارف بزرگ اسلامی: ج ۵، ص ۱۲۱، مدخل «ابن همام اسکافی» و نیز ر.ک: امین، أعیان الشیعه: ج ۱۰، ص ۹۱ و شوشتری، قاموس الرجال: ج ۹، ص ۶۴۲، شماره ۷۳۷۱.

در حدیثی به صورت مرفوع، نقل می‌کند: پس از تولد علی علیه السلام ابوطالب در حالی که علی را در آغوش گرفته بود، دست در دست فاطمه به سوی «ابطح» (۱) حرکت نمود؛ هنگامی که به آنجا رسیدند ابوطالب فریاد زد:

یا رب یا ذا الغسق الدجی والقمر المبتلیج المزی بین لنا من حکم المقضی ماذا تری فی اسم ذا الصبی؟ (۲)

«پروردگارا! ای صاحب شب‌های تاریک و سیاه و ای مالک ماه درخشان و نورانی! • بر اساس اراده یحتمی خود برای ما روشن کن که چه نامی برای این کودک می‌پسندی؟»..

در این هنگام چیزی همانند ابر بر روی زمین خزیدن گرفت تا آنکه بر روی سینه ابوطالب، آرام گرفت و او و علی را در آغوش کشید؛ صبحگاهان، ابوطالب لوح سبزی را در کنار خود دید که بر روی آن نوشته شده بود:

ص: ۱۱۰

۱- بستر پهناور سیل را گویند که دارای شن و ماسه است و در مکه هم وجود دارد. ر.ک: المنجد: ج ۱، ص ۱۲۹.

۲- ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب: ج ۲، ص ۲۳ و علامه محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار: ج ۳۵، ص ۱۸.

خصصتما بالولد الزکی

والطاهر المنتجب الرضی

فاسمه من شامخ علی

علی اشتق من العلی

«نعمت برخورداری از این فرزند پاک، برگزیده و مورد رضایت را به شما اختصاص دادم. • خداوند والا و بلندمرتبه، نامش را علی می گذارد که از «علی» (صفت پروردگار) برگرفته شده است».

ابو علی ابن همام می گوید: آن لوح را به کعبه آویختند و همچنان در آنجا آویزان بود تا آنکه هشام بن عبدالملک (۱) آن را

ص: ۱۱۱

۱- هشام بن عبدالملک بن مروان؛ دهمین خلیفه ی اموی (خلیفه ی هفتم از آل مروان)، مکنابه ابوولید و از دشمنان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هشام در سال ۷۲ هجری قمری در مدینه متولد شد. مادرش، عایشه یا فاطمه و مکنابه به أم هشام، دختر هشام بن اسماعیل مخزومی بود. هشام پس از مرگ برادرش، یزید بن عبد الملک، در سال ۱۰۵ هجری قمری و در ۳۴ سالگی، در دمشق به خلافت رسید. وی مدتی طولانی خلافت کرد و اقدامات نظامی و سیاسی متعددی انجام داد. قیام زید بن علی بن الحسین علیه السلام در دوران حکومت وی، در سال ۱۲۲ هجری قمری رخ داد که به شهادت زید منجر شد. وی که معاصر با امام باقر علیه السلام بود، بسیار با ایشان دشمنی می کرد. روزگار خلافت هشام، سخت ترین دوران اجتماعی و سیاسی آن حضرت علیه السلام به شمار می رود و همچنین شیعیان در سختی و تنگنای شدید قرار داشتند. هشام بن عبد الملک سرانجام پس از حدود ۲۰ سال حکومت (۱۰۵ - ۱۲۵ ه. ق.)، در ۱۲۵ هجری قمری از دنیا رفت. ر.ک: ابن کثیر، البدایه والنهایه: ج ۹، ص ۳۸۳، صفدی، الوافی بالوفیات: ج ۲۷، ص ۲۰۷ و ذهبی، تاریخ الإسلام: ج ۸، ص ۱۸۸.

بزرگان ادب، میلاد علی علیه السلام را می سرایند

دوستاناران علی علیه السلام در سرودن قصاید بدیع و زیبا پیرامون این رخداد خجسته از هم پیشی گرفته اند؛ به عنوان مثال علامه امینی در کتاب «الغدیر»: ج ۶، ص ۴۷ - ۴۹، موشحه (۲) میرزا اسماعیل شیرازی (۳) (ت ۱۳۰۵ ه. ق.) را نقل کرده است: رغد العیش فزده رغه

بسلافی منک تشفی سقمی ۲.

ص: ۱۱۲

-
- ۱- ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل أبي طالب: ج ۲، ص ۲۳ و علامه محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار: ج ۳۵، ص ۱۷.
 - ۲- موشحه: سبکی از شعر عربی؛ نوعی قصیده که در آن قافیه لازم نیست؛ ر.ک: المنجد: ج ۲، ص ۲۱۸۳
 - ۳- میرزا اسماعیل شیرازی؛ عالم فاضل و شاعر ادیب شیعه در قرن سیزدهم هجری قمری. میرزا اسماعیل، مکننا به ابو الحسین، فرزند سیدرضا حسینی شیرازی، و پسرعموی میرزای بزرگ، سید محمد حسن شیرازی (م. ۱۳۱۲ ه. ق.) بود. وی از برترین شاگردان و ملازمان میرزای شیرازی در سامرا به شمار می آمد. وی اشعار زیبایی در مدح امیرالمؤمنین علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام سروده است. میرزا اسماعیل دو ماه قبل از وفاتش در سال ۱۳۰۵ هجری قمری، از سامرا به کاظمین رفت و در یازدهم ماه شعبان آن سال در کاظمین وفات یافت. پیکر او به نجف اشرف منتقل و در آنجا به خاک سپرده شد. ر.ک: جواد شیر، أدب الطف: ج ۸، ص ۵۲.

طرب الصب علی وصل الحیب

وهنا العیش علی بعد الرقیب

وقتی من أکؤس الراح النصیب

واسقنیها توأما لامفردا

فالهنأ کل الهنأ فی التوأم

«زندگی پر از ناز و نعمت است؛ پس لذت آن را با باده ای ناب از سوی خودت افزون کن که بیماری مرا شفا دهد. • عاشق دلداده از وصال معشوق به وجد آمده و زندگی بر اثر دوری رقیب، گوارا شده است. • تمام سهم مرا از جام های شراب، پرداخت کن، و نه با یک جام، که با جام های پیاپی مرا سیراب ساز؛ • زیرا آسایش کامل در گرو جام های پشت سر هم است»

آتنی الصهباء نارا ذائبه

کنتلها قبسات لاهبه

واسقنیها والندامی قاطبه

فلعمری إنها ری الصدی

الفؤاد بالتصابی مضمرم؛

«باده ای به من ده که چون آتش می گدازد و شعله های فروزان از آن زبانه می کشد. • من و همه همنشینانم را از آن سیراب کن، زیرا به خدا سوگند که عطش را از میان می برد، • قلبی که از عطش عشق می سوزد».

ما أخیلی الراح من کف الملاح

هی روح هی روح هی راح

فأدرها فی غدوو رواح

کذکاء تتجلی صرخدا

رصعتها حب کالأنجم؛

«گرفتن باده از دست زیبارویان چه شیرین است، چرا که جان، شادی و آسایش را به انسان هدیه می دهد. • پس آن را صبح و شام در میان ما بگردان،

ص: ۱۱۳

همانند خورشیدی که خود را به صرخد(۱) نشان می دهد؛ • و حبابهایی چون ستاره، این شراب را جواهر نشان کرده است.»

حبذا أناء أنس أقبلت أدرکت نفسی بها ما املت

وضعت أم العلی ما حملت طاب أصلا و تعالی محتدا

مالکا ثقل ولاء الأم؛ «چه خوش لحظاتی است؛ لحظات انس که به من رو کرده و جان من به وسیله آن، به رویاهایش رسیده است. • مادر بزرگی و عظمت، نوزاد خود را به دنیا آورد، نوزادی که ریشه و تباری پاک و والا دارد؛ • و سنگینی زمامداری امت ها در اختیار او ست.»

آنست نفسی من الکعبه نور مثل ما انس موسی نار طور

یوم غشی الملاء الأعلى سرور قرع السمع نداء کنذا

شاطی الوادی طوی من حرم

«من از کعبه نوری دیدم؛ همانند آن آتشی که موسی علیه السلام از کوه طور دید، مشاهده نمودم. • آن روز که فرشتگان غرق شادی شدند و از حرم بیت الله الحرام ندایی همچون ندای کناره وادی طوی به گوش رسید». ولدت شمس الضحی بدر التمام فانجلت عنا دیاجیر الظلام

نادیا بشراکم هذا غلام وجهه فلقه بدر یهتدی

بسنا أنواره فی الظلم؛ «فاطمه بنت اسد، خورشید صبحگاهان و ماه تمام را به دنیا آورد و تاریکی های شب های تار از ما رخت بر بست. • ندا آمد که مژده باد شما را کهنه.

ص: ۱۱۴

۱- صرخد: نام یکی از کوه های مکه.

چهره این کودک، پاره ای از ماه شب چهارده است. • و درخشش نورش، هدایتگر مردمان در تاریکی هاست».

پپهنده فاطمه بنت أسد أقبلت تحمل لاهوت الأبد

فاسجدوا ذلایمین سجد فله الأملاک خرت سجدا

إذ تجلی نوره فی آدم؛ «این فاطمه بنت اسد است که لاهوت ابدیت را در بر دارد. • پس همانند دیگر سجده کنندگان در برابر علی علیه السلام فروتنانه سجده کنید؛ زیرا آن هنگام که نور او در آدم، متجلی شد، فرشتگان در برابر او به سجده افتادند»

كشفت الستر عن الحق المبين وتجلي وجه رب العالمين

و بدا مصباح مشكاه اليقين وبدت مشرقه شمس الهدى

فاتجلی لیل الظلام المظلم؛ «پرده از روی حق آشکار، برفتاد و چهره ی پروردگار جهانیان، نمایان گشت؛ • چراغ چراغدان یقین نمایان گشت، خورشید هدایت، تابیدن گرفت، • و تاریکی شب های تار، رخت بر بست».

نسخ التأیید من نفی تری فأرانا وجهه رب الوری

لیت موسی کان فینا فیری ماتمناه بطور مجهدا

فانثنی عنه بکفی معدم؛ «نفی ابدی از «لن تری» (۱) برفتاد و پروردگار جهانیان، چهره خود را به

ص: ۱۱۵

۱- اشاره به آیه کریمه «لَنْ تَرَانِي...»: هرگز مرا به چشم نخواهی دید»، اعراف: ۱۴۳.

نشان داد. • ای کاش موسی در میان ما بود و می دید که خواسته اش در کوه طور به حقیقت پیوسته است، خواسته ای که به سختی و ناله کنان آن را مطرح می کرد؛ • و با دستان خالی از آن دست برداشته بود». هل درت أم العلی ما وضعت؟ أم درت ثدی الهدی ما أرضعت؟

أم درت کف النهی ما رفعت؟ أم دری رب الحجی ما ولدا؟

جل معناه فلما یعلم؛ «آیا مادر بزرگواری (و عظمت) می دانست که چه کسی را به دنیا آورده است؟ آیا پستان هدایت، می دانست به چه شیرخواره ای شیر می دهد؟ • آیا دست عقل می دانست چه والامقامی به دنیا آمده است؟ آیا خردمندان از منزلت آن مولود، آگاهی داشتند؟ • این معنا آنقدر بلند است که هنوز هم کسی آن را نمی شناسد».

سید فاق علا کل الأنام کان إذ لا کائن وهو إمام شرف الله به البیت الحرام حین أضحی لسنه مولدا

فوطی تربته بالقدم؛ «سرور و آقایی که در بزرگی، از همه خلائق برتر بود و آن زمان که هیچکس نبود، وجود داشت و امام بود. • خداوند به وسیله او، کعبه را شرافت بخشید؛ هنگامی که با تابشی شکوهمند، ولادتگاه او را روشن کرد؛ • و علی علیه السلام بر خاک آن گام نهاد».

سید حازت به الفضل مضر بفخار قد سما کل البشر وجهه فی فلک العلیا قمر فبه لا بالنجوم یهدی

نحو مغناه لنیل المغنم؛

«سروری که قبیله مضر به وسیله او فضیلت یافت و افتخاری پیدا کرد که بر تمام بشر، برتری یافت. • چهره اش در آسمان بلند، ماه است؛ پس مردم با روی او هدایت می شوند، نه با ستارگان. • مردم به سوی خانه او می روند تا غنیمت گیرند».

هو بدر و ذراریه بدور عقت عن مثلهم أم الدهور كعبه الوفاد فی كل الشهور فاز من نحو ممناها قصدا

لمطاف منه أو مستلم؛ «او و فرزندانش، ماه شب چهارده هستند و مادر روزگار، از زاییدن همتای آنان عقیم شده است. • او همیشه، کعبه تازه از راه رسیده است و هر که صحن این کعبه را طلب کند، • تا به طواف آن بپردازد یا بر آن بوسه زند، رستگار می شود».

ورثوا العلیاء قدما من قصی ونزار ثم فھر ولؤی لایباری حبهم قط بحی وهم أركی البرایا محتدا

وإلیهم كل فخر ینتمی؛ «آنان عظمت را از زمانهای گذشته، از قبیله های قصی، نزار و آنگاه فھر و لؤی به ارث برده اند. • هیچ عشقی را نمی توان با عشق به آنان برابر دانست؛ ایشان از پاکترین تبار، بهره می برند؛ • و همه افتخارات به آنها باز می گردد».

إن یکن یجعل الله البنون وتعالی الله عما یصفون فولیدالبیت أحرى أن یكون لولی البیت یدعی ولدا

لاعزیرولا ابن مریم؛ «هر چند که خداوند از توصیفات مردم، برتر و والاتر است، اما اگر قرار

باشد فرزندان برای خداوند در نظر گرفته شود، • و این مولود کعبه - و نه عزیز و مسیح - است که شایستگی فرزند خدا بودن را دارد». هو بعد المصطفى خیر الوری من ذری العرش الی تحت الثری قد کست علیاه أم القری عزه تحمی حماها أبدا

حیث لا یدنوه من لم یحرم؛ «او پس از مصطفی صلی الله علیه واله وسلم، از اوج عرش گرفته تا زیر خاک، بهترین خلایق باشد.

• عظمت او، أم القری (مکه) را در بر گرفته است و این عزت تا ابد حریم مکه را پاس خواهد داشت. • جایی که تنها انسان های محرم می توانند به آن نزدیک شوند».

سبق الکون جمیعا فی الوجود وطوی عالم غیب و شهود کل ما فی الکون من یمناه جود إذ هو

الکائن لله یدا وید الله مدر الأنعم؛ «او در وجود، بر همه هستی، پیشی گرفته و عالم غیب و شهود را درنور دیده است. • هر آنچه در کیهان، یافت می شود به کرم و بخشش او امیدوارند، چرا که وی به عنوان دست خداوند (ید الله)، به وجود آمده است؛ • و دست خداوند، نعمت ها را به خلق، ارزانی می کند».

أیها المرجی لقاء فی الممات کل موت فیه لقیاک حیاه لیتما عجل بی ما هو آت علنی ألقى حیاتی فی الردی

فائزانه بأوفی النعم (۱).

ص: ۱۱۸

«ای کسی که امید دیدارش به هنگام مرگ، می رود! هر مرگی که با دیدار تو همراه شود، زندگی است. • ای کاش، اجل هر چه زودتر فرا رسد تا زندگی ام را در مرگ، ملاقات کنم؛ • و به وسیله دیدار او از بهترین نعمت، برخوردار گردم».

سید علی نقی نقوی لکهنوی هندی (۱) نیز موشحه ای در باب تولد

ص: ۱۱۹

۱- سید علی نقی نقوی لکهنوی هندی؛ سید علی نقی بن ابی الحسن بن ابراهیم بن محمد نقی نقوی لکهنوی هندی، فقیه، شاعر و ادیب شیعه در هندوستان. سید علی نقی در سال ۱۳۲۳ هجری قمری در خاندانی از سادات اهل علم و فضیلت در لکهنو، از مراکز مهم علمی و فرهنگی هندوستان، متولد شد. نسب وی با ۲۷ واسطه به امام هادی علیه السلام می رسد. وی مقدمات علوم را در زادگاهش، لکهنو، نزد پدر فراگرفت و در جوانی برای ادامه تحصیل به نجف اشرف هجرت کرد. از اساتید او در نجف می توان میرزا محمدحسین نائینی، آقا ضیاء الدین عراقی و محمد جواد بلاغی را نام برد. سید علی نقی نقوی در سال ۱۳۵۴ هجری قمری به هند بازگشت و به تدریس در دانشگاه و حوزه پرداخت. وی کتاب ها و رساله های متعددی در نجف و لکهنو به چاپ رساند. وی پس از وفات پدرش، سید ابی الحسن ابراهیم، در سال ۱۳۵۵ هجری قمری به زعامت و مرجعیت شیعیان رسید. مرحوم آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید محمد صادق بحرالعلوم نجفی و سید محمدرضا جلالی حسینی از وی اجازه روایت دریافت نموده اند. برخی از آثار وی عبارتند از: تجارت در اسلام، شهید انسانیت، اصول الدین، البیت المعمور، الفرقان فی تفسیر القرآن، کشف النقاب من عقاید عبدالوهاب، إقاله العاشر فی إقامة الشعائر، الجبر والاختیار و حفاظ الشیعه. آیت الله سید علی نقی نقوی هندی سرانجام در سال ۱۴۰۸ هجری قمری در لکهنو درگذشت. ر.ک: صائب عبد الحمید، معجم مؤرخین الشیعه: ج ۱، ص ۶۴۲ و محمد خیر رمضان یوسف، تتمه الأعلام للزركلی: ج ۳، ص ۲۱۸.

امام علی علیه السلام سروده است که در ذیل می آید:

من بدا فازدهر البيت الحرام و زهت منه لیالی رجب طرب الكون لبشر وهنا إذ بدا الفخر بنور و أتى الوحي ینادی معلنا قد أتاكم
حجه الله الإمام

و أبو الغر الهداه النجب؛ «این مولود کیست که آشکار شد و بیت الله الحرام (کعبه) به واسطه وجود او درخشید و شب های رجب به خاطر او، روشن گشت؟! • هستی به دلیل شادی و آسایش، به وجد آمد؛ آن هنگام که افتخار و شرف به همراه نور و درخشندگی، نمایان شد؛ • وحی نازل شد و اعلام کرد که حجت خدا امام (علی علیه السلام) به سوی شما آمد؛ • هم او که پدر سفیدرویان هدایت یافته و پاک گوهر است».

خصه الرحمن بالفضل الصراح ومزایا أشرق غرا وضاح و سما منزله هام الضراح فغدا مولده خیر مقام

طأطأت له رؤوس الشهب؛ «خداوند، فضیلت آشکار و مناقبی را به او اختصاص داده است که روشن و سپید، می تابند. • جایگاه او بر بلندای آسمانهای دوردست است و محل تولدش، بهترین جای هستی به شمار می آید. • ستارگان در برابر او سر فرود می آورند».

ص: ۱۲۰

إنه أول بيت وضعاً

للورى طره فأضحوا خضعا

وعلى الحاضر والبادى معا

حجه أصبح فرضا و لزام

طاعه تبغ أقصى القرب

كعبه نخستین خانه ای است که برای همه خلائق، بنیان نهاده شد و همه در برابر آن خاضع و فروتن هستند. • کعبه بر همه ساکنان شهرها و بیابانها، حجت است و اطاعت از او واجب و ضروری است؛ • و این عبادتی است که بالاترین مقام قرب الهی را به همراه می آورد.

وهو القبلة فى كل صلاة

وملاذ یرتجى فيه النجاه

وقد استخلصه الله حماه

فلئن یأتى إلیه مستهام

فى مله داعیا یرتجى؛

«کعبه قبله هر نماز و پناهگاهی است که در آن امید نجات می رود. • خداوند آن را به عنوان حامی، برگزیده است و اگر سرگشته ای به سوی آن بیاید، • و به خاطر گرفتاری و مصیبتی دعا کند، دعایش مستجاب خواهد شده.

تلکم فاطمه بنت أسد

أمت الیبت بکرب و کمد

ودعت خالقها الباری الصمد

بحشا فیه من الوجد الضرام

قد علتہ قبسات اللهب؛

فاطمه بنت اسد با غم و اندوه، آهنگ کعبه کرد؛ • و با درونی برافروخته از شور و اشتیاق، خالق بی نیاز خویش را خواند؛ و

حال آنکه شراره های آتش اندوه او را در بر گرفته بود». نادت اللهم رب العالمين

قاضي الحاجات للمستصرخين

كاشف الكرب مجيب السائلين

إنني جئتكم من دون الأنام

ص: ۱۲۱

أبتغي عندك كشف الكرب؛

«فریاد زد: خداوندا! ای پروردگار جهانیان! ای برآورنده نیازهای فریادخواهان! ای برطرف کننده بلا! ای اجابت کننده درخواست ها! من به تنهایی به سوی تو آمده ام. • از تو درخواست می کنم که غصه هایم را برطرف نمایی.»

بینما کانت تناجی ربها

وإلی الرحمن تشکو کربها

وإذا بالبشر غشی قلبها

من جدار البیت إذ لاح ابتسام

عن سنا ثعلب له فی شب؛

«در آن هنگام که با پروردگارش راز و نیاز می نمود و از اندوه و مصیبتش، نزد خدای رحمان، گلایه میکرد، ناگهان شادی برآمده از دیوار کعبه، قلب او را در بر گرفت و لبخندی آشکار شد؛ • لبخندی از درخشش دهانی پر از دندان های سپید دیوار کعبه.»

فتق الهز أم انشق القمر

أم عمود الصبح باللیل انفجر

أم أضواء البرق فالكون از دهر

أم بدا فی الأفق خرق والتنام

قعدا برهان معراج النبی؛

«غنچه شکفت یا ماه دو تکه شد یا اینکه نور صبح در دل شب، دمید • یا آذرخش، درخشید و هستی روشن شد یا آنکه باز شدن و به هم آمدنی در افق، نمایان گشت! • و برهان معراج پیامبر به ظهور درآمد.»

أم أشار البیت بالكف ادخلی

واطمئنی بالإله المفضل

فهنا یولد ذو العلیا علی

من به يحظى حطيمى والمقام

وينال الركن أعلى الرتب؛

«يا آنکه کعبه، با دست به او (فاطمه بنت اسد) اشاره کرد که داخل شو و با

ص: ۱۲۲

اطمینان به فضل خداوند بخشنده، آرام بگیر؛ • که در اینجا «علی علیه السلام» بلند مرتبه متولد می شود، کسی که حطیم و مقام از او بهره مند می شوند؛ • و رکن نیز به واسطه او به بالاترین مقام نایل خواهد شد».

دخلت فاطم فارتد الجدار

مثلما كان ولم يكشف ستار

إذ تجلی النور وانجاب السرار

عن سنا بدر به یجلو الظلام

والورئ ینجو به من عطب؛

«فاطمه داخل شد و دیوار کعبه به حالت سابق خود بازگشت و پرده ای بر نیفتاد (و هیچ کس او را ندید). • آنگاه که نور متجلی شد و با درخشش ماه چهارده که تاریکی را از میان بر می دارد، آخرین شب رخت بر بست؛ • و انسانها به واسطه او از نابودی، نجات یافتند».

ولد الطاهر ذالک ابن جلا

من سما العرش جلالا وعلا

فله الأملاک تعنوا ذللا

و به قد بشر الرسل العظام

قومهم فیما خلا من حقب؛

«آن فرزند پاک به دنیا آمد؛ فرزند روشنی و نور که در شکوه و عظمت، بر بلندای عرش قرار گرفت. • فرشتگان فروتنانه در برابر او سر تسلیم فرود می آورند؛ هم او که پیامبران بزرگ در دروان گذشته، بشارت آمدنش را به مردم زمان خود داده بودند».

عرف الله ولا أرض ولا

رفعت سبع طباق ظللا

فلذا خر سجوده وتلا

کلما جاء إلى الرسل الکرام

قبله من صحف أوكتب؛

«علي عليه السلام هنگامی خدا را شناخت که نه زمینی وجود داشت و نه هفت

ص: ۱۲۳

آسمان بر پا شده و بر هستی سایه افکنده بود. و به همین خاطر بود که هرگاه صحیفه ها و کتاب های پیشین بر رسولان بزرگوار نازل می شدند، علی علیه السلام به سجده می افتاد و آنها را تلاوت میکرد.»

إن يك البيت مطافه للأنام

فعلى قد رقى أعلى سنام

إذ به يطوف البيت الحرام

وسعى الركن إليه لاستلام

فغدا يزهو به من طرب؛

«اگر خانه کعبه، محل طواف انسانهاست، (مردم باید بدانند که) علی علیه السلام است که بر بلندای عظمت قرار دارد؛ • چرا که کعبه به گرد او طواف می کند و رکن برای استلام و بوسیدن او، به تکاپو می افتد؛ • روزی و جد و طرب، به واسطه علی علیه السلام درخشان می شود.»

لم يكن في البيت مولود سواه

إذ تعالى عن مثل في علاه

أوتى العلم بتعليم الإله

فغداه دره قبل الفطام

يرتوى منه بأهني مشرب؛

«هیچکس جز او در کعبه متولد نشده است، چرا که در عظمت، همتایی ندارد. • او به آموزش و تعلیم الهی، علم آموخته است و قبل از آنکه از شیر گرفته شود، خداوند او را با شیر علم، تغذیه کرد؛ • و او نیز در گواراترین محل نوشیدن، از شیر علم سیراب شد.»

صور الكون على سؤده

وانتمى الوحي إلى محتده

بشر الشيعة فى مولاه

واقصدوا العلامه الجبر الإمام

منبع العلم مناط الأدب؛(١).

ص: ١٢٤

١- علامه امینی، الغدير: ج ٦، ص ٥١ - ٥٣.

«هستی در برابر سروری و آقایی او کوچک شد و وحی به تبار او، منتسب گشت. • شیعیان را به خاطر ولادتش مژده دهید و این علامه دانشمند را به عنوان امام خویش برگزینید؛ • هم او که سرچشمه علم و محور و مدار ادب است».

وی در شعری دیگر چنین می سراید:

ثم أستكشف عن سائلا هذا وذاك

فرأيت الكل مثلي في اضطراب وارتباك

وإذا الآراء طرا في اصطدام واصطكاك

وأخيرا عمها العجز فقالت:

لست أدري

«خواستم تا پرده از روی حقیقت علی علیه السلام عمل بر دارم، از این و آن پرسیدم و دیدم که همه چون من، پریشان و سردرگمند. • دیدگاه ها همه در تضاد و اصطکاک بودند و سرانجام، ناتوانی همه افکار را در بر گرفت و صاحبان آرا، یکایک گفتند: "نمی دانم".

وإذا تبهني عاطفه المحب الدفين

وتظننت و ظن الألمعی عين اليقين

إنه ميلاد مولانا أمير المؤمنين

فدع الجاهل والقول بأني

لست أدري؛

«در این هنگام، عاطفه عشق پنهان، مرا به خود آورد و گمانی در من شکل گرفت. البته گمان انسان هوشمند، عین یقین است که: تولد مولا امیرالمؤمنین فرا رسیده است، پس نادانان و این سخن آنها را که "نمی دانم"، رها کن».

لم يكن في كعبه الرحمن مولود سواه

إذ تعالى في البرايا عن مثل في علاه

وتولى ذكره فى محكم الذكر الإله

أ يقول الغر فيه بعد هذا

لست أدري؛

«درون كعبه، ولادتگاه هیچکس جز علی علیه السلام نیست؛ چرا که در میان خلائق، عظمت هیچکس به پای او نمی رسد. • خداوند در کتاب خود از او یاد کرده است؛ حال آیا ناپخته ای تازه کار باز هم می گوید: "نمی دانم؟"»

أقبلت فاطمه حامله خیر جنین

جاء مخلوق بنور القدس، لا الماء المهين

و تردى من اللاهوت بين العالمين

كيف قد أودع فى جنب و صدر؟

لست أدري؛

«فاطمه آمد در حالیکه بهترین جنین را در رحم داشت؛ جنینی که نه با آب پست ، بلکه با نوری قدسی به واسطه جبرئیل، آفریده شده بود. • منظره لاهوت در میان جهانیان فرود آمد؛ اما چگونه این منظره در پهلو و سینه فاطمه به امانت سپرده شد؟ "نمی دانم".»

أقبلت تدعو وقد جاء بها داء المخاض

نحو جذع النخل من ألطاف لى اللطف المفاض

فدعث خالقها البارى بأحشاء مراض

كيف ضجت؟ كيف عجت؟ كيف ناحت؟

لست أدري؛

«در حالیکه درد زایمان فاطمه را گرفته بود، دعا کنان آمد و از الطاف

خداوند بسیار مهربان، به سوی تنه درخت خرما رفت. (۱) • با درونی بیمار، پروردگار و خالق خود را خواند اما چگونه فریاد زد؟ چگونه ناله کرد؟ چگونه فغان سر داد؟ "نمی دانم". لست أدری غیر أن البیت قد رد الجواب

بابتسام فی جدار البیت أضحی منه باب

دخلت فانجاب فيه البشر عن محض اللباب

إنما أدری بهذا غیر هذا

لست أدری؛

«تنها همین را می دانم که کعبه او را پاسخ گفت؛ با لبخندی در دیوار خود که دری از آن پدیدار شد. • وارد شد و در آنجا بشارت، عقل محض را به دنیا آورد؛ من تنها همین را می دانم؛ اما جز این چیزی "نمی دانم"».

کیف أدری و هو سر فيه قد حار العقول

حادث فی الیوم لکن لم یزل أصل الأصول

مظهر لله لکن لا اتحاد لا حلول

غایه الادراک أن أدری بأنی

لست أدری؛

«چگونه بدانم و حال آنکه او سری است که عقل ها را حیران و سرگشته نموده و به لحاظ زمانی، حادث است اما همچون اصل اصول می باشد. • او مظهر خداست، البته نه با یکی شدن و حلول. نهایت فهم من این است که بدانم: "نمی دانم"».

ص: ۱۲۷

۱- در این مصراع، ماجرای رفتن فاطمه بنت اسد به سوی کعبه، به ماجرای رفتن مریم به سمت تنه درخت خرما تشبیه گردیده است.

ولد الطهر علی من تسامی فی علاه

فاهتدی فیہ فریق و فریق فیہ تاه

ضل أقوام فظنوا أنه حقا إله

أم جنون العشق هذا لا یجازی؟!

لست أدری؛(۱)

«علی علیه السلام به دنیا آمد؛ یعنی حقیقت طهارت به دنیا آمد؛ هم او که در بزرگی، بر همگان افتخار و مباحات می کند و گروهی به واسطه او هدایت و گروهی دیگر به دلیل [انحراف از او] گمراه شدند. • برخی گمراه شده و گمان بردند که او واقعا خداست، شاید این گمان از روی جنون عشق باشد و مجازاتی برای آنان در نظر گرفته نشود! • "نمی دانم"».

شاعر نوپرداز مسیحی، جناب استاد پولس سلامه(۲)، در آغاز

ص: ۱۲۸

۱- علامه امینی، الغدیر: ج ۶، ص ۵۵ - ۵۷

۲- پولس سلامه: حقوقدان، نویسنده و شاعر مسیحی لبنانی. وی در سال ۱۹۱۰ میلادی در روستای «بتدین اللغش» در نزدیکی جزین لبنان متولد شد و پس از سپری نمودن تحصیلات مقدماتی، در دانشگاه یسوعی به تحصیل حقوق پرداخت و از سال ۱۹۲۸ میلادی در شهرهای طرابلس، مرجعین، حاصبیا و زحله به قضاوت مشغول گردید. وی آثار ادبی و فکری بسیاری از خود به جای گذارد و در نثر و نظم عربی توانا بود. پولس سلامه به سرودن ملحمه (= حماسه) های زیبا و عاطفی شهره است. از آثار معروف او ملحمه أيام العرب و ملحمه عید الغدیر می باشد. ملحمه عید الغدیر پولس سلامه، از ملاحم مشهوری است که جایگاهی والا در ادب عربی به خود اختصاص داده است. وی برای سرودن این اثر زیبا، سه ماه به بررسی تاریخی داستان از منابع معتبر پرداخت و سه ماه دیگر، آن را در ۳۰۰۰ بیت به نظم در آورد. از آثار نثر پولس سلامه نیز می توان الصراع فی الوجود، حدیث العشیه، فی ذلک الزمان، حکایه عمر، خبز و ملح و مذکرات جریح را نام برد. وی سرانجام پس از بیماری طولانی مدت، در سال ۱۹۷۲ میلادی در گذشت. ر.ک: محمد خیر رمضان یوسف، تتمه الأعلام للزکلی: ج ۱، ص ۹۰ و مرضیه محمدزاده، دانشنامه ی شعر عاشورایی: ج ۱، ص ۶۰۷.

حماسه ی عربی زیبای خود «عید الغدیر»(۱)، سروده ای به نام «فجر الإسلام» دارد که در پی می آید:

سمع الليل في الظلام المديد

همسه مثل أنه المفوود

من خف الآلام والكبت فيها

ومن البشر والرجاء السعيد

حره لها المخاض فلاذت

بستار البيت العتيق الوطيد

كعبه الله في الشدائد ترجى

فهى جسر العبيد للمعبود

لا نساء ولا قوابل حفت

بابنه المجد والغلى والجود؛

«شب در گستره تاریکی، زمزمهای شنید که همانند ناله دل شکستگان بود. • ناله ای به خاطر دردهای فروخورده که شادی و امید به خوشبختی، آن را همراهی می کرد. • درد زایمان، زن آزاده ای را به ستوه آورد و او به پرده کعبه، این خانه عتیق و استوار پناه برد؛ • کعبه خداوند که در سختی ها، امید یاری آن می رود و پل بندگان به سوی معبود است. • هیچ یک از زنان و قابله ها در اطراف دختر بزرگی و بخشش (یعنی فاطمه بنت اسد)، حضور نداشتند.»

يذر الفقر أشرف الناس فردا

والغنى الخليع غير فرید

أينما سار واكبتة جباه

وظهور مخلوقه للسجود

صبرت فاطم على الضيم حتى

لهث الليل لهته المكدود

وإذا نجمه من الأفق خفت

تطعن الليل بالشعاع الحديد

وتدانت من الحطيم وقرت

وتدلت تدلى العنقود؛

ص: ١٢٩

١- بولس سلامه، عيد الغدير: ص ٤٨.

«فقر، شریف ترین انسانها را به تنهایی وا می دارد، اما ثروتمندان هرزه ی عیاش تنها نمی مانند. • ثروتمندان هر کجا روانه شوند، پیشانی ها و پشت هایی که برای سجده آفریده شده اند، آنها را همراهی می کنند. • فاطمه، در برابر ستم، صبر پیشه کرد تا آنکه شب، همانند کسی که پایمال شده است، به نفس نفس زدن افتاد. • در این هنگام، ستاره ای با شتاب از افق به راه افتاد و با پرتو برنده خود، قلب شب را شکافت. • به حطیم نزدیک شد، همانجا ماند و همانند خوشه انگور، آویزان شد. تسکب الضوء فی الأثیر دفیقا فعلى الأرض وابل من سعود واستفاق الحمام یسجع سجعا فتهش الأركان للتغرید بسم المسجد الحرام حورا و تنادت حجاره للنشید کان فجران ذلك الیوم فجر لنهار و آخر

للولید هالت الأم صرخه جال فیها بعض شی من همهمات الأسود؛

«نور خروشان خود را بر روی فلک نهم (بالا-تر از تمامی افکار) ریخت و در زمین، انبوهی از ستارگان سعد (ستارگان خوشبختی) حضور داشتند. • کبوتران بیدار شدند و آواز سر دادند که در اثر آن ارکان کعبه نیز برای نغمه سرایی به وجد آمد. • مسجد الحرام از روی شادی، لبخند زد و سنگ های آن برای سر دادن سرود، یکدیگر را صدا زدند. • در آن روز دو سپیده دم بر آمد: یکی سپیده دم روز و دیگری سپیده دم مولود کعبه. • فریادی که با صدایی از غرش شیران همراه شده بود، مادر را به وحشت انداخت.»

دعت الشبل حیدرا و تمت وأکبت على الرجاء المدید أسدا سمت ابنها کأیها لبدہ الجد أهدیت للحفید بل علیا ندعوه قال أبوه فاستقز السماء للتأکید

ذلك اسم تناقلته الفيافي و رواه للجلمود للجلمود يهرم الدهر وهو كالصبح باق كل يوم يأتي بفجر جديد؛

«مادر، آن شیر پسر را حیدر خواند و مشتاقانه بر خوان گسترده ی امید، آرزو کرد. • پسرش را همچون پدر خود اسد نامید و یال پدر بزرگ به نوه اهدا شد. • پدر نوزاد گفت: او را علی نام می نهیم و در این هنگام، آسمان برای تایید سخن پدر به تلاطم در آمد. • بیابانهای وسیع و تخته سنگ ها این نام را برای همدیگر نقل می کردند. • روزگار، پیر می شود؛ اما او همچون صبح، باقی است و هر روز، سپیده دم تازه ای را به ارمغان می آورد».

رسول خدا صلی الله و علیه و آله عهده دار سرپرستی علی علیه السلام

روایت شده است که قحطی ویرانگر و بحرانی بسیار شدید، قریش را در بر گرفت؛ در این هنگام رسول خدا صلی الله و علیه و آله به نزد عمویش عباس (۱)، که در میان بنی هاشم از همه ثروتمندتر بود رفت و به او

ص: ۱۳۱

۱- عباس بن عبدالمطلب؛ ابن هاشم بن عبد مناف، عموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، جد خلفای عباسی و از بزرگان قریش در زمان جاهلیت و اسلام. وی سه سال قبل از عام الفیل و ۵۶ سال قبل از هجرت، در مکه متولد شد. مادرش نتیله دختر جناب بن کلب بود. او مکنّا به ابوالفضل و همبازی و دوست خردسالی رسول خدا صلی الله علیه و آله و همراه همیشگی آن حضرت بود. عباس منصب سقایت و عمارت بیت الله الحرام را بر عهده داشت و انسانی بسیار بخشنده بود. وی قبل از هجرت، اسلام آورد؛ ولی آن را مخفی می کرد، هرچند که درباره زمان اسلام آوردن او اختلاف دیدگاه وجود دارد و زمان هایی مانند اوایل بعثت، شب هجرت، قبل از جنگ بدر یا پس از اسارت در جنگ بدر، که به اجبار و اکراه مشرکان مکه در آن شرکت کرده بود، در منابع تاریخ ذکر گردیده است. عباس بسیار مورد علاقه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود و بعد از وفات آن حضرت به امیرالمؤمنین علی علیه السلام وفادار ماند. وی روایاتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده و افرادی چون احنف بن قیس، اسحاق بن عبد الله ابن حارث، جابر بن عبدالله، پسرش عبدالله بن عباس، نافع بن جبیر و عباس بن عبد الرحمان از او روایاتی نقل کرده اند. وی سرانجام در ماه رجب سال ۲۳ هجری قمری در زمان خلافت عثمان و در مدینه درگذشت و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. ر.ک: مزی، تهذیب الکمال: ج ۱۴، ص ۲۲۵، شماره ۳۱۲۹؛ ابن اثیر، اسد الغابه: ج ۳، ص ۵۹، شماره ۲۷۹۷ و ابن حجر عسقلانی، الاصابه: ج ۳، ص ۱۴۶، شماره ۴۵۰۵.

گفت: «برادرت ابوطالب، فرزندان بسیار دارد و همانگونه که می بینی این بحران، مردم را فراگرفته است؛ حال بیا به نزد او برویم و بار فرزندان او را سبک گردانیم؛ من سرپرستی یکی از پسرانش را بر عهده میگیرم و تو نیز سرپرستی یکی دیگر را». (۱)

عباس گفت: برویم. هنگامی که به خانه ابوطالب رسیدند به او گفتند: ما می خواهیم تا زمانی که قحطی کنونی مردم پایان پذیرد، بار فرزندان تو را سبک گردانیم؛ ابوطالب به آنها گفت: عقیل را برای من باقی گذارید و هر کاری می خواهید انجام دهید؛ در این هنگام، محمد صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را، و عباس، جعفر را برگزید تا از آنها مراقبت نمایند. رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ی این انتخاب خود فرمود: «من کسی را انتخاب کردم که خداوند برای من ۹.

ص: ۱۳۲

۱- ر.ک: شیخ صدوق، علل الشرائع: ج ۱، ص ۱۶۹ و علامه محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار: ج ۳۸، ص ۳۱۵، ح ۱۹.

برگزیده است تا سرور شما باشد؛ من علی را برگزیدم»^(۱).

به این ترتیب علی علیه السلام در خانه و دامان پیامبر صلی الله علیه و آله رشد کرد و تربیت یافت و همانگونه که فاطمه بنت اسد، برای پیامبر صلی الله علیه و آله مادری کرده بود، خدیجه نیز برای علی علیه السلام مادری کرد.

در روایتی در بحار الأنوار آمده است: «فاطمه بنت اسد، علی علیه السلام را به دنیا آورد و در آن هنگام، سی سال از عمر مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله سپری شده بود؛ رسول خدا علی علیه السلام را بسیار دوست می داشت و به فاطمه بنت اسد می فرمود: «گهواره ی علی را کنار بستر من بگذار». رسول خدا صلی الله علیه و آله بخش اعظم تربیت علی را بر عهده گرفت؛ ایشان به هنگام شست و شوی علی، او را پاک می کرد؛ به هنگام تشنگی علی، در دهان او شیر می ریخت؛ به هنگام خواب علی، گهواره اش را تکان می داد و به هنگام بیداری علی، با او به مهربانی سخن می گفت؛ او را بر سینه خود می نشاند و می فرمود: «این کودک، برادر، ولی، یاور، دوست مخلص، ذخیره، پناهگاه، پشت و پناه و وصی من است؛ او همسر دختر گرانقدر من و امانتدار وصیت و جانشین من است». رسول خدا صلی الله علیه و آله همیشه علی را در آغوش خود می گرفت و برای گردش به کوهستان ها، آبراهه ها و دره های مکه می برد.^(۲)

در کتاب «اللمعه البيضاء فی شرح خطبه الزهراء علیها السلام» پیرامون ۰.

ص: ۱۳۳

۱- ر.ک: ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب: ج ۲، ص ۱۸۰ و علامه مجلسی، بحار الأنوار: ج ۳۸، ص ۲۹۵.

۲- ر.ک: ابن بطریق، خصائص الوحی المبین: ص ۲۵ و علامه محمد باقر مجلسی، بحار الانوار: ج ۳۵، ص ۹-۱۰.

فضایل مولود کعبه و مادرش فاطمه بنت اسد آمده است:

«در کتاب مناقب، با سند، از صعصعه بن صوحان (۱) نقل شده

ص: ۱۳۴

۱- صعصعه بن صوحان عبدی کوفی؛ از اصحاب و یاران خاص امیرالمؤمنین علی علیه السلام و از علما و سخنوران تابعی و مکتبا به ابو عمرو و یا ابوطلحه. وی در دارین، نزدیک قطیف، متولد شد. ابن حجر عسقلانی در تقریر التهذیب، وی را مخضرم، یعنی از جمله افرادی که بخشی از دوران حیات خویش را در جاهلیت و بخشی را در دوران اسلامی می زیسته اند، می داند، صعصعه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مسلمان شد، ولی موفق به دیدار آن حضرت نگردید. وی از بزرگان قبیله عبد القیس و فردی دانا، دین دار، بلیغ و فصیح و موثق بود. او از شاعران اهل بیت علیهم السلام نیز به شمار می رفت. ابن سعد در الطبقات وی را موثق و قابل اعتماد ذکر می کند. صعصعه از امیرالمؤمنین علی علیه السلام و افرادی چون عبدالله بن عباس و عثمان بن عفان روایت نموده و روایانی چون شعبی، ابو اسحاق همدانی، مالک بن عمیر، عبدالله بن بریده و منهال ابن عمرو از وی به نقل حدیث پرداخته اند. او در زمان عثمان (خلافت: ۲۳ - ۳۵ ه. ق.) به شام تبعید شد. صعصعه در جنگ جمل پس از شهادت دو برادرش، سیحان و زید، پرچم سپاه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را در دست گرفت و در جنگ صفین نیز فرماندهی بخشی از سپاه حضرت را بر عهده داشت. صعصعه جزء معدود افرادی بود که در تشییع جنازه امیرالمؤمنین علیه السلام شرکت داشت و پس از دفن آن حضرت، بر سر قبر امام علیه السلام با سخنرانی بلیغ و مشهوری ایراد کرد. بنا بر نقلی، او را به دستور معاویه به جزیره اوال بحرین تبعید کردند و تا زمان خلافت یزید بن معاویه (۶۰ - ۶۴ ه. ق.) زنده بود و در همانجا درگذشت و به نقلی دیگر در سال ۵۶ هجری قمری یا حدود سال ۶۰، در زمان خلافت معاویه، در کوفه درگذشت. حضرت امام صادق علیه السلام درباره صعصعه فرمودند: «هیچ کس مانند صعصعه و اصحابش، حق علی علیه السلام را نشناختند». ر.ک: دائره المعارف تشیع: ج ۱۰، ص ۳۳۱، مدخل صعصعه بن صوحان و فرهنگ نامه مؤلفان اسلامی: ج ۱، ص ۴۰۵، مدخل «صعصعه- عبدی» و نیز ر.ک: مزی، تهذیب الکمال: ج ۱۳، ص ۱۶۷، شماره ۲۸۷۶.

است که وی پس از ضربت خوردن امیر المؤمنین علیه السلام به نزد ایشان رفت و عرض کرد: ای امیر المؤمنین! شما برترید یا حضرت آدم؟ علی علیه السلام فرمود: خودستایی زشت است: خداوند متعال به آدم فرمود: ای آدم! تو و همسرت در بهشت ساکن شوید...» (۱) ولی خداوند بسیاری از چیزها را برای من مباح گردانید اما من آن را رها کردم و به آن نزدیک نشدم؛ سپس صعصعه پرسید: شما برترید یا نوح؟

علی فرمود: نوح، قوم خود را نفرین کرد (۲)، اما من غاصبان حقم را نفرین نکردم؛ پسر نوح کافر بود اما پسران من حسن و حسین، سرور جوانان اهل بهشتند.

صعصعه سؤال کرد: آیا شما برترید یا موسی؟

فرمود: هنگامی که خدای تعالی موسی را به سوی فرعون فرستاد موسی گفت: من می ترسم که مرا تکذیب کنند؛ تا جایی که خداوند به او فرمود: «نترس، چرا که پیامبران در نزد من از چیزی نمی ترسند» (۳)؛ موسی گفت: «پروردگارا من یکی از آنها را کشته ام و می ترسم مرا

ص: ۱۳۵

۱- «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» - بقره: ۳۵؛ همچنین ر.ک: اعراف: ۱۹.

۲- «وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا» - نوح: ۲۶

۳- «يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ (۱۰)» - نمل: ۱۰.

بکشند»(۱)؛ این در حالی است که من بسیاری از بزرگان و قهرمانان مشرک قریش را کشته بودم، اما هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا به سوی قریش فرستاد تا سوره براءت را در مراسم حج برای آنها تلاوت کنم، هیچ ترسی به دل راه ندادم و به نزد آنها رفتم و بی هیچ ترسی، سوره براءت را برای آنان تلاوت کردم.

صعصعه گفت: شما برترید یا عیسی بن مریم؟

فرمود: مادر عیسی در بیت المقدس بود اما هنگامی که موعد زایمان او فرا رسید، صدای هاتفی را شنید که به او می گفت: از این مکان خارج شو؛ چرا که اینجا نه محل زایمان، که محل عبادت است؛ این در حالی است که مادر من فاطمه بنت اسد به هنگام نزدیک شدن موعد زایمان، در مسجد الحرام بود که ناگاه دیوار کعبه از هم باز شد و نجوای هاتفی را شنید که به او گفت داخل شو؛ مادرم به درون کعبه رفت و من در آنجا به دنیا آمدم؛ فضیلتی که پیش و پس از من، کسی از آن برخوردار نشده و نخواهد شد».(۲)

ص: ۱۳۶

۱- «قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ» قصص: ۳۳

۲- سید محمد تقی رضوی قمی، اللمعه البيضاء فی شرح خطبه الزهراء علیها السلام: ص ۲۲۰ - ۲۲۱.

سرانجام پس از عمری فداکاری، دست مرگ، وجود بانویی را که برای اسلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همانند پرچمی برافراشته در اهتزاز بود، و با اهتزاز خویش قلب رسول خدا صلی الله علیه و آله را سرشار از مهربانی، دلسوزی، عشق و حرارت می کرد، از میان برداشت.

در منابع تاریخی هرچند که درباره سن فاطمه بنت اسد هنگام وفات وی، اختلاف وجود دارد و درگذشت این بانوی بزرگوار را در ۶۰، ۶۵ و ۷۰ سالگی ذکر کرده اند؛ بیشتر منابع، تاریخ وفات وی را سال چهارم هجری قمری و در مدینه دانسته اند (۱).

البته برخی منابع نیز تاریخ وفات فاطمه بنت اسد را در حدود سال پنجم (۲) و برخی نیز در سال سوم هجری

ص: ۱۳۷

۱- ر.ک: سبط ابن جوزی، تذکره الخواص: ج ۱، ص ۱۵۰ و ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه: ج ۳، ص ۳.

۲- ر.ک: زرکلی، الأعلام: ج ۵، ص ۱۳۰.

قمری (۱) ذکر کرده اند. اما نکته مهمی که بسیار قابل توجه است و ظاهراً از نگاه بسیاری از تراجم نگاران مغفول مانده است، روایاتی است که شأن نزول آیه دوازدهم سوره ممتحنه را بانو فاطمه بنت اسد معرفی می کنند؛ و از طرف دیگر در روایاتی معتبر، زمان نزول این آیه، پس از فتح مکه، در سال هشتم هجری قمری، معرفی گردیده است (۲).

در برخی منابع آمده است که پس از نزول آیه ۱۲ سوره ممتحنه (یا أيها النبی إذا جاءك المؤمنات یبايعنک علی أن لا یشرکن بالله شیئاً ولا یسرقن ولا یزنین ولا یقتلن أولادهن ولا یأتین بهتان یفتنینه بین یدیهن وأرجلهن ولا یعصینک فی معروف فبايعهن و استغفر لهن الله إن الله غفور رحیم) اولین زنی که با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بیعت نمود، فاطمه بنت اسد بوده است. این روایت و گزارش های تاریخی، در کنار روایت اصول کافی، که تاریخ نزول این آیه را پس از فتح مکه، در سال هشتم هجری قمری ذکر می کند، بیانگر زنده بودن جناب فاطمه بنت اسد تا سال هشتم هجری می باشد (۳).

ص: ۱۳۸

۱- ر.ک: جعفریان، آثار اسلامی مکه و مدینه: ص ۳۴۴.

۲- ر.ک: الکافی: ج ۵، ص ۵۲۷، ح ۵.

۳- ر.ک: خوارزمی، المناقب: ص ۲۲۷؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین: ص ۲۹؛ اربلی، کشف الغمه: ج ۱، ص ۳۰۶ و قاضی نعمان مغربی، شرح الأخبار: ج ۳، ص ۲۱۴.

۱- عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب؛ مکننا به ابو العباس، پسر عمو و صحابی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و از یاران امیرالمؤمنین علی علیه السلام و محدث، فقیه، نحوی و مفسر بزرگ صدر اسلام. وی سه سال قبل از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله، در شعب ابی طالب متولد شد. مادرش أم الفضل لبابه الکبری بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله وی را در کودکی در آغوش گرفت و برایش دعا کرد و فرمود: «خدایا! به او حکمت بیاموز». وی از پیامبر صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علی علیه السلام و افرادی چون ابوذر، معاذ بن جبل، عمر بن خطاب، أسامه بن زیاد، تمیم داری، عبد الرحمان بن عوف، ابو سعید خدری، ابو طلحه انصاری، ام المؤمنین ام سلمه، عایشه و دیگران روایت نموده است و شاگردان و راویانی همچون عبد الله بن عمر، انس بن مالک، ابوظفیل عامر بن واثله و ثعلبه بن حکم داشته است. وی را به سبب فراوانی علمی که داشته است، «بحر» می نامیدند. ابن عباس نسب شناس و شاعر نیز بود و در علم حساب و تقسیم ارث هم تبحر داشت. عبد الله بن مسعود او را «ترجمان قرآن» معرفی نموده است. ابن عباس در زمان ابوبکر، عمر و عثمان، منصب قضاوت را عهده دار بود. علامه حلی او را از دوستان امیرالمؤمنین علی علیه السلام و از شاگردان وی دانسته است و مقام و اخلاص او به آن حضرت را مشهور می داند. ابن عباس یکی از فرماندهان امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ صفین بود و مدتی از جانب آن حضرت به ولایت بصره، یمن، خوستان، فارس و کرمان منصوب گردید. برخی از آثار منسوب به وی عبارتند از: تفسیر ابن عباس ترجمان القرآن (که گویند املائی حضرت علی علیه السلام بوده است)، المفصل فی الأحادیث الفقهیه والمسند. وی در اواخر عمر نابینا شد و در سال ۷۰ هجری قمری در طائف درگذشت و محمد بن حنفیه بر پیکرش نماز گزارد. ر. ک: دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۳۴۴، مدخل «ابن عباس»، فرهنگ نامه مؤلفان اسلامی: ج ۱، ص ۴۵۳، مدخل «عبدالله - ابن عباس» و مزنی، تهذیب الکمال: ج ۱۵، ص ۱۵۴، شماره ۳۳۵۸ و نیز ر. ک: ابن اثیر، اسد الغابه: ج ۳، ص ۱۸۵، شماره ۳۰۳۵؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه: ج ۳، ص ۲۲۹، شماره ۴۷۷۹ و زرکلی، الأعلام: ج ۴، ص ۹۵.

ابی طالب علیه السلام گریه کنان به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: «انا الله و انا الیه راجعون» (۱)؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: «علی جان! چه شده است؟» علی علیه السلام فرمود: «ای رسول خدا! مادرم فاطمه بنت اسد از دنیا رفت»؛ ابن عباس می گوید: در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله گریست و سپس فرمود: «ای علی! خداوند مادرت را رحمت کند بدان که اگر او مادر تو بود، مادر من نیز بود. این عمامه و پیراهن مرا بگیر و مادرت را به وسیله آن کفن نما. به زنان سفارش کن که او را نیک غسل دهند و او را از منزل بیرون نبر که کارهای لازم را خود انجام میدهم».

ابن عباس نقل می کند: پیامبر صلی الله علیه و آله پس از ساعتی آمد و پیکر بی جان فاطمه، مادر علی علیه السلام نیز از خانه بیرون آورده شد. پیامبر چنان نمازی بر پیکر او گذارد که تا آن زمان، بر پیکر هیچکس این گونه اقامه نماز نکرده بود؛ آنگاه برای جنازه او چهل تکبیر گفت و اندکی بعد، خود به درون قبر رفت و در آن دراز کشید که در این هنگام هیچ صدا و ناله ای از ایشان شنیده و یا هیچ حرکتی از ایشان مشاهده نگردید؛ و سپس فرمود: «علی جان! داخل شو، حسن جان! داخل شو»؛ علی و حسن علیه السلام دستور پیامبر صلی الله علیه و آله را اجرا کردند و م.

ص: ۱۴۰

۱- ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم.

وارد قبر شدند. هنگامی که پیامبر تمام کارهای لازم را انجام داد، فرمود: «علی جان! خارج شو، حسن جان! خارج شو»، علی و حسن علیه السلام از قبر بیرون آمدند و آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله به روی دو زانو، خود را به بالین فاطمه کشانید تا آنکه به کنار سر فاطمه بنت اسد رسید و فرمود: «ای فاطمه! من محمد هستم، سرور فرزندان آدم، اما به این بر خود نمی بالم؛ اگر منکر و نکیر به نزد تو آمدند و در مورد پروردگار از تو پرسیدند، بگو: خدا پروردگار من است، محمد پیامبر من، اسلام دینم، قرآن کتابم و پسر من، امام و ولی من است»؛ بعد فرمود: «خدایا! فاطمه را با سخن ثابت و پایدار، استوار گردان»؛ آنگاه پیامبر از قبر بیرون آمد، چند مشت خاک بر روی جنازه او ریخت و سپس دو دست خویش را به هم زد تا خاک را از آنها پاک کند؛ سپس فرمود: «سوگند به آنکه جان محمد در دستان اوست! فاطمه صدای به هم خوردن دو دست مرا شنید».

در آن هنگام، عمار بن یاسر برخاست و به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای رسول خدا! پدر و مادرم فدای تو باد! چنان نمازی بر پیکر او گزاردی که تا کنون بر پیکر هیچکس نگزارده بودی! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای ابویقظان! او لایق این نماز من بود. او از ابوطالب فرزندان بسیار داشت، که خیر آنها برایش فراوان، و خیر ما برای او اندک بود؛ اما وی (فاطمه بنت اسد) مرا سیر می کرد و فرزندان خود را گرسنه نگه می داشت؛ مرا می پوشاند و آنها را برهنه رها می کرد و بر موهای من روغن می مالید اما آنها را ژولیده نگه میداشت!»

عمار عرض کرد: حال چرا برای او چهل تکبیر گفتید؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بله ای عمار! به سمت راست خود نگریستم؛ چهل صف از ملائکه را ایستاده و حاضر دیدم؛ از همین رو برای هر صف از آنها، یک تکبیر گفتم».

عمار عرض کرد: شما در قبر دراز کشیدید و هیچ ناله یا حرکتی از شما شنیده و دیده نشد؛ ما را از سر این کار آگاه کنید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مردم در روز قیامت، برهنه محشور خواهند شد و من پیوسته از پروردگار می خواستم تا فاطمه بنت اسد را در میان لباس و پوشیده، محشور گرداند؛ به خدایی که جان محمد در دستان اوست سوگند! از قبر فاطمه بنت اسد خارج نشدم تا اینکه دو چراغ از نور را در کنار سر او، دو چراغ از نور را در کنار دستانش و دو چراغ از نور را در کنار پاهایش دیدم و مشاهده نمودم که دو فرشته ی مأمور قبر وی تا هنگام برپایی قیامت از خداوند برای او طلب آمرزش میکنند»^(۱). در روایتی مشابه از ابن عباس، به نقل از حدیثی بلند آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای عمار! فرشتگان، افق را پر کرده اند؛ دری از درهای بهشت به روی فاطمه بنت اسد گشوده گردیده و یکی از بسترهای بهشت برای او گسترانیده شده و گلی از گل های خوشبوی بهشت برای او فرستاده شده است. بنابراین فاطمه بنت اسد در آسایش به سر می برد؛ گل های خوشبو، بهشت و نعمت ها برای او فرستاده شده و

ص: ۱۴۲

۱- صدوق، الأمالی: ص ۳۱۴ و ۳۱۵ و علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار: ج ۳۵، ص ۷۱، ح ۴.

۱- فتال نیشابوری، روضه الواعظین: ص ۱۲۳. سبط ابن جوزی، بسیاری از فضایل و مناقب این بانوی مطهر را در «تذکره الخواص» نقل می کند و البته در ذکر برخی از این فضایل، جانب احتیاط، پیش می گیرد؛ چنانکه می گوید: «حافظ ابونعیم، روایتی طولانی را در فضیلت فاطمه بنت اسد، برای ما نقل نموده است، اما محدثین بر این عقیده اند که: در سند آن، نام روح بن صلاح به چشم می خورد که ابن عدی، او را ضعیف دانسته است، از همین رو ما این روایت را نقل نمی کنیم». ر.ک: سبط ابن جوزی، تذکره الخواص: ج ۱، ص ۱۵۷. محقق تذکره الخواص، جناب آقای حسین تقی زاده، در توضیح این روایت می گوید: در «الحلیه» این روایت را نیافتیم؛ طبرانی در المعجم الأوسط: ج ۱، ص ۱۵۲، ذیل شماره ۱۹۱، روایت مذکور را چنین نقل کرده است: احمد بن حماد زغبه از روح بن صلاح از سفیان ثوری از عاصم أحوال از انس بن مالک، برای ما روایت نمود که: هنگامی که فاطمه بنت اسد بن هاشم، مادر علی علیه السلام از دنیا رفت، رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانه او وارد شد، بر بالینش نشست و آنگاه فرمود: «مادر جان! خداوند تو را رحمت کند، تو پس از فوت مادرم (آمنه)، برای من مادر بودی: گرسنگی می کشیدی و مرا سیر می کردی: لباسی در بر نداشتی و برای من لباس تهیه می کردی و با محروم کردن خود از غذاهای دلپذیر، مرا غذا میدادی: تو از این طریق، برای خویش رضایت پروردگار و بهشت را می خواستی». آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داد تا بدن فاطمه بنت اسد سه بار غسل داده شود؛ هنگامی که نوبت به آب مخلوط با کافور رسید، رسول خدا صلی الله علیه و آله با دست خود، آن آب را بر روی فاطمه بنت اسد ریخت؛ سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله جامه خویش از تن به در آورد و آن را (به عنوان کفن) بر تن فاطمه کرد که در این هنگام، کفن فاطمه روی جامه رسول خدا صلی الله علیه و آله پوشانده شد. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله، آسامه بن زید، ابو ایوب انصاری، عمر بن خطاب و غلامی سیاه پوست را صدا زد تا قبر او را حفر نمایند؛ آنان نیز چنین کردند و هنگامی که به لحد رسیدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله با دست خود آن را حفر نمود و خاک لحد را بیرون ریخت؛ هنگامی که کندن لحد به پایان رسید، رسول خدا صلی الله علیه و آله به درون آن رفت، دراز کشید و فرمود: «ای خداوندی که زنده می کنی و می میرانی، و خود همیشه زنده ای و هرگز نخواهی مرد! به حق من و پیامبران پیش از من، مادرم فاطمه بنت اسد را بیامرز، حجتش را به او بیاموز و راه ورودش به بهشت را گشاده گردان، که تو مهربانترین مهربانان هستی». سپس پیامبر صلی الله علیه و آله، چهار بار برای فاطمه بنت اسد تکبیر گفت و آنگاه به همراه عباس و ابوبکر او را در درون قبر نهاد. خوارزمی نیز در المناقب: ص ۴۷، ذیل شماره ۱۰ (فصل دوم در بیان تبار او از طرف پدر و مادر)، این روایت را با سند خود از طریق طبرانی نقل کرده است. هیشمی نیز در مجمع الزوائد: ج ۹، ص ۲۵۷ - ۲۵۶ در باب مناقب فاطمه بنت اسد، پس از ذکر این روایت می گوید: طبرانی در «معجم الکبیر» و «معجم الاوسط» این روایت را نقل کرده است و در میان راویان آن نام روح بن صلاح به چشم می خورد که ابن حبان و حاکم او را ثقة دانسته اند؛ اما او تا حدودی ضعیف است؛ ولی سایر راویان این روایت، از رجال و راویان صحیح بخاری می باشند.

همچنین در حدیثی از انس بن

ص: ۱۴۴

۱- انس بن مالک؛ صحابی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از انصار، مکننا به ابوحمزه و از طایفه بنی نجار از قبیله بزرگ خزرج در مدینه. آئس ده سال پیش از هجرت در مدینه متولد شد. پس از مهاجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه، مادرش و به قولی شوهر مادرش، ابو طلحه، وی را به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد و درخواست نمود که آن حضرت، انس را به خدمت بپذیرد. وی از آن پس تا پایان زندگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در خدمت ایشان بود و نزد آن حضرت پرورش یافت. بر اساس روایتی از خود انس بن مالک، وی در جنگ بدر حاضر و به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول بود، ولی نام او در شمار شرکت کنندگان در جنگ بدر ذکر نشده است. اما در دیگر غزوات مانند حدیبیه، فتح مکه، حنین و خیبر در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. پس از وفات حضرت رسول صلی الله علیه و آله، ابوبکر با مشورت عمر، انس را برای جمع آوری صدقات، به بحرین فرستاد. در زمان خلافت عمر و سپردن امارت بصره به ابوموسی اشعری، انس و برادرش، براء بن مالک، به همراه ابوموسی به بصره فرستاده شدند و در جنگ شوشتر نیز از فرماندهان سپاه مسلمانان به شمار می آمد. وی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و افرادی چون ابوبکر، عمر، عثمان، عبد الله بن مسعود و ابو ذر روایت کرده و بزرگانی چون زهری، قتاده، اسحاق بن عبد الله بن ابی طلحه و ثابت بنانی به نقل حدیث از وی پرداخته اند. در منابع امامیه، برخی مانند شیخ طوسی در رجال، تنها چیزی که درباره انس ذکر کرده اند، این است که وی خادم پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است؛ اما در دیگر منابع مانند رجال کشی و املی شیخ صدوق، وی را از منحرفان از امیرالمؤمنین علی علیه السلام می دانسته اند که مورد نفرین آن حضرت واقع شده است. انس در زمان خلافت ولید بن عبدالملک (۸۶ - ۹۶ه.ق.) به دمشق و سپس بصره رفت و در همان جا ساکن شد. وی سرانجام در سال ۹۳ هجری قمری، در حالیکه بیش از ۱۰۰ سال داشت، در بصره درگذشت. ر.ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ج ۱۰، ص ۳۸۱، مدخل «انس بن مالک» و فرهنگ نامه مؤلفان اسلامی: ج ۱، ص ۱۹۳، مدخل «انس - انصاری» و نیز ر.ک: مزی، تهذیب الکمال: ج ۳، ص ۳۵۳، شماره ۵۶۸؛ ابن اثیر، اسد الغابه: ج ۱، ص ۱۷۷، شماره ۲۵۸ و ابن حجر عسقلانی، الاصابه: ج ۱، ص ۱۱۱، شماره ۲۷۵.

علی بن ابی طالب السلام علیه از دنیا رفت، رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانه او داخل شد، بر بالینش نشست و فرمود: «مادر جان! خداوند تو را رحمت کند! تو مادر دوم من بودی؛ تو خود گرسنگی میکشیدی، و مرا سیر میکردی؛ تو خود لباسی در بر نداشتی و برای من لباس تهیه میکردی، و با محروم کردن خود از غذاهای دلپذیر، مرا غذا میدادی تا از این طریق، رضایت پروردگار و بهشت را برای خویش حاصل کنی». آنگاه رسول خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داد تا پیکر بی جان وی سه بار غسل داده شود؛ پس هنگامی که نوبت به آب مخلوط با کافور رسید، رسول خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله با دست خویش، آن آب را بر روی فاطمه بنت اسد ریخت؛ آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله جامه خویش را از تن به در آورد، آن را بر تن فاطمه کرد و با لباسی دیگر که روی جامه قبلی پوشانده، او را کفن نمود. آنگاه رسول خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله، أسامه بن زید، ابو ایوب انصاری و غلامی سیاه پوست را صدا زد تا زمین را (برای دفن فاطمه بنت اسد) حفر نمایند؛ آنان نیز قبر فاطمه را دفن نمودند؛ هنگامی که به لحد رسیدند، رسول خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله با دست خود

آن را حفر نمود و خاک لحد را بیرون ریخت. هنگامی که کندن لحد به پایان رسید، رسول خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله به درون آن رفت، دراز کشید و فرمود: «ای خداوندی که زنده می کنی، می میرانی و خود هرگز نخواهی مرد! به حق پیامبرت محمد و پیامبرانی که پیش از من بوده اند، مادرم فاطمه بنت اسد را پیامرز، حجتش را به او بیاموز و محل ورودش را گشاده گردان که تو مهربانترین مهربانانی». آنگاه رسول خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله چهار بار برای فاطمه بنت اسد تکبیر گفت و به همراه عباس و ابوبکر، او را در قبر نهاد که در این هنگام، رسول خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله برای فاطمه بسیار اندوهگین و غمگین شد^(۱). بر اساس اعتقادات اسلامی، مراحل وحشتناک قبر و برزخ پس از خاکسپاری میت، آغاز می گردد و در دیدگاه شیعیان، تلقین میت از جمله مراسم ضروری خاکسپاری میت مسلمان به شمار می آید؛ چرا که میت، مواردی بسیار ترسناک و دهشتناک را مشاهده می کند که با دیدن آنها، اندیشه و گفتگو با دو فرشته قبر، یعنی منکر و نکیر، و پاسخ به آنچه درباره پروردگار و پیامبر و کتاب و دین و امام، از میت می پرسند، بر او سخت و دشوار می گردد؛ ابعاد تاریخی و اعتقادی این روایت، در جهت تبیین مقصود از «تلقین» و آنچه

ص: ۱۴۷

۱- خوارزمی، المناقب: ص ۴۷ و ۴۸؛ هیشمی، مجمع الزوائد: ج ۹، ص ۲۵۶؛ طبرانی، معجم الکبیر: ج ۲۴، ص ۳۵۲؛ همو، معجم الأوسط: ج ۱، ص ۶۷؛ ابونعیم اصفهانی، حلیه الأولیاء: ج ۳، ص ۱۲۱ و ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه: ص ۳۱

پیرامون آن به ویژه برای مسلمانان رخ خواهد داد، بسیار مهم است؛ بنابراین ما این روایت را به دلیل اهمیت آن، به عنوان اشاره ای روشن و درخشان بر موارد زیر بیان کرده ایم:

- چه کسی وصی آخرین پیامبر و رسول خدا است؟

- چه کسی ولی (سرپرست) و امام مسلمانان است؟

و اهمیت آن در این نهفته است که در آن هنگام که میت در قبر خویش قائل به ولایت و وصایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام باشد، ترس و وحشت را از خود دور می کند؛ ترس و وحشتی که تنها از رهگذر واقعه فوق، میزان آن مشخص می شود و همین واقعه است که خاطره «یوم الدار» را در اذهان مسلمانان، زنده می کند؛ ماجرای یوم الدار از این قرار است که رسول خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله بر اساس فرمان پروردگار: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (۱)، بزرگان خاندان خود را در منزل خویش جمع کرد؛ و در آن هنگام بود که پیامبر اسلام رسول خدا صلی الله علیه و آله، درباره پسر عموی خویش، علی بن ابی طالب علیه السلام، که تنها او در میان همه بزرگان خاندان رسول خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله به دعوت پیامبر پاسخ مثبت داده بود، چنین فرمودند: «این جوان، برادر، وصی، وزیر و جانشین من در میان شماست» (۲).

ص: ۱۴۸

۱- «و خویشاوندان نزدیک خود را بیم ده» - شعرا: ۲۱۴.

۲- این امر نشان می دهد که مردم، علی علیه السلام، را به امامت می شناخته اند؛ چرا که از آغاز نبوت، بارها و بارها رفتار یا گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله در تصریح به امامت و وصایت علی بن ابی طالب علیه السلام من را دیده و شنیده بودند؛ از این گذشته روایت امام صادق علیه السلام که ابن محبوب آن را از عمر بن ابان کالبی، از مفضل بن عمر، نقل نموده، مسأله امامت علی بن ابی طالب علیه السلام را بهتر و روشن تر به اثبات می رساند. ر.ک: ملا صالح مازندرانی، شرح اصول کافی: ج ۷، ص ۲۰۰. همچنین میرزای نوری، صاحب کتاب «مستدرک الوسائل» روایتی را پیرامون وفات فاطمه بنت اسد به نقل از کتاب «الروضه والفضائل» تألیف شیخ شاذان بن جبرئیل قمی، با این بیان ذکر کرده است: پس از پایان خاکسپاری فاطمه بنت اسد و آماده شدن مردم برای بازگشت به خانه، رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: «پسرت پسرت! نه جعفر و نه عقیل»؛ بلکه پسرت علی بن ابی طالب...؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله در ادامه فرمودند: «این جمله (یعنی: پسرت پسرت! نه جعفر و نه عقیل) را از آن جهت به او گفتم که نکیر و منکر، نازل شده و درباره پروردگار از او سؤال کردند: او پاسخ داد: خدای واحد (الله)، پروردگار من است؛ گفتند: پیامبرت کیست؟ گفت: محمد پیامبر من است؛ گفتند: ولی و امام تو کیست؟ در این هنگام فاطمه از اینکه نام فرزند خود را بر زبان آورد احساس شرمندگی کرد؛ به او گفتم: بگو: پسرت علی بن ابی طالب؛ پس از آنکه نام علی بن ابی طالب را بر زبان آورد، خداوند چشمان او را روشن گردانید»؛ ر.ک: نوری، مستدرک الوسائل: ج ۲، ص ۳۴۲ و شاذان قمی، الفضائل: ص ۱۰۲

همچنین در این زمینه روایات دیگری نیز وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌گردد: هنگامی که فاطمه بنت اسد درگذشت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را بر روی دو دست خویش گرفت و درون قبرش نهاد؛ آنگاه خود را بر روی جنازه او افکند، زمانی دراز با او نجوا و درد دل می‌کرد و به او فرمود: «پسرت! پسرت!»؛ سپس از قبر بیرون آمد و بر روی او خاک ریخت؛ آنگاه خود را بر روی قبرش افکند و مردم شنیدند که

ص: ۱۴۹

می فرمود: «خدایا! او را به تو سپردم». رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از این سخن، آنجا را ترک نمود و راه بازگشت را در پیش گرفت. در این هنگام مسلمانان از ایشان پرسیدند: ای رسول خدا! امروز اعمالی را انجام دادید که تا کنون از شما ندیده بودیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «امروز، مهربانی ابوطالب را از دست دادم؛ فاطمه بنت اسد همیشه مرا بر خودش و فرزندانش مقدم میکرد؛ هرگاه چیزی داشت، از خود و فرزندانش میگذشت و آن را به من می داد. من نزد او از روز قیامت و عریان محشور شدن مردم، سخن گفتم، که در این هنگام فاطمه بنت اسد گفت: چه شرمساری بزرگی! به همین خاطر به او تضمین دادم که خداوند او را پوشیده و با لباس، محشور خواهد کرد. از فشار قبر سخن گفتم که در این هنگام فاطمه بنت اسد گفت: با ضعف بدن چه کنیم؟! به همین خاطر به او تضمین دادم که خداوند، فشار قبر را از او بر خواهد داشت؛ از همین رو بود که او را با لباس خودم کفن کردم و در قبرش خوابیدم؛ من به روی قبر او افتادم و پاسخ سؤالات نکیر و منکر را به او تلقین نمودم؛ از او درباره پروردگارش پرسیدند؛ در پاسخ گفت: الله، خداوند واحد؛ درباره پیامبرش سؤال کردند؛ گفت: محمد؛ (اما هنگامی که) درباره ولی و امامش سؤال کردند، دستپاچه شد و به لرزه افتاد؛ من به او گفتم: «پسرت، پسرت»، (پس او هم) گفت: پسرم، ولی و امام من است؛ در این هنگام نکیر و منکر او را رها کردند و گفتند: ما هیچ برهانی علیه تو نداریم، پس بخواب، همان گونه که عروس در پرده حجله خویش در گوشه خانه به خواب می رود».

علمای ذیل، حدیث فوق را نقل کرده اند:

- ۱- شیخ صدوق در «الإعتقادات»: ص ۵۸.
- ۲- هیشمی در «مجمع الزوائد»: ج ۹، ص ۲۵۶.
- ۳- ضحاک در «الآحاد والمثانی»: ج ۱، ص ۱۵۳.
- ۴- طبرانی در «المعجم الأوسط»: ج ۱، ص ۶۷.
- ۵- ابن ابی الحدید در «شرح نهج البلاغه»: ج ۱، ص ۱۴.
- ۶- متقی هندی در «کنز العمال»: ج ۲۱، ص ۱۴۷.
- ۷- فیض کاشانی در «التفسیر الصافی»: ج ۲، ص ۱۴۰.
- ۸- ابن سعد در «الطبقات الکبری»: ج ۸، ص ۲۲۲.
- ۹- ذهبی در «سیر أعلام النبلاء»: ج ۲، ص ۱۱۸.
- ۱۰- ابن حجر عسقلانی در «الإصابة»: ج ۸، ص ۲۶۸.
- ۱۱- خیر الدین زر کلی در «الأعلام»: ج ۵، ص ۱۳۰.
- ۱۲- ابن شبه نمیری در «تأریخ المدینه»: ج ۱، ص ۱۲۳.
- ۱۳- علامه سید محسن امین در «أعیان الشیعه»: ج ۸، ص ۳۸۸.
- ۱۴- یعقوبی در «تأریخ یعقوبی»: ج ۲، ص ۱۴.
- ۱۵- علامه مجلسی در «بحار الأنوار»: ج ۶، ص ۲۸۰-۲۷۹، ج ۹، ص ۳ و ج ۳۵، ص ۹۸-۱۳۷ و ۱۸۱.
- ۱۶- ثقه الاسلام کلینی در «الکافی»: ج ۸، ص ۳۰۲.
- ۱۷- حاکم نیشابوری در «المستدرک علی الصحیحین» ص، ج.*
- ۱۸- ابوالفرج اصفهانی در «مقاتل الطالبیین»: ص ۵.
- ۱۹- ابن شهر آشوب در «المناقب»: ج ۱، ص ۳۱ و ج ۲، ص ۲۱.

۲۰- شیخ شاذن بن جبرائیل قمی در الروضه و الفضائل « ۱۰۲.

۲۱- علامه حلی در «کشف الیقین»: ص ۱۹۳.

۲۲- شیخ جعفر نقدی در «الأنوار العلویه»: ۱۴-۱۳.

۲۳- طریحی در «مجمع البحرین»: ج ۲، ص ۱۴۰.

نسل فاطمه بنت اسد، شهیدان کربلا

تأثیر گذاری این بانوی بزرگوار، نه تنها در زندگی و تاریخ رسول خدا صلی الله علیه و آله ، بلکه پس از آن نیز ادامه یافت. تولد و پرورش پسری همچون امیرالمؤمنین علی علیه السلام، آغاز ظهور نسلی نورانی و نقش آفرین در حیات بشر بود. در حادثه کربلا و واقعه شهادت سید الشهداء علیه السلام در عاشورای محرم سال ۶۱ هجری قمری، نسل فاطمه بنت اسد چهره های شاخص میدان توحید و شهادت بودند. ابن نما حلی (م ۸۴۱ ه. ق.) در مثیر الأحزان این گونه می نویسد: راویان احادیث گفته اند: هرگاه نزد امام باقر علیه السلام از شهادت امام حسین علیه السلام سخن به میان می آوردیم، ایشان می فرمودند: «هفده نفر را به شهادت رساندند که آنها همه، از رحم فاطمه بودند؛ یعنی فاطمه بنت اسد، مادر حضرت علی الاسلام».^(۱)

*** ۲.

ص: ۱۵۲

۱- ر.ک: ابن نما حلی، مثیر الأحزان: ص ۱۱۱ و علامه مجلسی، بحار الانوار: ج ۴۵، ص ۶۳، ح ۲.

نکاتی برجسته از روایات مطرح شده پیرامون فاطمه بنت اسد

۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی پیرامون خلقت خود و علی طعلیه السلام می فرماید: «آن زمان که خداوند عزوجل اراده نمود صورتهای ما را بیافریند، ما را تبدیل به ستونی از نور نمود... و سپس آن ستون نور را دو نیم کرد... سپس نیمه مربوط به من را در رحم آمنه و نیمه (مربوط به علی) را در رحم فاطمه بنت اسد قرار داد و آنگاه آمنه مرا و فاطمه علی را به دنیا آورد»^(۱).

۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آفرینش علی علیه السلام فرمود: «آنگاه خداوند تبارک و تعالی، علی را از یک کمر پاک، یعنی کمر ابوطالب، بیرون آورد و آن را در بهترین رحم، یعنی رحم فاطمه بنت اسد، به امانت نهاد»^(۲).

۳- هنگامی که فاطمه بنت اسد، تقاضای خوردن خرما را کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: «تنها در صورتی شایستگی خوردن این خرما را پیدا میکنی که به همراه من گواهی دهی که هیچ معبودی جز خدا نیست و من محمد رسول خدا هستم»، فاطمه بنت اسد خواسته پیامبر صلی الله علیه و آله را اجابت نمود و شهادتین را بر زبان

ص: ۱۵۳

۱- شیخ صدوق، علل الشرائع: ج ۱، ص ۲۰۸ - ۲۰۹، ح ۱۱.

۲- فتال نیشابوری، روضه الواعظین: ۷۷، و به نقل از آن: علامه مجلسی، بحار الأنوار: ج ۳۵، ص ۱۰، ح ۱۲.

۴- فاطمه بنت اسد به ابوطالب گفت: سفارش فرزندم محمد صلی الله علیه و آله را به من می کنی و حال آنکه او را از خود و فرزندانم، بیشتر دوست دارم؟! (۲).

۵- فرزندش امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین او را می ستاید: «مادر عیسی در بیت المقدس بود و هنگامی که موعد زایمانش فرا رسید صدای هاتفی را شنید (که به او می گفت): خارج شو! چرا که اینجا نه محل زایمان، بلکه محل عبادت است؛ این در حالی است که مادرم فاطمه بنت اسد در آستانه زایمان، در مسجد الحرام بود که در این هنگام دیوار کعبه از هم باز شد و نجوای هاتفی را شنید که به او می گفت: داخل شو؛ او نیز گام در درون کعبه نهاد و من آنجا دیده به جهان گشودم» (۳).

۶- فاطمه بنت اسد روبروی بیت الله الحرام ایستاده بود که درد زایمان او را فرا گرفت؛ وی در این حالت عرض کرد: «پروردگارا! من به تو و به پیامبران و کتاب های آسمانی که از جانب تو آمده اند، ایمان دارم و آیین جدم ابراهیم را تأیید می کنم...؛ به حق مولودی که در رحم من است، تو را سوگند می دهم که زایمان مرا

ص: ۱۵۴

-
- ۱- ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب: ج ۲، ص ۲۱، علامه محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار: ج ۳۵، ص ۱۷، ح ۱۴.
 - ۲- علامه محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار: ج ۱۵، ص ۳۸۳.
 - ۳- سید محمد تقی رضوی قمی، اللعنه البیضاء فی شرح خطبه الزهراء سلام الله علیها: ص ۲۲۰ - ۲۲۱.

۷- هنگامی که فاطمه بنت اسد می خواست از کعبه خارج شود از آسمان ندایی شنید که بیانگر عظمت و والایی منزلت او بود: «ای فاطمه! نامش را علی بگذار؛ چرا که والا و بلند مرتبه است، و خداوند بلند مرتبه و والاترین میفرماید: نامش را از نام خود برگرفتم و او را به ادب خود، ادب نمودم...»(۲).

۸- هنگامی که فاطمه بنت اسد، علی علیه السلام را در آغوش گرفت و از کعبه بیرون آمد، چنین گفت: «خداوند مرا بر همه زنان پیش از خودم برتری داده است... چرا که آسیه دختر مزاحم (از روی ناچاری، در جایی که برای عبادت پسندیده و شایسته نبود، خداوند را عبادت می کرد...)، مریم دختر عمران نیز درخت خشکیده خرما را با دست خود تکان داد...؛ حال آنکه من وارد بیت الله الحرام شدم و از میوه ها و روزی های بهشت، میل کردم».(۳).

ص: ۱۵۵

-
- ۱- ر.ک: شیخ صدوق، معانی الأخبار: ص ۶۲، ح ۱۰؛ همو، الأمالی: ص ۱۹۴، ح ۹؛ عماد الدین طبری، بشاره المصطفی: ص ۲۷، ح ۱۰؛ اربلی، کشف الغمه: ص ۷۹ و علامه محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار: ج ۳۵، ص ۸، ح ۱۱.
 - ۲- اربلی، کشف الغمه: ج ۱، ص ۸۰ (در آن به جای واژه «شقت» واژه «اشتقت» آمده است).
 - ۳- ر.ک: شیخ صدوق، الأمالی: ص ۱۹۴، ح ۹؛ همو، معانی الأخبار: ص ۶۲، ح ۱۰؛ عماد الدین طبری، بشاره المصطفی: ص ۲۷، ح ۱۰؛ اربلی، کشف الغمه: ص ۷۹ و علامه محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار: ج ۳۵، ص ۸، ح ۱۱

۹- هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر وفات فاطمه بنت اسد را شنید، گریه کنان فرمود: «ای علی! خداوند مادرت را رحمت کند؛ بدان که اگر او مادر تو بود، قطعا مادر من نیز بود» (۱).

۱۰- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «همانا فاطمه بنت اسد، برای من مادری بسیار مهربان و دلسوز بود؛ مرا سیر می کرد و فرزندان خود را گرسنه نگه می داشت؛ برای من لباس تهیه می کرد اما فرزندانش را برهنه نگه می داشت و موهای مرا روغن می مالید اما فرزندان خود را ژولیده رها میکرد» (۲).

۱۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از آنکه در قبر فاطمه بنت اسد دراز کشید فرمود: «خدایا!... به حق پیامبرت محمد و پیامبرانی که قبل از من آمده اند، مادرم فاطمه بنت اسد را بیامرز، حجتش را به او بیاموز و مسیر ورودش به بهشت را گشاده گردان؛ که تو مهربانترین مهربانانی» (۳).

۱۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به خدایی که جان محمد در دستان اوست سوگند که به هنگام خارج شدن از قبر فاطمه بنت اسد، دو چراغ

ص: ۱۵۶

-
- ۱- سمهودی، وفاء الوفاء: ج ۳، ص ۸۹۵-۸۹۷.
 - ۲- شیخ صدوق، الامالی: ص ۳۹۱، ح ۱۴.
 - ۳- ر.ک: خوارزمی، المناقب: ۴۷-۴۸؛ هیثمی، مجمع الزوائد: ج ۹، ص ۲۵۶؛ ابونعیم اصفهانی، حلیه الأولیاء: ج ۳، ص ۱۲۱ و ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه: ص ۳۱.

از نور را در کنار سرش، دو چراغ از نور را در کنار دستانش و دو چراغ از نور را در کنار پاهایش دیدم، و مشاهده نمودم که دو فرشته، مأمور قبر وی شده اند و تا روز قیامت از خداوند برای او طلب آمرزش میکنند» (۱).

۱۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که بر پیکر فاطمه بنت اسد، نماز گزاردم، چهل صف از ملائکه را دیدم و از همین رو برای هر صف از صفوف آنها یک تکبیر گفتم» (۲).

۱۴- از ابن عباس روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای عمار! فرشتگان، افق را پر کرده اند؛ یکی از درهای بهشت به روی فاطمه بنت اسد گشوده شده است؛ یکی از بسترهای بهشت برای او گسترده گردیده است و گلی خوشبو از گل های خوشبوی بهشت برای او فرستاده شده است؛ بنابراین فاطمه بنت اسد در آسایش و در میان گیاهان خوشبوی بهشت به سر می برد و بهشت و نعمت های آن، اقامتگاه او را تشکیل میدهند» (۳).

۱۵- هنگامی که فاطمه بنت اسد به خاک سپرده شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله خود را بر روی قبر او افکند و این گونه در حق او دعا نمود: «خدایا! او را به تو می سپارم».

۱۶- آخرین عبارت پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگام تلقین فاطمه بنت اسد

ص: ۱۵۷

۱- ر.ک: شیخ صدوق، الأمالی: ص ۳۹۲، ح ۱۴ و فتال نیشابوری، روضه الواعظین: ص ۱۲۳.

۲- ر.ک: شیخ صدوق، الأمالی: ص ۳۹۲، ح ۱۴ و فتال نیشابوری، روضه الواعظین: ج ۱، ص ۱۲۳.

۳- فتال نیشابوری، روضه الواعظین: ص ۱۲۳.

این بود که: «خدایا! فاطمه بنت اسد را با گفتار ثابت و پا برجا، استوار گردان» (۱).

۱۷- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «قبر فاطمه (بنت اسد) باغی از باغ های بهشت است» (۲).

۱۸- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «جز فاطمه بنت اسد، هیچ کسی از فشار قبر، معاف نگردیده است» (۳).

***۹.

ص: ۱۵۸

-
- ۱- شیخ صدوق، الامالی: ص ۳۹۱، ج ۳۹۲
 - ۲- فتال نیشابوری، روضه الواعظین: ص ۱۴۳.
 - ۳- ر.ک: ابن حجر عسقلانی، الاصابه: ج ۵، ص ۲۶۸؛ ابن شبه نمیری، تاریخ المدینه: ج ۱، ص ۱۲۴ و شیخ صدوق، الاعتقادات: ص ۵۹.

در این زمینه، نوشته‌هایی چند یافت می‌شود که محل قبر فاطمه بنت اسد را مورد اشاره قرار می‌دهند؛ از آن جمله، نقل گردیده است: فاطمه بنت اسد در درون گنبد اهل بیت، به خاک سپرده شد. این گنبد، ساختمانی هشت ضلعی است که در جنوب غرب قبور ائمه علیهم السلام و قسمت جنوبی قبر عباس، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله، قرار دارد؛ «بیت الأحران»، خارج از حصار گنبد مذکور و در بخش جنوبی قبر فاطمه بنت اسد، واقع است و میان آن دو (یعنی قبر فاطمه بنت اسد و بیت الأحران)، گذرگاهی قرار دارد که تقریباً پنج متر است.

سمهودی (۱) بر پایه نظر اهالی مدینه، در مورد محل دفن فاطمه .

ص: ۱۵۹

۱- سمهودی؛ سید نورالدین ابو الحسن، علی بن عبدالله بن أحمد حسنی قاهری مدنی، مورخ، فقیه و محدث مذهب شافعی. وی در سال ۸۴۴ هجری قمری در سمهود، روستایی در مصر، متولد شد، رشد کرد و در همان جا، نزد پدرش، تحصیل را آغاز نمود. نسب او به امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌رسد. وی پس از مدتی به قاهره رفت و تحصیل در علوم مختلف اسلامی را در آنجا پی گرفت. برخی از اساتید سمهودی در قاهره عبارتند از: شمس الدین محمد جوجری، شرف الدین یحیی مناوی، نجم الدین محمد عجلون و شمس الدین شروانی. سمهودی در سال ۸۷۳ به مدینه هجرت کرد و نزد شهاب الدین أبشیطی و ابوالفرج مراغی به تحصیل و استماع حدیث پرداخت و آثار متعددی را به تألیف رساند. از جمله آثار او می‌توان العقد الفرید فی أحكام التقلید، الأنوار السنیة فی أجوبه الأسئلة الیمنیه، الفتاوی، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی صلی الله علیه و آله و خلاصه الوفا را نام برد. سمهودی سرانجام در سال ۹۱۱ هجری قمری در مدینه درگذشت. ر.ک: موسوعه طبقات الفقهاء: ج ۱۰، ص ۱۷۵، شماره ۳۱۹۴ و ر.ک: مدرس تبریزی، ریحانه الادب: ج ۳، ص ۷۸ و زرکلی، الاعلام: ج ۴، ص ۳۰۷.

بنت اسد می گوید: ابن زباله، از محمد بن عمر بن علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه بنت اسد را، که به مدینه هجرت کرده و بیعت خود را اعلام داشته بود، در «روحاء» روبروی حمام ابو قتیفه به خاک سپرد. همچنین سمهودی می گوید: قبر ابراهیم پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و قبر عثمان بن مظعون نیز در همین مکان قرار دارد.

ابن شبه نمیری^(۱) در روایتی در باره قبر عباس می نویسد:

ص: ۱۶۰

۱- ابن شبه نمیری؛ عمر بن شبه بن عبیده بن زید نمیری، ادیب، شاعر و محدث اهل بصره. ابن شبه در سال ۱۷۳ هجری قمری و ظاهراً در بصره متولد شد. وی مدتی از دوران کودکی خود را در عبادان (= آبادان) گذراند. ابن شبه ادبیات و اخبار عرب را ابتدا از پدر و سپس از استادان بزرگی چون ابو عبیده معمر بن مثنی، اصمعی و محمد بن بشار بن برد فرا گرفت؛ پس از آن برای استماع حدیث به بغداد هجرت کرد و در آنجا از روایانی چون عبد الوهاب ثقفی، محمد ابن جعفر غندر و علی بن عاصم به نقل حدیث پرداخت. وی پس از مدتی، از جمله بزرگ ترین محدثان و آگاهان به اخبار و ادبیات عرب گردید. محدثانی چون ابن ماجه، احمد بن اسحاق تنوخی، ابوبکر احمد بن عبد العزیز جوهری، احمد بن یحیی ملاذری و مورخانی همچون طبری از او روایت کرده اند. رجالیون اهل سنت وی را ثقه دانسته اند. ابن شبه یکی از پیشگامان جمع و تدوین اخبار، اشعار و نوادر عرب به شمار می رود. وی در سرودن شعر نیز مهارت داشته و پاره ای از اشعار او به صورت پراکنده در آثار مختلف وجود دارد. از جمله آثار وی می توان المدینه، مکه، الکوفه، البصره، أمراء المدینه، أمراء الکوفه، الکتاب، الشعر والشعراء، أخبار المنصور، أخبار ابن نمیر، السلطان، اشعار الشره و النسب را نام برد. تنها اثری که از ابن شبه بر جای مانده است کتاب تاریخ المدینه المنوره می باشد که در آن به روش محدثان به ذکر اخبار و وقایع پرداخته است. وی سرانجام در سال ۲۶۳ هجری قمری در گذشت. ر.ک: دائره المعارف بزرگ اسلامی: ج ۴، ص ۶۷، مدخل «ابن شبه»؛ مزی، تهذیب الکمال: ج ۲۱، ص ۳۸۶، شماره ۴۲۵۵ و فرهنگ نامه مؤلفان اسلامی: ج ۱، ص ۵۷۳.

عباس در نخستین مقبره بنی هاشم واقع در «خانه عقیل» و در کنار قبر فاطمه بنت اسد بن هاشم به خاک سپرده شد.

در روایتی بلند که به عنوان رد دیدگاه «ابن نجار» مطرح شده است، نظر او (ابن نجار) درباره مکان قبر فاطمه بنت اسد به این شکل مطرح گردده است: «قبر فاطمه بنت اسد که گنبدی بر روی آن ساخته شده است در آخرین نقطه بقیع قرار دارد» (۱).

زیارت نامه ی فاطمه بنت اسد

در فصل زیارت نامه برخی از منابع، زیارت نامه ویژه ای برای فاطمه بنت اسد، ذکر گردیده است که در ذیل می آید:

ص: ۱۶۱

۱- سمهودی، وفاء الوفاء: ج ۳، ص ۸۹۵ - ۸۹۷.

در کنار قبر ایشان می ایستید و می گوید:

السلام علی نبی الله * السلام علی رسول الله * السلام علی محمد سید المرسلین * السلام علی محمد سید الأولین * السلام علی محمد سید الآخرين * السلام علی من بعثه الله رحمه للعالمین * السلام علیک ایها النبی ورحمه الله وبرکاته؛

« سلام بر پیامبر خدا، سلام بر فرستاده خدا، سلام بر محمد سرور پیامبران، سلام بر محمد سرور گذشتگان، سلام بر محمد سرور آیندگان، سلام بر کسی که خداوند او را به عنوان رحمت برای جهانیان، مبعوث نمود. ای رسول خدا! سلام، رحمت و برکات خداوند بر تو باد.»

السلام علی فاطمه بنت أسد الهاشمیه * السلام علی ایتها الصدیقه المرضیه * السلام علیک ایتها التقیه النقیه * السلام علیک ایتها الکریمه الرضیه * السلام علیک یا کافله محمد خاتم النبیین * السلام علیک یا والده سید الوصیین * السلام علیک یا من ظهرت شفقتها علی

رسول الله خاتم النبیین * السلام علیک یا من تربيتها لولی الله الامین * السلام علی و علی روحک و بدنک الطاهر * السلام علیک و علی ولدک و رحمه الله وبرکاته.

« سلام بر فاطمه بنت اسد که از تبار بنی هاشم است. سلام بر تو ای بانوی صدیقه مرضیه (۱)، سلام بر تو ای بانوی پرهیزگار و پاک، سلام بر تو ای بانوی بزرگوار و مورد رضایت پروردگار، سلام بر.»

ص: ۱۶۲

۱- به معنای «بسیار راستگو و مورد رضایت پروردگار».

تو که سرپرستی محمد صلی الله علیه و آله خاتم پیامبران را بر عهده گرفتی. سلام بر تو ای مادر سرور و آقای اوصیا، سلام بر تو که دلسوزیت به رسول خدا و خاتم پیامبران، آشکار شد. سلام بر تو که ولی امین خداوند را پرورش دادی. سلام بر تو و سلام بر روح و جسم مطهرت، سلام، رحمت و برکات خداوند بر تو و فرزندت باد».

أشهد انك أحسن الكفاله * واديت الأمانه * واجتهدت في مرضات الله * وبالغت في حفظ رسول الله * عارفه بحقه * مؤمنه بصدقه * مغترفه بنبوته * مستبصره بنغمته * كافله بتربيته * مشفقه على نفسه * واقفه على خدمته * مختاره رضاه.

«[ای بانوی بزرگوار!] گواهی می دهم که سرپرستی پیامبر را به نیکویی انجام دادی، امانتدار بودی، در راه رضای خداوند تلاش نمودی، در حفاظت از رسول خدا نهایت تلاش خویش را به کار گرفتی. توحق رسول الله را می شناختی، به صداقت او ایمان داشتی، به نبوتش اعتراف می کردی، از نعمت او کاملاً آگاه بودی، تربیت او را بر عهده گرفتی، در حق او دلسوز بودی، خود را وقف خدمت به او نمودی و خشنودی اش را برگزیدی».

واشهد انك مضيت على الإيمان * و التمسك بأشرف الأديان * راضيه مرضيه * طاهره زكيه * تقيه نقيه * فرضي الله عنك و ارضاك * و جعل الجنة منزلك ومأواك.

«(ای بانوی بزرگوار!) گواهی می دهم که در ایمان و پایبندی به بهترین ادیان (اسلام)، این دنیا را ترک نمودی. خداوند از تو

خشنود شد و تو نیز از او خشنود شدی. تو بانویی پاک، مطهر و پرهیزگار بودی. خداوند از تو خشنود باد، تو را خشنود سازد و بهشت را منزل و پناهگاه تو قرار دهد».

اللهم صل علی محمد و آل محمد و انفعنی بزیارتها * وثبتنی علی محبتها * ولا تحرمنی شفاعتها و شفاعة الثمه من ذریتها * و ارزقنی مرافقتها * واحشرنی معها و مع اولادها الطاهرین.

«خداوندا! بر محمد و خاندان محمد صلی الله علیه و آله درود فرست. خدایا! مرا به واسطه زیارت فاطمه بنت اسد، سود بخش. مرا در محبت او ثابت قدم گردان. شفاعت او و ائمه اطهار علیهما السلام را که از نسل او هستند، از من دریغ مکن. همراهی با او را روزی من گردان و مرا با او و فرزندان مطهرش محشور کن».

اللهم لا- تجعله آخر العهد من زیارتی إیها * و ارزقنی العود إلیها آبدأ ما أبقیتنی * و إذا توفیتنی فاحشرنی فی زمرتها * و أدخلنی فی شفاعتها * برحمتک یا ارحم الراحمین.

« خداوندا! این زیارت را آخرین زیارت من از قبر این بانوی بزرگوار قرار نده و تا زنده ام، توفیق همیشگی بازگشت به سمت قبرش و زیارتش را نصیب من کن. خداوندا! هرگاه جانم را گرفتی مرا در میان همراهان این بانوی بزرگوار، محشور کن و مرا از شفاعت وی بهره مند ساز؛ به حق رحمت و مهربانیات، ای مهربانترین مهربانان».

اللهم بحقها عندک و منزلتها لدیک اغفرلی و لوالدی و لجمیع

المؤمنين والمؤمنات * و آتنا في الدنيا حسنه وفي الآخرة حسنه وقنا برحمتك عذاب النار.

« خداوندا! تو را به منزلت فاطمه بنت اسد و حقی که در نزد تو دارد، سوگند می دهم که من، پدر و مادرم و همه مردان و زنان مؤمن را بیامرزی. خدایا! در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را با رحمت خویش، از عذاب جهنم، نجات بخش.».

آنگاه دو رکعت نماز زیارت میگزارید و هر خواسته ای دارید با خداوند در میان می گذارید و سپس با آرامگاه فاطمه بنت اسد وداع کنید.

زیارت نامه مذکور دقیقا به همین ترتیب، در کتاب گرانقدر «هدیه الزائرین و بهجه الناظرین» تألیف محدث بزرگ شیخ عباس قمی، ثبت شده است. (۱)

محدث قمی به نقل از سید ابن طاووس، شیخ مفید و شهید.

ص: ۱۶۵

۱- این کتاب بسیار مهم و بی نظیر به زبان فارسی نگاشته شده است. مؤسسه جهانی سبطين علیهما السلام، پژوهش و تصحیح نسخه خطی این کتاب را بر عهده گرفت و آن را در ۷۲۴ صفحه منتشر نمود. موثق ترین و صحیح ترین زیارت نامه ها، ادعیه و اعمال عبادی برجای مانده از ائمه اطهار علیهما السلام، در این کتاب ثبت و ضبط شده است و می توان شرح و معرفی اماکن مقدس و زیارتگاه های مطهر ائمه علیهما السلام و اولیای الهی را در آن یافت؛ به گونه ای که خوانندگان و زائرین مؤمن، با مطالعه این کتاب، خود را در فضایی روحانی و معنوی حس می کنند که صفای باطن، پاکی، تربیت درست دینی و اجر و ثواب را برای آنان به ارمغان خواهد آورد.

اول، می گوید: بعد از زیارت ابراهیم، فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، به زیارت فاطمه بنت اسد مادر گرامی امیر المؤمنین علیه السلام بروید. شیخ عباس قمی در ادامه می نویسد: دو مکان وجود دارد که منسوب به فاطمه بنت اسد هستند: یکی زیارتگاه معروف ایشان و دیگری محلی که در بقعه ائمه علیهم السلام قرار دارد و منسوب به ایشان است. زایران محترم دقت فرمایند که زیارت فاطمه بنت اسد، در هر دو محل مذکور، شایسته و بهتر است.

* * *

ص: ۱۶۶

- ۸۵..... «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (نساء: ۵۴)
- ۱۱..... «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ» (احزاب: ۳۳)
- ۱۳۶..... «قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ» (قصص: ۳۳)
- ۱۱..... «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (شورى: ۲۳)
- ۱۱۵ «لَنْ تَرَانِي» ... (اعراف: ۱۴۳)
- ۱۴۸ «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء: ۲۱۴)
- ۱۳۵..... «وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا» (نوح: ۲۶)
- ۱۳۵ «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ» (بقره: ۳۵)
- ۱۳۵ «يَا مُوسَىٰ لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَى الْمُرْسَلُونَ» (نمل: ۱۰)
- ۸۵..... «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ» (توبه: ۳۲)
- ۱۳..... «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ (۸۸) إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (۸۹)» (شعراء: ۸۸ و ۸۹)

- آه آه. لقد سألتني عن خير مولود بعدى على سنة المسيح عليه السلام ٦٤
- إكفى فاطمه بنت رسول الله سقايه الماء والذهب فى الحاجه ٣٠
- اللهم ثبت فاطمه بنت أسد بالقول الثابت ١٥٨، ١٤١
- إن أخاك أبا طالب كثير العيال وقد أصاب الناس ما ترى ١٣٢
- إن الله عز وجل خلقني و على وفاطمه و الحسن و الحسين ١٠٤
- إن الناس يحشرون يوم القيامة عراه ١٤٢، ٣٦
- إنى سلم لمن سالمهم و حرب لمن حاربهم ١٢
- ثم أطلع الله تبارك و تعالى عليا من ظهر ظاهر وهو أبو طالب ١٥٣، ٦٤
- حتى إذا أراد الله عز وجل أن يخلق صورنا صيرنا عمود نور ١٥٣
- رحم الله أمك يا على، أما إنها إن كانت لك أما فقد كانت لى أما ١٥٦
- رحمك الله يا أمى ، كنت أمى بعد أمى ١٤٦ و ٩
- عند ما صليت على فاطمه بنت اسد، فنظرت إلى أربعين صفا ١٥٧
- عيسى كانت أمه فى بيت المقدس، فلما جاء وقت ولادتها ١٥٤
- فقال لها أبو طالب : اصبرى لى سبتاً ٣٦
- قبر فاطمه بنت أسد روضه من رياض الجنه ٢٥

- لا تصلح إلا أن تشهدى معى أن لا إله إلا الله و أنى محمد رسول الله ١٥٣
- لقد كانت فاطمه بنت اسد عليها السلام لى أما حنونه ١٥٦
- (لما ولد رسول الله) فتح لآمنه بياض فارس و قصور الشام ٣٤
- لو أن البحر مداد، و الغياض أقلام، و الإنس كتاب، و الجن حساب، ٥٦
- ما أدرى بأيهما أفرح: بقدوم جعفر، أو بفتح خيبر؟ ٤٧
- ما أعفى أحد من ضغطه القبر إلا فاطمه بنت أسد ٢٥ و ١٥٨
- ما أنزل الله تعالى فى القرآن آيه إلا و على بن أبى طالب عليه السلام رأسها وأميرها ٥٦
- و الذى نفس محمد بيده، ما خرجت من قبرها حتى ١٤٢، ١٥٦
- و هل ترك لنا عقيل من منزل ؟ ٤٢
- هذا أخى و ولى و ناصرى و صفى و ذخرى و كهفى ١٣٣
- يا أبا يزيد، إنى أحبك حنين، جبا لقرابتك، ٤٢
- يا الله الذى يحيى و يميت و هو حى لا يموت اغفر لأمى فاطمه ١٤٧
- يا رسول الله ، ماتت أمى فاطمه بنت أسد ١٤٠
- يا عمار، إن الملائكة قد ملأت الأفق ١٤٢، ١٥٧
- يا فاطمه، سميه عليا فهو على و الله العلى الأعلى يقول ٢٤ و ١٦٥
- اليوم فقدت بر أبى طالب ١٥٠

- أبي عقيل فاعرفوا مكانى * من هاشم و هاشم إخوانى ٤٣
- أغمرنا عرس أبي طالب * وكان عرسا لين الحالب ٦٩
- أم هل ترى فى العالمين بأسرهم * بشراً سواه بيت مکه يولد؟ ٨٩
- أنا الغلام الأبطحى الطالبى * من معشر فى هاشم من غالب ٤٤
- أنت العلى الذى فوق العلى رفعا * بطن مکه عند البيت إذ وضعنا ١٠٠
- جعل الله بيته لعلى * مولداً يا له علا لا يضاهى ٩٤
- خصصتما بالولد الزكى * والطاهر المنتجب الرضى ١١١
- رغد العيش فرده رغدا * بسلافٍ منك تشفى سقمى ١١٢
- سلامه القلب نحتنى عن الزلل * وشعله العلم دلتنى على العمل ٩١
- سمع الليل فى الظلام المديد * همسه مثل أنه المفؤود ١٢٩
- سميته بعلى كى يدوم له * عزّ العلا حيث فخر العز أدومه ١٠٣
- قمت أستكشف عنه سائلا هذا و ذاك * فرأيت الكل مثلى فى اضطراب وارتباك ١٢٥
- لا هم إما يغزون طالب * فى مقنب من هذه المقانب ٣٩
- لما دعاك الله قد ما لأن * تولد فى البيت فلبيته ١٠٢

- ليعلم خيار الناس أن محمداً * وزير لموسى و المسيح ابن مريم ٧٠
- من بدا فازدهر البيت الحرام * و زهت منه ليلالى رجب ١٢٠
- من مثله فى بيت بارثه ولد؟ * ذى خصله قد خص فيها مذ وجد ٩٩
- مولده بمكه قد عرفا * فى داخل الكعبه زيدت شرفا ٩٣
- نور وجهك الذى فاق فى الحسن * على نور شمسنا و الهلال ٢٦
- وأنت أنت الذى حطت له قدم * فى موضع يده الرحمن قد وضع ١٠١
- و قد روى عن أمه فاطمه * ذات التقى و الفضل من بين النسا ٧٨
- ولابتى لأمير النحل تكفينى * بعد الممات و تغسلى و تكفينى ٦٥
- ولدت بيت الله و هى فضيله * خصصت بها إذ فيك أمثالها كثر ٩٧
- ولدت فى البيت بيت الله قارتفعت * أركانها بك فوق السبعه الحجب ٩٨
- ولدته فى حرم الإله و أمنه * و البيت حيث فناوه و المسجد ٨٨
- و ولدت فى البيت الحرام ولم يكن * هذا لغيرك من يكون و من مضى ٩٧
- يا رب إما خرجوا بطالب * فى مقنب من تلكم المقانب ٣٩
- يا رب يا ذا الغسق الدجى * و القمر المبتلج المضى ١١٠

فهرست اعلام (اشخاص، قبایل، اماکن)

پیامبر اسلام (رسول خدا - محمد) صلى الله عليه وآله: ۱۸، ۲۱، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۶۳، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۶، ۸۹، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۶

امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علی - امام علی) علیه السلام: ۲۰، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۸، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۷۳، ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۳، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۹

آسیه بنت مزاحم: ۱۰۸، ۱۵۵

آلوسی، شهاب الدین: ۱۰۰، ۱۰۱

آمنه: ۳۴، ۳۵، ۶۴، ۸۹، ۱۰۵، ۱۴۳

ابا یعلی (حمزه سید الشهداء): ۷۲

ابراهیم خلیل الله علیه السلام: ۱۹، ۱۰۷

ابطح: ۱۱۰

ابن ابی الحدید: ۸۳، ۱۵۱

ص: ۱۷۲

ابن بطريق ، اسدى حلى : ٨١ ، ٨٦

ابن جوزى ، سبط : ٢٢ ، ٧٩ ، ١٤٣

ابن شهر آشوب مازندرانى : ٨٥

ابن طلحه شافعى ، محمد : ٢٣ ، ٧٩

ابن عباس : ٥٦ ، ١٣٩ ، ١٤٠ ، ١٤٢ ، ١٥٧

ابن مسكان كوفى ، عبدالله : ٣٥

ابن نجار : ١٦١

ابو سفيان بن حارث بن عبد المطلب : ٥٤

ابوطالب : ٢٠ ، ٢١ ، ٢٥ ، ٢٦ ، ٢٧ ، ٢٨ ، ٢٩ ، ٣٣ ، ٣٥ ، ٣٦ ، ٣٨ ، ٤٤ ، ٤٣ ، ٤٤ ، ٤٥ ، ٤٦ ، ٤٨ ، ٤٩ ، ٧٠ ، ٧٥ ، ٧٦ ، ٧٧ ، ٧٨ ،

١٠٣ ، ١٠٥ ، ١١٠ ، ١٣٢ ، ١٤١ ، ١٥٠ ، ١٥٣ ، ١٥٤

ابو على همام : ١٠٩ ، ١١١

أحمد بن يعقوب (يعقوبى) : ١٥١

احنف بن قيس تميمى : ٦٥

اربلى ، على بن عيسى : ٨٢

اسامه بن زيد : ١٤٦

اسد بن هاشم بن عبد مناف : ١٧ ، ١٤٥

اسماعيل عليه السلام : ٦٨

اصفهانى ، ابوالفرج : ١٥١

افندى عمرى ، عبدالباقى : ١٠٠

اكنم بن صيفى تميمى : ٦٧ ، ٦٨

أم البنين كلابيه : ۴۳

أم سعيد بنت عمرو: ۴۳

أم هانی بنت ابی طالب (فاخته - هند - فاطمه): ۳۸، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴

امین، سید حسن بن محمود: ۹۷

امین، سید محسن: ۹۶، ۱۵۱

امیه بن ابی صلت: ۶۹

انس بن مالک: ۱۴۴

بخاری، محمد بن اسماعیل: ۴۱، ۵۲

بشر بن حوط همدانی: ۴۴

بقیع: ۱۶۱

بنی عبد العزی: ۱۰۷

پولس سلامه: ۱۲۸

بیت الاحزان: ۱۵۹

بیهقی، احمد بن حسین: ۳۶

تبریزی نجفی، شیخ حسین: ۹۴

قوی لکهنوی هندی، سید علی: ۱۱۹

جعفر بن ابی طالب: ۴۸

جعفر بن عقیل (جعفر اصغر): ۴۴، ۴۵

جعفر بن عقیل (جعفر اکبر - ابو عبد الله): ۴۳

جمانه: ۳۸، ۵۴، ۵۵

جناح مولى (غلام) حارث بن أميه: ٣٢

ص: ١٧٣

حاکم نیشابوری، ابی عبدالله: ۸۰، ۸۱، ۱۵۱

حسن بن علی علیه السلام: ۶۳، ۱۰۵، ۱۴۰، ۱۳۵، ۱۴۱

حسین بن علی علیه السلام: ۴۳، ۶۳، ۱۰۵، ۱۳۵

حطیم: ۶۸، ۱۲۳، ۱۳۰

حکیم بن حزام: ۸۴

حلبی، نور الدین: ۸۰

حوصاء بنت عمرو الثغر: ۴۴

خدیجه بنت خویلد: ۲۹

ذهبی، شمس الدین: ۱۵۱

روحاء: ۱۶۰

زائده بن اصم بن هرم: ۱۷

زرکلی، خیر الدین: ۱۵۱

سعید بن جبیر: ۱۰۶

سمهودی: ۸۰، ۱۵۹، ۱۶۰

سید بن طاووس: ۱۶۵

سید حمیری، اسماعیل بن محمد: ۸۷

شافعی سمهودی: ۸۰

شهید اول، محمد بن مکی عاملی: ۱۶۶

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن: ۹۴

شیخ شبلینجی: ۸۰

شيخ صدوق، محمد بن علي بن بابويه قمى: ١٥١، ١٠٦، ١٠٣

شيخ محمود عباس عاملى: ٩٨

شيخ مفيد، محمد بن نعمان بغدادى: ٨١، ١٦٦

شيرازى، ميرزا اسماعيل: ١١٢

صرخد: ١١٤

صعصعه بن صوحان: ١٣٤

ضحاك، ابن ابى عاصم: ١٥١

طالب بن ابى طالب: ٣٨

طبرانى، سليمان بن أحمد: ١٥١

عاملى، شيخ محمود عباس: ٩٩

عباس بن عبد المطلب: ١٠٧

عبد الرحمان بن عقيل: ٤٣، ٤٤

عبدالله بن أبى ربيعه مخزومى: ٥٠

عبدالمطلب: ٢٦، ٢٧، ١٠٥، ١٠٧

عبيدالله بن زياد: ٤٣

عثمان بن خالد بن أسير جهنى: ٤٣

عثمان بن خالد بن أشيم: ٤٤

عثمان بن مظعون: ١٦١

عزير عليه السلام: ١١٨

عسقلانى، ابن حجر: ١٥١

عقيل بن ابي طالب (ابو يزيد): ٤٦

علامه اميني، عبدالحسين : ١١٢

ص: ١٧٤

علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر: ۸۲، ۱۵۲

علامه مجلسی، محمدباقر: ۱۵۱

علامه هندی، سیدرضا: ۱۰۱

علاء الدین حلی، علی بن حسین: ۸۹

عمار بن یاسر (ابو یقظان): ۱۴۱

عمرو بن عاص بن وائل سهمی قرشی: ۴۹

عیسی بن مریم: ۱۳۶

فاطمه بنت اسد: ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۸، ۴۹، ۷۳، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۸، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶

فاطمه بنت حمزه: ۳۱

فاطمه بنت زبیر: ۳۱

فاطمه بنت قیس بن هرم: ۱۷

فاطمه زهرا علان: ۱۸، ۳۰، ۱۰۳

فیض کاشانی، مولی محسن: ۱۵۱

قاضی ابو عمرو، عثمان بن احمد: ۷۵

قبیله بنی صعصعه: ۴۳

قبیله قصی: ۱۱۷

قریش: ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۷۲، ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۱۰۲، ۱۳۱، ۱۳۶

قمی، مولی محمد طاهر بن محمد: ۹۰

قیس بن عاصم منقری: ۶۶

قیسی بصری، صالح: ۷۸

کعبه (بیت الله الحرام - مسجد الحرام): ۱۹، ۲۴، ۵۵، ۵۶، ۶۲، ۶۴، ۶۸، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۹۰، ۹۳، ۹۵، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۵۴، ۱۵۵

کلینی، محمد بن یعقوب: ۱۵۱

کوه صفا: ۷۷

کوه طور: ۱۱۴، ۱۱۶

گنجی شافعی، عبدالله: ۸۰، ۸۱

محدث قمی، شیخ عباس: ۱۶۵

محمد بن عمر بن علی بن ابی طالب: ۱۶۰

مریم بنت عمران: ۱۰۸، ۱۵۵

ص: ۱۷۵

مسعودی، علی بن حسین: ۲۱، ۷۹

مسلم بن عقیل: ۴۳

معاذ بن جبل: ۱۰۳

مفضل بن عمر: ۳۴

مکہ (امّ القری): ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۹، ۳۱، ۳۳، ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۴۸، ۴۹، ۵۲، ۷۴، ۹۳، ۹۵، ۹۶، ۱۰۰، ۱۱۸، ۱۳۳، ۱۳۸

منا: ۹۵

موسیٰ علیہ السلام: ۱۱۴

نجاشی (اصحمة بن بحر): ۴۸، ۴۹، ۵۱

نقدی، شیخ جعفر: ۱۵۲

نمیری، ابن شہ: ۱۵۱، ۱۶۰

نوح علیہ السلام: ۱۳۵

ہاشم (ہاشمی - بنی ہاشم): ۲۶، ۳۳، ۴۲، ۳۸، ۴۳، ۴۴، ۷۵، ۱۳۱، ۱۴۵، ۱۶۱، ۱۶۲

ہبیرہ بن عمرو مخزومی: ۵۲

ہشام بن عبدالملک: ۱۱۱

ہیثمی، علی بن ابی بکر: ۱۵۱

یزید بن قعب: ۹۴، ۱۰۷

یونس (ذا النون) علیہ السلام: ۷۳

ص: ۱۷۶

- ۱- الآحاد والمثاني، ضحاک، ابن أبي عاصم، (ت ۲۸۷ هـ)، رياض: دار الدرايه، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۱ م.
- ۲- الاختصاص، شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان (ت ۴۱۳ هـ)، قم: مؤسسه انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين.
- ۳- الإصابه في تمييز الصحابه، عسقلاني، ابن حجر (ت ۸۵۲ هـ)، بيروت: دارالجبل، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ - ۱۹۹۱ م.
- ۴- أدب الطف (شعراء الحسين عليه السلام)، جواد شبر، بيروت: دار المرتضى، ۱۴۰۹ هـ -
- ۵ - أسد الغابه، ابن اثير جزري، علي بن محمد شيباني (ت ۶۳۰ هـ)، بيروت: دار الفكر، ۱۴۲۳ هـ.
- ۶- اصول كافي (الكافي)، كليني، أبو جعفر (ت ۳۲۹ هـ)، بيروت: دارالأضواء، ۱۴۰۵ هـ. ۱۹۸۵ م.
- ۷ - الأعلام، زرکلي، خيرالدين (ت ۱۴۱۰ هـ)، بيروت: دار العام للملايين، چاپ هفتم، ۱۹۸۶ م.
- ۸- أعيان الشيعة، امين، محسن (ت ۱۳۷۱ هـ)، بيروت: دار التعارف للمطبوعات.
- ۹- الأمالي، شيخ صدوق، محمد بن علي بن بابويه (ت ۳۸۱ هـ)، بيروت: مؤسسه اعلمي.

- ۱۰- امیر المنابر (دکتر أحمد الوائلی)، روازق، صادق جعفر، بیروت: دارالمحجہ البيضاء، چاپ اول، ۲۰۰۴م.
- ۱۱- بحار الأنوار، مجلسی، محمدباقر (ت ۱۱۱۱ هـ)، بیروت: مرکز الدراسات والبحوث العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ - ۱۹۹۲م.
- ۱۲- تاریخ مدینه المنوره، بصری، ابن شبه نمیری (ت ۲۶۲ هـ)، ایران: دار الفکر، ۱۴۱۰ هـ.
- ۱۳- تاریخ یعقوبی، أحمد بن یعقوب (ت ۲۸۴ هـ)، انتشارات شریفرضی، ۱۴۱۴ هـ.
- ۱۴- تتمه الأعلام للزکلی، محمد خیر رمضان یوسف، بیروت: دار ابن حزم، چاپ دوم، ۱۴۲۲ هـ.
- ۱۵- تذکره الخواص، سبط ابن جوزی (ت ۶۵۴ هـ)، تحقیق: حسین تقی زاده، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶ هـ.
- ۱۶- تصحیح اعتقادات الامامیه، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (ت ۴۱۳ هـ)، بیروت: دار المفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۳م.
- ۱۷- تفسیر صافی، محدث کاشانی، محسن فیض (ت ۱۰۹۱ هـ)، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۳۹۹ هـ - ۱۹۷۹م.
- ۱۸- تهذیب الکمال، مزی، یوسف بن عبد الرحمان (ت ۷۴۲ هـ)، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ ششم، ۱۴۱۵ هـ.
- ۱۹- حلیه الأولیاء وطبقات الأصفیاء، اصفهانی، ابونعیم (ت ۴۳۰ هـ)، دار الکتب عربی، چاپ پنجم، ۱۴۰۷ هـ . ۱۹۸۷م.
- ۲۰- الخرائج والجرائح، راوندی، قطب الدین (ت ۵۷۳ هـ)، مؤسسه اماممهدی (عج)، ۱۴۰۹ هـ.
- ۲۱- خصائص الأئمه، شریف رضی (۱۴۰۶)، مشهد: مرکز پژوهش های

۲۲- خصائص الوحي المبين، يحيى بن حسن اسدي حلي (معروف به ابن بطريق) (ت ۶۰۰ هـ)، به تحقيق مالك محمودي، قم: دارالقرآن الكريم، چاپخانه نگين، ۱۴۱۷ هـ.

۲۳- دائره المعارف بزرگ اسلامي، مركز دائره المعارف بزرگ اسلامي، تهران: چاپ چهارم، ۱۳۸۳ ش.

۲۴- دائره المعارف تشيع، احمد صدر حاج سيد جوادى / كامران فانى / بهاء الدين خرمشاهى، تهران: مؤسسه انتشارات حكمت، ۱۳۹۱ ش □

۲۵- دانشنامه شعر عاشوراىي، مرضيه محمدزاده، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، چاپ اول: ۱۳۸۳ ش □

۲۶- روضه الواعظين، نيشابورى، محمد بن فتال (ت ۵۰۸ هـ)، قم: انتشارات دليل ما، چاپ اول، ۱۴۲۳ هـ. و انتشارات شريف رضى، تحقيق محمد مهدى خرسان.

۲۷- رياحين الشريعه (ترجمه دانشمندان بانوان شيعه)، ذبيح الله محلاتي، تهران، دار الكتب الإسلاميه، ۱۳۷۰ ش.

۲۸- سير اعلام النبلاء، ذهبى، شمس الدين (ت ۴۷۸ هـ)، بيروت: مؤسسه الرساله، چاپ نهم، ۱۴۱۳ هـ. ۱۹۹۳ م.

۲۹- السيره الحلبيه، على بن برهان الدين حلبى شافعى (ت ۱۰۴۴ هـ)، قاهره: انتشارات الاستقامه، ۱۳۸۲ هـ. ۱۹۶۲ م.

۳۰- شرح نهج البلاغه، ابن ابى الحديد (ت ۶۵۶ هـ)، تحقيق: محمدابو الفضل ابراهيم، دار إحياء الكتب العربيه، چاپ دوم، ۱۹۶۵ م.

۳۱- الطبقات الكبرى، محمد بن سعد (ت ۲۳۰ هـ)، دار الكتب العاميه.

۳۲- علل الشرائع، شيخ صدوق، محمد بن على بن بابويه قمى

(ت ٣٨١ هـ)، بيروت: مؤسسه انتشارات الأعلمی؛ و نجف اشرف: المكتبه الحیدریه.

٣٣- عمده، یحیی بن حسن اسدی حلّی (معروف به ابن بطریق) (ت ٥٦٠٠ هـ)، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ١٤٠٧.

٣٤- الغدیر فی التراث الاسلامی، طباطبائی، سید عبد العزیز (ت ١٣٧٤ ش)، قم: الهادی، چاپ دوم، ١٣٧٤ ش.

٣٥- الغدیر فی الکتاب والسنه والأدب، امینی، عبد الحسین (ت ١٣٩٢ هـ)، تهران: دارالکتب اسلامی.

٣٦- فاسألوا أهل الذکر، تیجانی، محمد، قم: انتشارات انصاریان

٣٧- فرهنگ نامه مؤلفان اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم: چاپ اول، ١٣٨٩ ش.

٣٨- الفصول المهمه فی معرفه الأئمه، علی بن محمد بن أحمد مالکی مکی (ت ٨٥٥ هـ)، دار الحدیث، چاپ اول ١٤٢٢ هـ.

٣٩- قاموس الرجال، شوشتری، محمد تقی (ت ١٤١٦ هـ)، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ١٤١٠ هـ.

٤٠- کشف الغمه فی معرفه الأئمه، أبو الحسن اربلی (ت ٦٩٣ هـ)، انتشارات

شریف رضی ١٤٢١ هـ.

٤١- کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، متقی هندی، علی بن حسام (ت ٩٧٥ هـ)، علاء الدین، کتابخانه تراث اسلامی

٤٢- مائه منقبه من مناقب أمير المؤمنين، محمد بن احمد قمی، ابن شاذان (ت ٤١٢ هـ)، قم: مدرسه امام مهدی (عج)، ١٤٠٧ هـ.

٤٣- المجدی فی أنساب الطالبيين، عمری، علی بن محمد علوی

ص: ١٨٠

(ت ٧٠٩هـ)، قم: كتابخانه آيه الله مرعشى نجفى، چاپ اول، ١٤٠٩ هـ

٤٤-مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، نور الدين على بن ابى بكر هيلامى

(ت ٨٠٧هـ)، بيروت: دار الكتاب العربى، چاپ دوم، ١٩٧٦ م.

٤٥-مدینه المعاجز، بحرانی، هاشم (ت ١١٠٧هـ)، تحقيق عزت الله همدانى، مؤسسه معارف اسلاميه، چاپ اول، ١٤١٣ هـ

٤٦-مروج الذهب، مسعودى، على بن حسين (ت ٣٦٤هـ)، تحقيق: سعيدلحام، بيروت: دار الفكر.

٤٧-المزار، شهيد اول، محمد بن مكى عاملى (ت ٧٨٦هـ م)، قم: مدرسه امام مهدى (عج)

٤٨-مستدرک الوسائل، طبرسى، ميرزا حسين نورى (ت ١٣٢٩ هـ)، مشهد: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، چاپ اول، ١٤٠٧ هـ

٤٩-المستدرک على الصحيحين، ابى عبدالله نيشابورى، حاكم

(ت ٤٠٥ هـ)، بيروت: دار المعرفه.

٥٠-مطالب السؤل، محمد بن طاحه شافعى، أبوسالم (ت ٦٥٢ هـ)، بيروت: مؤسسه البلاغ، چاپ اول، ١٤١٩ هـ - ١٩٩٩ م.

٥١-معانى الأخبار، شيخ صدوق، محمد بن على بن بابويه (ت ٣٨١ هـ)، قم: مؤسسه نشر اسلامى وابسته به جامعه مدرسین.

٥٢-المعجم الاوسط، طبرانى، حافظ سليمان بن احمد (ت ٣٦٠ هـ)، رياض: مكتبه المعارف، چاپ اول، ١٤٠٥ هـ. ١٩٨٥ م.

٥٣-المعجم الكبير، طبرانى، حافظ سليمان بن احمد (ت ٣٦٠ هـ)، انتشارات الدار العربيه چاپ اول.

٥٤-معجم المؤلفين، كحاله، عمر رضا (ت ١٤٠٨ هـ)، بيروت: دار إحياء التراث العربى □

۵۵-مقاتل الطالبین، اصفهانی، ابو الفرج (ت ۳۵۶هـ)، شرح و تحقیق:سید احمد صقر.

۵۶-المقنعه، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (ت ۴۱۳ هـ)، بیروت:دارالمفید، چاپ دوم ۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۳م.

۵۷-المناقب، احمد بن محمد خوارزمی (ت ۵۸۶هـ)، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.

۵۸-مناقب آل ابي طالب، ابن شهر آشوب مازندرانی (ت ۵۸۸ هـ)، بیروت: دارالأضواء، چاپ دوم، ۱۹۹۱ م، ۱۴۱۲ هـ.

۵۹-موسوعه طبقات الفقهاء، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم: چاپ اول، ۱۴۱۸.

۶۰-نور الأبصار فی مناقب آل بیت النبی المختار صلی الله علیه و آله وسلم ، شبلنجی، مؤمن (ت ۱۲۹۱ هـ)، انتشارات شریف رضی.

۶۱-نهج الحق و كشف الصدق، علامه حلی، حسن بن یوسف (ت ۷۲۶هـ)، ایران: مؤسسه دار الهجرة، چاپ اول، ۱۴۰۷ هـ.

۶۲-وفاء الوفاء، سمهودی، نور الدین علی بن أحمد (ت ۹۱۱)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ چهارم، ۱۴۰۴ هـ. ۱۹۸۴م.

۶۳-ولید الکعبه، اردوبادی تبریزی نجفی، محمد علی (ت ۱۳۸۰ هـ)، تحقیق: محمد رضا جلالی، مکتبه الحیدریه، چاپ اول، ۱۴۲۵.

۶۴-ینابیع الموده لذي القربى، قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم (ت ۱۲۹۴ هـ)، تحقیق: سید علی جمال اشرف حسینی، دارالاسوه، ۱۴۱۶ هـ.

ص: ۱۸۲

تقدیم ۴

سخن مؤسسه ۵

کلام پیامبر اسلام ص در ستایش فاطمه بنت اسد ۹

پیشگفتار (ضرورت معرفی اسوه های اسلامی) ۱۰

بخش نخست: تبار و شخصیت

تبارشناسی فاطمه بنت اسد ۱۷

تبارشناسی مادر فاطمه بنت اسد ۱۸

سیر زندگانی فاطمه بنت اسد ۱۹

جایگاه فاطمه بنت اسد ۲۰

فاطمه، سرپرست و مادری مهربان برای رسول خدا ۲۵

بخش دوم: جایگاه و منزلت فاطمه بنت اسد

بیعت، وفاداری و یاری ۲۹

هجرت فاطمه بنت اسد ۳۱

فاطمه بنت اسد، راوی احادیث نبوی ۳۳

بشارت ها و فضایل ۳۳

بخش سوم: فرزندان فاطمه بنت اسد

۱- طالب ۳۹

۲- عقیل ۴۰

۳- جعفر ۴۷

٤- أم هانى..... ٥١

٥- جمانه ٥٤

٦- على أمير المؤمنين عليه السلام..... ٥٥

ص: ١٨٣

بخش چهارم: بارداری فاطمه بنت اسد و ولادت مولود کعبه علی

بشارت پیامبر به ابوطالب ۶۳

شاهدی بر حکمت و بلاغت ابوطالب ۶۵

رؤیای صادقه ۷۳

دوران بارداری فاطمه بنت اسد ۷۵

مولود کعبه و چگونگی زایمان فاطمه بنت اسد ۷۹

ولادت امیر المؤمنین علی در کعبه ۱۰۳

روایتی دیگر پیرامون تولد امیر المؤمنین ۱۰۶

بزرگان ادب، میلاد علی ما را می سرایند ۱۱۲

رسول خدا بر عهده دار سرپرستی علی ۱۳۱

بخش پنجم: رحلت فاطمه بنت اسد

نسل فاطمه بنت اسد، شهیدان کربلا ۱۵۲

نکاتی برجسته از روایات مطرح شده پیرامون فاطمه بنت اسد ۱۵۳

آرامگاه فاطمه بنت اسد ۱۵۹

زیارت نامه فاطمه بنت اسد ۱۶۱

فهرست آیات کریمه ۱۶۷

فهرست روایات ۱۶۸

فهرست اشعار ۱۷۰

فهرست اعلام (اشخاص، قبایل، اماکن) ۱۷۲

فهرست منابع و مآخذ ۱۷۷

فهرست مطالب ۱۸۳

دستاوردهای علمی مؤسسه جهانی سبطين عالیا ۱۸۵

ص: ۱۸۴

- ۱- هدیه الزائرین وبهجه الناظرین: تألیف شیخ عباس قمی ره، تحقیق مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام.
- ۲- قطره ای از دریای غدیر: گروه پژوهش ها و مطالعات، مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام، چاپ سوم.
- ۳- مهربانترین نامه (شرح نامه ۳۱ نهج البلاغه): تألیف سید علاء الدین موسوی اصفهانی
- ۴- پرسش ها و پاسخ های اعتقادی: گروه پژوهش ها، مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام، چاپ دوم.
- ۵- روز شمار تاریخ اسلام: گروه پژوهش ها و مطالعات، مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام.
- ۶- غربت یاس: گروه پژوهش ها و مطالعات، مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام، چاپ پنجم.
- ۷- حجاب، حریم پاکی ها: گروه پژوهش ها و مطالعات، مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام، چاپ سوم.
- ۸- سکینه (س)، پرده نشین قریش: تألیف سید الحلو، بخش ترجمه، مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام.
- ۹- اطبیب البیان فی تفسیر القرآن: تألیف آیت الله سید عبدالحسین طیب، تحقیق و تصحیح مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام، (۲۳ جلد).
- ۱۰- شبهای پیشاور: تألیف سلطان الواعظین شیرازی، تحقیق مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام، (۲ جلد).
- ۱۱- اصالت مهدویت: گروه پژوهش ها و مطالعات، مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام.
- ۱۲- امیر یتیم نواز (ویژه کودک و نوجوان): تألیف و نشر مؤسسه جهانی

سبطین علیهم السلام .

۱۳- بانوی بخشنده (ویژه کودک و نوجوان): تألیف و نشر مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام.

۱۴- بیعت غدیر (ویژه کودک و نوجوان): تألیف و نشر مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام.

۱۵- پیامبر رحمت (ویژه کودک و نوجوان): تألیف و نشر مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام.

۱۶- دردانه نبی (ویژه کودک و نوجوان): تألیف و نشر مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام.

۱۷- ریحانه نبی (ویژه کودک و نوجوان): تألیف و نشر مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام.

۱۸- گلستان حدیث (ویژه کودک و نوجوان): تألیف و نشر مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام.

۱۹- هدایت شدگان: تألیف مؤسسه جهانی سبطین عالیا، بررسی سرگذشت تعدادی از شخصیت های معاصر که به مکتب تشیع گرویدند.

۲۰- یکصد و بیست حدیث در فضائل اهل بیت علیهم السلام: تألیف و نشر مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام، چاپ دوم.

۲۱- عصر غیبت (رهیافتی به وظایف و واجبات منتظران ظهور): گروه پژوهش ها و مطالعات، مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام.

۲۲- فاطمه بنت آسد، دامان نبوت و امامت: تألیف مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام.

به زبان عربی

۲۳- فقه الإمام جعفر الصادق علی: تألیف علامه مغنیه، تحقیق مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام، چاپ سوم، (۶ جلد).

ص: ۱۸۶

- ۲۴ - قصص القرآن الكريم دلاليا وجماليا: تأليف دكتور محمود البستاني ، چاپ دوم، (۲ جلد).
- ۲۵ - محاضرات الامام الخوئي بل فى المواريث : به قلم سيد محمد على خراسان، چاپ دوم.
- ۲۶ - المولى فى الغدير : تأليف گروه پژوهش ها و مطالعات مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام.
- ۲۷ - أدب الشريعة الاسلاميه : تأليف دكتور محمود البستاني، چاپ دوم.
- ۲۸ - عقيله قريش آمنه بنت الحسين : تأليف سيد الحلو، چاپ دوم، تصحيح مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام.
- ۲۹ - أنصار الحسين عليه السلام الثوره والثوار: تأليف سيد الحلو، تصحيح مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام، چاپ دوم.
- ۳۰ - التحريف والمحرфон: تأليف سيد محمد على الحلو، تصحيح مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام.
- ۳۱ - الحسن بن على عليه السلام (رجل الحرب والسلام): تأليف سيد محمد على الحلو، تصحيح مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام.
- ۳۲ - بضعه المصطفى صلى الله عليه و آله وسلم: تأليف سيد مرتضى الرضوى، تحقيق مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام.
- ۳۳ - الحتميات من علائم الظهور : تأليف سيد فاروق موسى، تحقيق مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام ، چاپ سوم.
- ۳۴ - معالم العقيدة الإسلاميه : گروه پژوهش ها و مطالعات مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام، چاپ دوم.
- ۳۵ - هويه التشيع : مرحوم دكتور شيخ أحمد الوائلى، چاپ سوم، تحقيق مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام.
- ۳۶ - نحن الشيعة الإماميه وهذه عقائدنا : تأليف سيد محمد الرضى الرضوى، تصحيح مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام، چاپ دوم.

۳۷ - لماذا اخترنا مذهب الشيعة الإماميه؟ : تأليف سيد محمد الرضى الرضوى، تصحيح مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام

۳۸ - المثل الأعلى : تأليف سيد محمد الرضى الرضوى، تصحيح مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام.

۳۹ - الشيعة و فنون الاسلام : تأليف مرجع بزرگ سيد حسن صدر، تصحيح مؤسسه سبطين عليهم السلام.

۴۰ - بحوث عقائديه : كزیده ای از مباحث كلامی آیت الله العظمی خوئی، چاپ دوم.

۴۱ - عصر الغيبه، الوظائف والواجبات : تأليف شيخ على شطرى، تصحيح مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام.

۴۲ - العروه الوثقى و التعليقات عليها: گردآوری و تدوين ۴۱ تعليقه مراجع كبار و علمای اعلام بر كتاب العروه الوثقى توسط مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام، (۱۵ جلد).

۴۳ - تفسير القرآن للشريف المرتضى : كزیده آرای تفسیری سيد مرتضى علم الهدى، تصحيح مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام. (۸ جلد).

۴۴ - الإمام الجواد عليه السلام الإمامه المبكره : تأليف سيد الحلو، تصحيح مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام، چاپ دوم.

۴۵ - مع السنه ، أصحاب المذاهب الأربعة : تأليف سيد محمد الرضى الرضوى ، تصحيح مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام.

۴۶ - فاطمه بنت أسد، حجر النبوه والإمامه : تأليف مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام.

۴۷ - لكل شىء علامه يعرف بها: تأليف سيد محمد الرضى الرضوى، تصحيح مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام.

۴۸ - أفضل كل شىء وأحسنه : تأليف سيد محمد الرضى الرضوى ، تصحيح مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام.

- ٤٩ - البيان فى حوادث آخر الزمان : تأليف سيد محمد الرضى الرضوى، تحقيق مؤسسه سبطين عليهم السلام، چاپ سوم.
- ٥٠ - التعازى : تأليف محمد بن على المعروف با «ابن الشجرى». و تصحيح مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام.
- ٥١ - الأمير الشفيق : تأليف بخش عربى كودك و نوجوان مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام.
- ٥٢ - الإمام الحنون : تأليف بخش عربى كودك و نوجوان مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام.
- ٥٣ - بيعه الغدير : تأليف بخش عربى كودك و نوجوان مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام.
- ٥٤ - السيده الكريمه : تأليف بخش عربى كودك و نوجوان مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام.
- ٥٥ - نبى الرحمه : تأليف بخش عربى كودك و نوجوان مؤسسه سبطين عليهم السلام.
- ٥٦ - من أنا: تأليف بخش عربى كودك و نوجوان مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام.
- ٥٧ - اتقوا الظلم: تأليف سيد محمد الرضى الرضوى، تصحيح مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام.
- ٥٨ - فتح الباب للوقوف على علم عمر بن الخطاب : تأليف سيد محمد الرضى الرضوى، تصحيح مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام.
- ٥٩ - الكنز الدفين لشيعة أمير المؤمنين : تأليف سيد محمد الرضى الرضوى، تصحيح مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام.
- ٦٠ - معالم التشريع الإسلامى : تأليف مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام.
- ٦١ - مائه وعشرون حديثاً فى فضائل أهل البيت عليهم السلام: تأليف مؤسسه جهانى سبطين عليهم السلام.

به زبان انگلیسی

- ۶۲ - سکنه علیه السلام ، پرده نشین قریش : بخش ترجمه، مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام.
- ۶۳ - شهادت حضرت فاطمه ال افسانه نیست : بخش ترجمه، مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام، چاپ دوم.
- ۶۴ - علوم قرآنی: گروه پژوهش ها و مطالعات و ترجمه - بخش انگلیسی مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام.
- ۶۵ - مفاهیم قرآنی : گروه پژوهش ها و مطالعات و ترجمه - بخش انگلیسی مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام.
- ۶۶ - مباحثی پیرامون امامت : گروه پژوهش ها و ترجمه - بخش انگلیسی مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام.
- ۶۷ - مباحثی پیرامون نبوت : گروه پژوهش ها و ترجمه - بخش انگلیسی مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام.

به زبان فرانسه

- ۶۸ - مؤتمر علماء بغداد : تالیف مقاتل بن عطیه: بخش ترجمه، مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام.

به زبان اردو

- ۶۹ - شهادت حضرت فاطمه سلام الله علیها افسانه نیست : بخش ترجمه، مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام، چاپ دوم.
- ۷۰ - قطره ای از دریای غدیر : بخش ترجمه، مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام.
- ۷۱ - مهربانترین نامه (مشفقانه وصیت نامه) : بخش ترجمه، مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام

- مجمع البیان فی تفسیر القرآن «طبرسی»، (تحقیق، تعلیق و اضافه های مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام).
- منتخب التواریخ : تألیف ملا محمد هاشم خراسانی (به زبان فارسی)، تحقیق و تصحیح مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام
- معالم الأخلاق الإسلامیه : تألیف مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام.
- الموسوعه الإسلامیه المیسره : تألیف مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام.
- ملحق العروه الوثقی: تألیف آیت الله العظمی طباطبایی یزدی ، تحقیق مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام.
- مرجعیه أهل البیت علیهم السلام العالمیه :تألیف مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام.

نشانی مراکز پخش دستاوردهای علمی

مؤسسه جهانی سبطين عليهم السلام

۱. دفتر مرکزی: قم - خیابان انقلاب (چهار مردان) - کوچه ۲۶ - پلاک ۴۷ و ۴۹

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۰۳۳۳۰ - فاکس: ۰۲۵ - ۳۷۷۰۶۲۳۸

۲. قم - خیابان معلم - مجتمع ناشران - طبقه اول - غرفه شماره ۱۰۶

تلفن: ۰۹۰۱۰۹۵۸۵۰۱

۲۰ - ۳۷۸۴۲۴۱۹ - ۰۲۵

URL: www.sibtayn.com

E_mail: sibtayn@sibtayn.com

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

